هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۱ تیر ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۱۶
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

H A F T - E - S O B H D A I L Y

محفل خواهرزاده و دایی جان و شوهرخاله

قصه های گمشده صفحه ۰۴

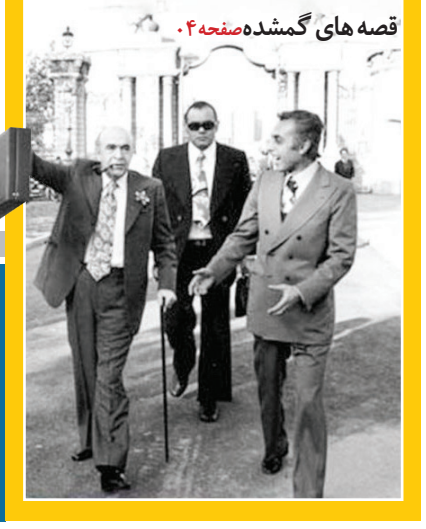

می توانید تویوتا و نیسان و اشکودا بخرید

خودروهای وارداتی که قیمتشان قطعی شد صفحه ۰۵ رابخوانید

نوشابه و اسنک و شیر کم چرب!

نکات خواندنی از گزارش عملکرد مهم‌ترین فروشگاه‌های گروه اسنپ در سال گذشته

● یورو ۲۰۲۴ در احاطه فیک‌نیوز / انتشار اطلاعات غلط از شعارهای حمایت از پوتین تا تشویق پلیس آلمان به مصرف علف به جای الکل در جام ملت‌های اروپا ● از این ورها آقای اسکوچیچ؟ / مربی کروات که گفته بود دیگر در ایران مربیگری نخواهد کرد، سرمربی تراکتور شد ● یک باگ در نقشه جنایی تو را به دار می کشد! / در طراحی سناریوهای حساب شده برای قتل گاهی اوقات یک اشتباه ساده دست قاتل را رو می کند ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

داستان مالیات در استکهلم

درباره شیوه های مداخله دولت های اسکاندیناوی در اقتصاد و زندگی

در بسته آخر هفته بخوانید:

● جای خالی احمدرضا
احمدرضا احمدی فرزندی از کرمان، دنیای شعر و داستانی را برای همیشه ترک کرد و رفت

● چرا این بی‌پولی نمی گذره؟
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی در هفته‌گذشته

● طویله غریبی است دنیا
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، محمد طالبیان، نادر نامدار، رضا فراهانی، حمید رستمی

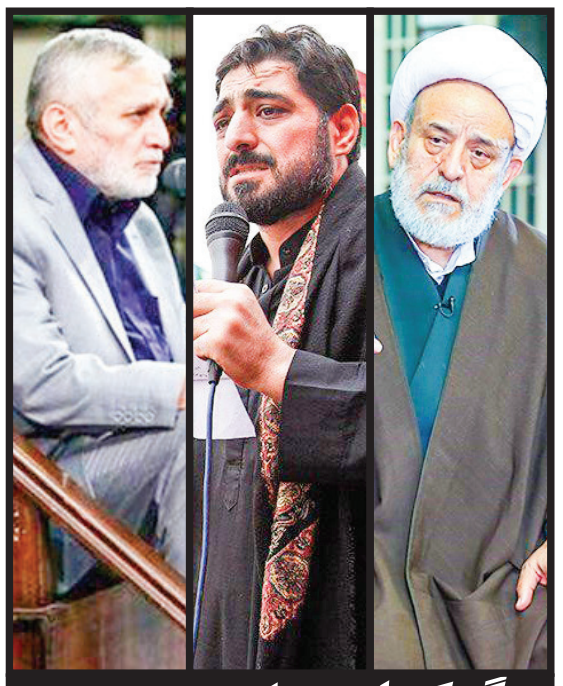

سیاست را فراموش کن برق را به خاطر بسپار!

ابعاد بحران برق و خاموشی‌های گسترده که صنعت و شهرهای بزرگ ایران را نشانه رفته است

فاطمه رجبی | دیروز خبر آمد که به‌منظور جلوگیری از خاموشی سراسری و قطع برنامه‌ریزی شده برق در ۱۳ استان روز پنجشنبه به عنوان روز تعطیل اعلام شده است تا از طریق کاهش مصرف برق ادارات بتوان شبکه را مدیریت کرد و خاموشی‌ها را دور زد. بنابراین استان‌های سمنان، زنجان، خوزستان، قم، بوشهر، مرکزی، اصفهان، یزد، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، خراسان جنوبی، لرستان در روز پنجشنبه به دلیل کمبود برق تعطیل هستند. تهران هم اغلب ادارات و شرکت‌ها در این روز کار نمی‌کنند. به این ترتیب این امید در شرکت برق وجود دارد که بتواند دست کم برای یکی دو روز هم که شده بحران برق را پشت سر بگذارد، تقریبا نیمی از هفته آینده هم که تعطیل است بنابراین برای چند روز فشار از روی شبکه برداشته می‌شود.

مصرف زیاد است یا برق کم؟

دقیقا چه اتفاقی دارد برای برق در ایران می‌افتد؟ آیا تولید برق مناسب نیست یا مصرف بیشتر شده؟ پاسخ هر دوی این سوال‌ها مثبت است.

همانطور که شرکت مدیریت شبکه برق ایران سه‌شنبه اعلام کرد در ظهر این روز یعنی ساعت ۱۴ و ۲۷ دقیقه میزان مصرف برق به ۷۶ هزار و ۳۱۳ مگاوات در کل ایران رسید و رکورد مصرف برق در یک روز باز هم شکسته شد. در حالی که سال گذشته در همین روز مصرف برق ۷۱ هزار و ۹۸۶ مگاوات بوده این یعنی رشد چهار هزار و ۳۲۷ مگاواتی. این رکورد یک بار هم سال گذشته شکسته شد و ایرانی‌ها در روز ۱۴ مرداد با ۷۳ هزار و ۴۵۰ مگاوات رکورد حداکثر مصرف برق را شکسته بودند. اینطور که بعضی پیش‌بینی‌ها می گویند هنوز با گرم‌ترین روزهای سال در تابستان امسال فاصله داریم و به نظر می‌رسد که این رکورد همین امسال چند بار دیگر جا به جا شود.

اینکه با افزایش جمعیت و البته افزایش روز افزون استفاده از وسایل برقی و همچنین گرم‌تر شدن هوا مصرف برق در ایران هر سال بیشتر شود طبیعی است اما چه چیزی طبیعی نیست که هر سال بحران برق در ایران عمیق‌تر می‌شود؟ عده‌ای انگشت اتهام را به سمت مردم به ویژه مصرف خانگی می گیرند و می گویند که ما مشغول زیاده‌روی در مصرف برق هستیم. با این نگاه دائما از مردم خواسته می‌شود که کمتر مصرف کنند تا برق به همه برسد، این اتهام چقدر درست است؟ شاید به نظر عجیب برسد اما به دلیل شرایط ویژه‌ای که ما در ایران داریم نمی‌توان به این سوال جواب روشنی داد و خبرها هم در این زمینه بسیار گمراه کننده هستند.

مثلا می‌بینیم که خبرگزاری فارس به عنوان یکی از خبرگزاری‌های رسمی، در گزارشی سرانه مصرف خانگی ایران را ۶ برابر میانگین جهانی دانسته است. رسانه‌های دیگری هم این ادعا را تکرار کرده و گفته‌اند که میزان مصرف خانگی ایران در یک سال معادل ۱۰۵۸ کیلووات ساعت است در حالی که متوسط جهانی مصرف برق در این بخش ۱۸۲ کیلووات ساعت است پس ایران ۶ برابر متوسط جهانی و ۷ برابر کشور ترکیه، سرانه مصرف برق خانگی دارد. ادامه در صفحه ۰۳

مصطفی مسجدی | آب و هوای ایران رسما دیوانه شده است. هنوز یک ماه از تابستان تمام نشده در ۱۳ استان روز پنجشنبه (امروز) به خاطر گرما، تعطیلی یا کاهش ساعت اداری اعلام شده و بیشینه دمای رسمی تهران در روز جاری ۴۰ درجه سانتیگراد پیش‌بینی شده اما همزمان سازمان هواشناسی نسبت به رگبار، رعد و برق و وزش باد شدید موقتی در ۱۳ استان کشور طی سه روز آینده هشدار داده است.

◀ در میان این استان‌ها تعطیلی یا کاهش ساعت اداری در کرمان و یزد و خراسان جنوبی و اصفهان و قم و مرکزی و سیستان و بلوچستان خیلی عجیب نیست ولی دقت کنید که لرستان، زنجان، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه و همدان هم که دو روز ادارات در آن با تاخیر - یا تعجیل- باز و بسته شدند همیشه به عنوان استان‌های خنک در فصل گرما شناخته می‌شدند.

چرا اینطور شده است؟

مدیرعامل توانیر می گوید چون کابوسی که دانشمندان محیط زیست برای جهان پیش‌بینی کرده بودند یعنی ۱.۵ درجه دمای گرم‌تر به طور متوسط در ایران اتفاق افتاده است. او گفته متوسط دمای هوا در تابستان سال جاری بنا بر اعلام سازمان هواشناسی، ۱.۵ درجه از متوسط درازمدت بیشتر است و این مسئله دلیل ثبت رکوردهای جدید در تقاضای مصرف برق در کشور است.

ثبت نصاب بی‌سابقه ۷۶ هزار و ۷۶۷ مگاواتی مصرف برق در روزهای اخیر برای تقاضای مصرف برق را در کشور داشتیم که عدد بسیار بزرگی است.

ثبت تقاضای بیش از ۷۶ هزار مگاواتی، نسبت به اوج بار سال گذشته ۴.۵ درصد رشد را نشان می‌دهد.

◀ در این میانه خبرآنلاین سری زده به The Future Urban Climates که متیو فیتزپاتریک، بوم‌شناس از دانشگاه مریلند ایجاد و با استفاده از داده‌های تغییرات آب‌وهوایی (IPCC)، وضعیت آب و هوا در ۴۰۵۸۱ مکان در سراسر جهان تا سال ۲۰۸۰ را پیش‌بینی کرده است.

پیش‌بینی‌های این وب سایت حاکی از آن است که تابستان‌ها در تهران تا ۲۰۸۰، نزدیک به ۵.۴ درجه سانتی‌گراد گرم‌تر و ۹.۳ درصد مرطوب‌تر شوند. در فصل زمستان نیز، پیش‌بینی می‌شود که دمای هوای تهران تا ۶۰ سال آینده ۳.۵ درجه بالاتر رود و از نظر رطوبتی نیز این شهر ۱۰.۸ درصد مرطوب‌تر شود.

◀ این وضعیت البته مختص ایران نیست. سرویس اروپایی کوپرنیک می گوید که از جولای ۲۰۲۳ تا ژوئن ۲۰۲۴ برای دوازده ماه متوالی بیشترین رکوردهای دمایی جهان ثبت شده و به طور متوسط جهان ۱.۶۴ سانتیگراد گرم‌تر از میانگین دمای قبل از عصر سوخت‌های فسیلی در دوران ماقبل صنعتی بوده است.

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

بحران در اصلاح‌طلبی

ایده‌های اصلاح‌طلبی از دهه شصت تا امروز هیچ‌گاه به نحو بنیادین تغییر نکرده است. اصلاح‌طلب‌ها بر اساس ایده مرکزی «آزادی» مدام تاکتیک‌های متنوعی را به مثابه یک اپوزیسیون درون ساختار حکومت به کار گرفتند تا همواره در سپهر سیاسی ایران حاضر باشند. آن‌ها تلاش کردند تا با استراتژی کلان خود بازی کنند و این باعث شده در طول سالیان متمادی با دست‌اندازهای فراوان مواجه شوند. برخی از این دست‌اندازها منشأ بیرونی داشته و بخشی از آن معلول نوع حرکت تاکتیکی اصلاحات است. حالا در انتخابات ایران مسعود پزشکیان به ریاست‌جمهوری رسیده و با تغییراتی که محصول منش و روش فردی خود اوست، باید زمام امور اجرایی را به دست بگیرد. نخستین بحران این مقطع نداشتن بدنه جوانی است که بتوانند او را در این مسیر کمک کنند. بحران اصلاح‌طلبی از جایی شروع شد که به سمت کارگزاران و مدیران سابق نیل پیدا کرد و عده‌ای به مثابه «بزرگان» بدون اندک توجهی به اهمیت ساختن سازمان جوانان امور را مدیریت کردند. جوانانی هم که تب اصلاحات داشتند یا طرد شدند یا از نقد درون حاکمیت به نقد اصل حاکمیت رسیدند و مهاجرت کردند و یا به انزوا تن دادند. اصلاح‌طلبی اگرچه راهبرد اصلاحات را در کلان دنبال می کند، اما هیچ‌گاه به تربیت نسل نو و ایده‌های جدید و اصلاح در روش و منش خود همت نکرده است. هنوز همان حرف‌ها از لسان همان مردانی که بیست سال پیش بودند و حالا پیرمردند شنیده می‌شود. مسعود پزشکیان با این جماعت کار سختی خواهد داشت، چون آن‌ها متوقع‌اند که دوباره به اریکه قدرت بازگردند و در اداره امور مستقیم نقش‌آفرینی کنند. امروز یک بزنگاه مهم و یک فرصت طلایی برای ایده اصلاحات است که بتواند بدنه جوان خود را برای تداوم حیات سیاسی شکل دهد. در این مسیر باید وزرا و مدیران جوان انتخاب شوند، باید پزشکیان جسارت عبور از پیرمردهای محترم اطرافش را پیدا کند، باید از آخرین فرصت اصلاح‌طلبی استفاده کند و سازمان انسانی خود را برای آینده شکل دهد. اگر همچنان همان نام‌های آشنا بر مسند امورات کشور بنشینند، آینده اصلاحات تباه خواهد شد. در واقع اصلاح‌طلبی بزرگ‌تر زیاد دارد اما جوان آن‌چنان ندارد. جوانی که بتواند راهبردهای جدید و قابل اجماع ارائه کند، تاکتیک‌های نو در سر داشته باشد، به مسائل روز و چالش‌های قاطبه مردم نزدیک باشد و تحلیل درستی از مفهوم اصلاح در شرایط کنونی بپروراند. نقطه عکس اصلاحات در پدیداری جبهه انقلاب یا اصولگرایی است؛ جایی که جوان زیاد دارد، اما بزرگ‌تر نه. جوانانی که خود را پاجوش می‌خوانند و علیه چنارها شورش کردند. نقطه ضعف اصلاحات نقطه قوت رقیب و بالعکس است. حالا که بحث کابینه و افراد مطرح است، پزشکیان باید در برابر سهم‌خواهی ایستادگی کند، راه یافتن جوانان را بیابد و آینده سیاسی اصلاحات را با معرفی و شناساندن نسل جدید هموار سازد. اصلاح‌طلبی مانند اصولگرایی امکان اداره نهادهای غیرانتخابی و پرورش مدیر در آن نقطه برای به‌کارگیری در دولت را ندارد و جبراً باید در بدنه دولت تن به ساختن انسان برای آینده بدهد. ازاین‌رو امروز بحران اصلاح‌طلبی، فقدان نیرو و چهره جوان است تا به آینده گره بخورد و ایده‌ها و تاکتیک‌های نو را برای عصر جدید ارائه کند. امیدوارم اطرافیان آقای رئیس‌جمهور این را بفهمند و دست او را برای اعتماد به جوان‌گرایی باز کنند. اداره امور با پیرمردهای نام‌آشنا، سرنوشت محتومش برای اصلاح‌طلبی شکست است.

خبر یک

مسئله خطرناک برق و بنزین و انرژی

هاشم اورعی، استاد دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف و کارشناس انرژی در مورد بحران کمبود برق به انتخاب گفت:

سال گذشته ۱۲ هزار مگاوات ناترازی داشتیم امسال به ۱۸ هزار مگاوات رسیده‌ایم. با این مسیر سال آینده ۲۴ هزار مگاوات ناترازی خواهیم داشت. ما وقتی برق نداریم و همان برق موجود هم به بخش خانگی می‌دهیم، جلو رشد اقتصادی را می گیریم و برنامه هفتم با مشکل مواجه می‌شود. در برنامه هفتم آمده که سالانه ۸/۵ درصد باید رشد صنعتی داشته باشیم اما انرژی لازم را برای آن نداریم.

استاد دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف، درباره وضعیت فعلی که دولت پزشکیان با آن در حوزه انرژی مواجه است بیان کرد: میراثی که به پزشکیان در انرژی رسیده این است که در تمام حامل‌های انرژی با ناترازی مواجه هستیم و رشد تقاضای ما بیشتر از تولید است. ما در تمام بخش‌ها وضعیتمان بدتر می‌شود. بنزین را چند سال قبل صادر می کردیم اما امسال طبق اعلام نماینده‌های مجلس ۴ تا ۶ میلیارد دلار بنزین وارد می کنیم. رئیس دولت چهاردهم در بخش انرژی یک خرابه‌ای را تحویل گرفته که می‌طلبد اقدامات عاجل و اساسی انجام شود وگرنه تا ۵ سال دیگر در تمام حامل‌های انرژی با بحران مواجه خواهیم بود. دولت باید در بخش بنزین، با مافیای بنزین درگیر شود. دولت باید از حمایت غیرمنطقی از خودروسازها دست بردارد و آن‌ها را مکلف کند که خودرو کم مصرف تولید کنند.

بگو کدام هیات می‌روی تا بگویم کیستی؟

نامزدهای انتخابات با شرکت در هیات‌های عزاداری مختلف، مرزبندی سیاسی خود را مشخص کردند

نگین باقری | ۱.قالیباف عصر سوم محرم برای عزاداری به محله چیذر در شمال تهران رفت. امامزاده علی اکبر در این محله پاتوق دوست‌داران محمود کریمی برای مناجات خوانی و عزاداری است. کریمی را باید در دسته مداحان سیاسی قرار دهیم. او در آستانه انتخابات امسال اول گفته بود که علی‌رغم اختلاف نظرهایی که با قالیباف دارد می‌خواهد از او حمایت کند. از قضا اولین نفری که برای جلیلی از عبارت «هندوانه در بسته» استفاده کرد هم خود او بود اما چند روز قبل از دومین دور رای‌گیری دستنوشته‌ای منتشر کرد که نشان می‌داد مداح معروف این بار پشت سعید جلیلی ایستاده. کریمی یک صفحه اینستاگرامی با تیک آبی دارد و بیش از ۵۰۰ هزار نفر او را در این شبکه دنبال می کنند.

او زبان تندی دارد و اظهار نظرهایش حتی در صدا و سیما هم گاهی مناقشه برانگیز می‌شود. برای مثال دو سال پیش شبکه سه حرف‌های او در مورد حضور افراد کم‌حجاب در هیات‌ها را قطع کرد. سه سال قبل هم گریزی به یک حکایت عجیب زد که حتی ما نمی‌توانیم آنچه در این روایت درباره تخته بازی کردن و قمار معصومین گفته شد منتشر کنیم. این مداح محبوب ۵۶ ساله در دوره ای درگیر یک پرونده تیراندازی در اتوبان شد که بعدها بسته شد و ختم به خیر!

قالیباف سپس بعد از این منبر، هیات محمدحسین پویانفر را انتخاب کرده و بعد از محله چیذر به میدان تجریش رفته. پویانفر از همان ابتدا اعلام کرد که می‌خواهد به قالیباف رای دهد. او بیشتر در هیات ریحانه‌النبی امامزاده صالح نوحه خوانی می کند و عکس‌های دیشب قالیباف در این مراسم هم در همین مکان گرفته شده. مرزبندی حامیان جلیلی با پویانفر یک بار دیگر هم پیش از این‌ها آشکار شده بود. آن زمانی که رجانیوز، رسانه نزدیک به جلیلی درباره برنامه پویانفر نوشته بود که «مسجد ضرار است و باید ویران شود.» محمد حسین پویانفر در توئیتر بسیار فعال است و بیش از ۲۰۰ هزار فالوئر دارد. همچنین در اینستاگرام هم حساب کاربری پرفالوئری (۱۱۱ هزار کاربر) به اسم بچه مسلمون داشته و به فعالیت مجازی‌اش اهمیت زیادی می‌دهد. یک تاک شو مذهبی هم در روبیکا داشته که درباره محرم و مداحی و ... با افراد مختلفی مصاحبه می کند. همه این‌ها باعث شده که پویانفر فقط یک مداح روضه خوان نباشد و خودش را در دایره منازعات سیاسی هم وارد کند. او احتمالا تنها مداحی است که اعتقاد داشته سال ۱۴۰۱ فیلترینگ اینستاگرام و واتساپ به مشاغل مردم ضربه زده.

این مداح دهه شصتی یک بار هم روی عصبانی خودش را نسبت به حسن عباسی نشان داد. این واکنش مربوط به زمانی است که عباسی، این نظریه‌پرداز توطئه ایرانی اندیشکده یقین در توئیتی سلبریتی‌های فوتبال و سینما را ملعون، اغتشاشگر و عوامل صهیونیسم نامید.

آخرین منبری که سه‌شنبه میزبان قالیباف بوده هیات ریحانه‌الحسین است. این بار رئیس پارلمان از سمت شمال تهران به غرب حرکت کرده تا به مراسم مجید بنی‌فاطمه برسد. در این مراسم افراد مشهور دیگری مثل مهران غفوریان و وزیر اقتصاد هم حضور داشته‌اند. بنی فاطمه در بحبوحه انتخابات مرز خودش با طرفداران جلیلی را آشکار و مشخص کرده بود که حامی چه جریانی است. او در برنامه تلویزیونی حسینیه معلی (یک برنامه برای استعدادیابی مداحان) هم به عنوان داور و کارشناس حضور داشته. ادامه در صفحه ۰۲

سایه روشن نشست بریکس

چرا عضویت در بریکس برای ایران دارای اهمیت است؟

دی‌ماه سال گذشته، ایران رسما بخشی از بریکس شد. پیوستن به شورای همکاری بریکس در دولت سیزدهم صورت‌توجه زیادی قرار گرفت. دیروز محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس از سوی ایران راهی روسیه، میزبان ۲۰۲۴ نشست بریکس شد. ایران پیش از اینکه در بریکس عضو رسمی باشد، به‌عنوان مهمان حضور پیدا می‌کرد.

بریکس از کنار هم قراردادن حرف اول نام پنج کشور عضو اصلی آن یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای‌جنوبی تشکیل شده است. نخستین‌بار وزیران خارجه چین، هند، برزیل و روسیه در حاشیه مجمع عمومی سازمان‌ملل در سال ۲۰۰۶ دیدار کردند و اولین اجلاس رسمی سران در سال ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد.

چرا بریکس برای ایران مهم است؟

شورای همکاری تجاری بریکس دو عضو اساسی به نام چین و روسیه دارد که از مهم‌ترین شرکای سیاسی ایران به حساب می‌آیند. ایران به دلیل تحریم‌های محدودکننده، تلاش کرده است تا با این کشورها روابط اقتصادی تنگاتنگی داشته باشد که تنها در بخشی از موارد به موفقیت دست پیدا کرده و رویای افزایش میزان تجارت با آنها، از دلایلی بود که دولت قبل، عضویت در بریکس را در دستور کار جدی خود قرار داده بود.

از طرف دیگر سه کشور روسیه، هند و برزیل سه‌کشوری هستند که سرزمین‌های بسیار وسیعی را در دست دارند. همچنین سه ارتش بزرگ دنیا از نظر تعداد پرسنل در بریکس عضو هستند. ۴۰درصد از جمعیت جهان، در کشورهای عضو بریکس زندگی می‌کنند. همچنین کشورهای بریکس از مهم‌ترین تولیدکنندگان کالا، خدمات و مواد خام در دنیا هستند و پیش‌بینی‌شده در آینده نه‌چندان دور، بزرگترین شوند. مجموع این دلایل از چنین شورایی، یک نهاد جذاب برای کشورهای در حال توسعه ساخته است.

کشورهای عضو بریکس یک بانک مخصوص به‌خود دارند که با نام بانک توسعه‌نوین شناخته می‌شود. برخی از کارشناسان این بانک و سیستم آن را جایگزینی برای سوئیفت می‌دانند که ایران به دلیل تحریم به آن دسترسی ندارد.

هدف ایران از عضویت در بریکس چیست؟

دولت سیزدهم با سیاست چرخش به شرق، تلاش داشت تا شوراهایی مانند بریکس نهایت همکاری را داشته باشد. این دولت پس از اعلام عضویت ایران، این اتفاق را دستاوردی بزرگ برای دولت دانست. آمار و ارقام موفقیت‌های اقتصادی کشورهای عضو بریکس هم نشان می‌داد که عضویت در چنین شورایی برای تهران بهتر از کنار ماندن از این فرصت اقتصادی است. از طرف دیگر ایران و روسیه که تحت‌تحریم قرار دارند، بریکس را راه تنفسی برای اقتصاد خود و برای تثبیت این مسئله که تحریم‌های غرب نتوانسته دو کشور را منزوی کند، دانسته‌اند.

آیا بریکس درصدد دلارزدایی است؟

وقتی در زمستان سال قبل ایران به عضویت بریکس درآمد، رسانه‌های نزدیک به دولت و اصول‌گرایان از قول کارشناس‌های خود نوشتند که عضویت در بریکس پتانسیل خوبی برای مراوده با کشورهای عضو از لحاظ صادرات، دلارزدایی و رفع تحریم‌ها ایجاد می‌کند. دو موردی که در مورد صادرات و رفع تحریم مطرح شده است، از آن مواردی است که مخالفت با آن نیاز به عـــدد و رقم و کمی صبوری دارد. اما در مـورد دلارزدایی به‌نظر می‌رسد بریکس در کوتاه‌مـدت نمی‌تواند میخ خود را بکوبد. سال گذشته کشورهای عضو بریکس دنبال راهی برای دور زدن دلار و جایگزینی آن بـا یـک ارزدیجیتال مورد قبول همه اعضـا بودند. اما به‌نظر می‌رسـد در شـراکت‌های جهانی برای کشـورهایی مانند چیـن و ... دوری از دلار و اسـتفاده از ارزدیجیتال، اقدام چندان محبوبی به‌حساب نمی‌آید. با همه این‌ها، برخـی از نمایندگان مجلـس، در گفت‌وگو با رسانه‌ها، عضویت در بریکس را معادل کمک‌های تاثیر تحریم‌ها بر اقتصـاد ایران دانسـته بودنـد. امری که کارشناسـان اقتصادی، در مورد احتمال آن دچار شک هستند. از طرف دیگر کشورهای عضو بریکس، حتی کشـوری مانند روسیه با چین خود از در تقابل جدی با نظم سیاسـی و اقتصادی جهان نمی‌بینـند. از انجایی که کشورهایی مانند هند از اعضای اصلی بریکس هستند، حتی در صورتی که چین و روسیه هم بخواهند دلارزدایی را با روندی سریع و جدیتی بالا دنبال کنند، بعید اسـت بتواند نظر همه کشورهای عضو را به خود جلب کند.

سرنوشت عجیب دو زن

مهسا مژدهی / روز چهارشنبه دو خبر پیاپی از دو زن نسبتا مشهور سر خط خبرهای جهان شد. در خبر اول، مشخص شد که دادگاه عراق، از گناه همسر اول البغدادی، خلیفه داعش تکذشته و او را به اعدام محکوم کرده است. خبر دوم می‌گفت که کارلا برونی، همسر سارکوزی رئیس‌جمهور سابق فرانسه، تحت پیگرد قانونی قرار گرفته. تشابه این دو زن به‌غیر از اینکه هر دو خود را قربانی بلندپروازی همسرانشان گردانده یا حداقل خودشان این تصور را دارند، چیز دیگری نیست. کارلا برونی مدل، بازیگر و خواننده ایتالیایی - فرانسوی و ۵۶ساله است. او از سال ۲۰۰۷ و زمانی که سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه بود، با او آشنا شد و یک سال بعد، ازدواجشان سر گرفت. کارلا برونی بر سر ماجرای لیبی و رسوایی که همسرش به بار آورد، حسابی طرف سارکوزی ایستاد. در ابتدای سال ۲۰۲۰ فردی با نام زیاد تقی‌الدین، سارکوزی را متهم کرد که در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۰۷ از بودجه لیبی، تامین مالی کرده است. اما نقش کارلا چه بوده؟ او در این مدت تلاش می‌کرده تا مدارک شاهدان ماجرا را که نشان از هم‌دستی سارکوزی و مرد بدنام لیبی یعنی قذافی داشت پنهان کرده و به‌نوعی روی خبط و خطای رئیس‌جمهور پیشین فرانسه سرپوش بگذارد. طبق اتهامات این زن می‌خواسته به صورت غیرقانونی بر روی رونق قیمتی و شهادت تقی‌الدین اثر بگذارد. اتهام دیگر می‌گوید کارلا برونی با دهک فساد مالی از برخی کارکنان قضایی خارجی در لبنان کمک می‌گرفته. حالا این زن از تمامی با متهمان ردیف اول پرونده سارکوزی و لیبی منع شده و البته یک استثنا برای ماجرا وجود دارد و آن، این است که کماکان می‌تواند با همسرش به‌عنوان اصلی‌ترین متهم در ارتباط باشد. این وضعیت تا ژانویه سال ۲۰۲۵ برای او ادامه خواهد داشت و در آن زمان رسیدگی به پرونده قضایی آغاز می‌شود. در این مدت به‌نظر می‌رسد بزرگ‌ترین اتفاقی که برای کارلا برونی می‌افتد، بی‌آبرو شدن او، نزد فرانسوی‌ها و فشار رسانه‌ها بر این زن باشد.

اما پرونده دوم کمی خشن‌تر است. همسر البغدادی، زنی که در ماه‌های گذشته قضائی می‌کرد تا با مصاحبه با رسانه‌ها و روایت زندگی خود از حکم طولانی بگریزد و حتی به‌عنوان یکی از قربانیان خلیفه سابق داعش ریبرند کند، موفقیتی به دست نیاورده و در نهایت به اعدام محکوم شده. نام این زن به گزارش خبرگزاری فرانسه، اسما محمد با ام حذیفه است. تصویر دقیقی از صورت او وجود ندارد. به گفته شورای عالی قضایی عراق، داعش زنان ایزدی را در منطقه سنجار در غرب استان نینوا ربوده و برخی از آنها را در خانه ام‌حذیفه در موصل زندانی می‌کرد. مقامات قضائی عراق می‌گویند دادگاه جنایی، همسر بغدادی را به دلیل جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی ایزدی‌ها و مشارکت در اقدامات تروریستی به اعدام یا چوبه‌دار محکوم کرده و البته حکم برای تجدیدنظر خواهد رفت. ام‌حذیفه پس از حذف البغدادی تا سال ۲۰۱۸ در ترکیه پنهانی زندگی می‌کرد و در این سال درنهایت، دستگیر و به عراق برگردانده شد. عراقی‌ها می‌گویند ام‌حذیفه شاکیان خصوصی داشت که او را به هم‌دستی در آدم‌ربایی و به بردگی گرفتن دختران ایزدی متهم کرده‌اند اما جزئیات ماجرا هنوز چندان روشن نشده است. ام‌حذیفه در مصاحبه خود با بی‌بی‌سی جهانی تلاش کرده بود خود را یکی از قربانیان اصلی البغدادی نمایش دهد. با این حال، به‌نظر می‌رسد او نتوانسته سیستم قضایی عراق را متقاعد کند که در آن جنایات هولناک، نقشی نداشته است.

دیپلماسی

در گفت‌وگوی تلفنی پاشینیان و پزشکیان چه گذشت؟

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان شامگاه سه‌شنبه در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور منتخب، مسعود پزشکیان با تبریک پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری و با اشاره به سوابق طولانی و موفق فعالیت‌های سیاسی او گفت: «لازم می‌دانم یکبار دیگر مراتب تاسف خود را از فقدان دکتر رئیسی ابراز کنم. روند روابط فی‌مابین در دوره ایشان به خوبی گسترش یافته بود و ارمنستان به همه توافقاتی که در دوره شهید رئیسی کرده، پای‌بند است.»

نخست‌وزیر ارمنستان با اظهار امیدواری نسبت به اینکه روابط دو کشور در دوره پیش‌رو نیز همچنان گرم و صمیمی پیش برود، افزود: «روابط ایران و ارمنستان بر پایه منافع مشترک استوار است. روابط دو کشور صرفا رابطه دو همسایه با یکدیگر نیست، بلکه روابطی ممتاز است که هیچ‌گاه تحت‌تاثیر هیچ عامل دیگری قرار نمی‌گیرد.» پزشکیان نیز در این گفت‌وگو تلفنی با تشکر از ابراز لطف و پیام تبریک نخست‌وزیر ارمنستان اظهار کرد: «ارمنستان در میان همسایگان ایران، جایگاه مهمی دارد و روابط با این کشور در منظومه سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی بسیار با اهمیت است؛ مرز ایران با ارمنستان اگر چه کوتاه، اما مرز امید و زندگی مسالمت‌آمیز است و سیاست اصولی ما در قبال شما خدشه‌ناپذیر است.»

رئیس‌جمهور منتخب با تاکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران به تمامیت ارضی همه کشورها احترام گذاشته و مخالف هرگونه تغییر در مرزهای بین‌المللی است، تصریح کرد: «از گفت‌وگوهای صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان حمایت کرده و آماده هرگونه مساعدتی در این زمینه هستیم.»

پزشکیان متقابلا بر پای‌بندی جمهوری اسلامی ایران به تعهدات با ارمنستان و آمادگی برای توسعه بیش از پیش روابط تاکید کرد و حمایت دولت این کشور از فعالیت فعالان بخش خصوصی اقتصادی ایران در ارمنستان را مایه خرسندی دانست.

گزارش خارجی

شانس یک گشایش دیپلماتیک وجود دارد

ایران در روزهای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری باز دیگر اعلام کرد که به دیپلماسی اعتقاد دارد و روند گفت‌وگوهای ایران و غرب در جریان است. این در حالیست که چان کریبی از امنیت ملی کاخ سفید، بازگشت به برجام را رد کرده است و احتمال روی کار آمدن ترامپ پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بالا گرفته است. با همه این‌ها، رسانه‌های بین‌المللی شانس یک گشایش دیپلماتیک برای ایران را رد نکرده و به آن امید دارند. روزنامه نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای به قلم لارا جیکس مدعی شد: «مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب، خواهان روابط‌سی گرم‌تر با غرب است تا به تحریم‌ها پایان دهد. مقام‌های فعلی و سابق و کارشناسان مسائل سیاسی معتقدند، با انتخاب مسعود پزشکیان، کاندیدای اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، این کشور احتمالا شاهد تعدیل سیاست‌خارجی غیرمنعطف خود خواهد بود و حتی این شانس وجود خواهد داشت که شاهد وقوع یک گشایش دیپلماتیک جدید باشیم.» اینجا بخش‌هایی از گزارش نیویورک‌تایمز را بخوانید.

» پزشکیان که یک جراح قلب، عضو پارلمان و وزیر سابق بهداشت است، تجربه مستقیم چندانی در عرصه سیاست خارجی ندارد. اما او وعده داده که به زنده‌ترین دیپلمات‌های ایرانی اختیارات لازم را جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی اعطا کند. این اظهارات امیدها را برای برقراری روابط گرم‌تر با غرب افزایش داده است.

» دنیس راس، دستیار ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، باراک اوباما و از مذاکره‌کنندگان کهنه‌کار در مسائل خاورمیانه گفت: «پزشکیان رویکردی عملگرایانه‌تر و کمتر تقابل‌جویانه در قبال مسائل داخلی و خارجی را نمایندگی می‌کند.»

» به گفته تحلیل‌گران، جایی که رئیس‌جمهور می‌تواند بیشترین تاثیر بین‌المللی را داشته باشد، انتخاب دیپلمات‌های کاربلد، برای تنظیم نحوه نگرش افکار عمومی به سیاست‌های ایران است.

» آقای پزشکیان گفته مصمم به پیش گرفتن یک سیاست تعاملی در سطح بین‌المللی است و از بهبود روابط با غـرب برای پایـان‌دادن به تحریم‌ها استقبال می‌کند. او می‌گوید خواهان روابط با اکثر کشورهای دیگر در سراسر جهان است اما در عین‌حال، در خصوص اتکای بیش از حد به اتحادهای تشکیل شده با روسیه و چین هشدار داده است.

» ایرانیان می‌دانند که ایالات‌متحده مصمم به جلوگیری از گسـترش درگیری در خاورمیانه است و پیام‌هایی از کانال‌های محرمانه بین دو پایتخت برای تاکید بر خطرات چنین رویارویی رخ‌دادن شـده اسـت. سال گذشـته یک تبادل زندانی بین دو کشور امیدها را برای همکاری‌های دیپلماتیک بیشتر زنده کرد. اما ایران اکنون روی این مسئله متمرکزشـده که اگر آن گونه که در میان طبقه سیاسی ایران مطرح می‌شود، ترامپ در انتخابات ماه نوامبر به پیروزی برسد، چگونه باید با او به توافق رسید و آیا اساسا چنین توافقی ممکن است یا نه؟

تیتر دو

بگو کدام هیات می‌روی تا بگویم کیستی؟

نامزدهای انتخابات با شرکت در هیات‌های عزاداری مختلف، مرزبندی سیاسی خود را مشخص کردند

ادامه‌ازصفحه ۱

بنـی فاطمـه را با مداحـی «عمو عباس» می‌شناسـند. ایـن مداح ۴۷ سـاله یک بار در گیر حواشـی حسـین هدایتـی، سـرمایه‌دار ومتهم اقتصادی شـده بود. سـال ۱۳۹۷ عکسـی از هدایتی در این هیات به انتشار درآمد که به دنبال آن بنی‌فاطمـه ارتبـاط خودش را با هدایتی رد کـرد و گفت که این سرمایه‌دار یک بار به هیات آنها آمده و دوبار در جلسـه روضه او شرکت کرده. یکی دیگر از اخباری که با نام مجید بنی فاطمه بالا آمد مربوط به مسجد هیات او بود که گفته می‌شد با بودجه شهرداری منطقه ۵ تهران ساخته شـده. این را باشار سلطانی (خبرنگار) سـال ۱۳۹۶ در حساب توئیتری خود نوشـته بود. به دنبال این اتفاق حسینیه ریحانه‌الحسین بیرون‌تر می‌گذارد و بـدون اظهار نظر سیاسـی مرثیه خوانی را تمام می‌کند. شبکه روابط ارضی محدود به دنیـای مداحان نیسـت؛ او تیغ برنده‌ای در دنیای سیاسـی دارد، بیانیه‌هـای صریح سیاسـی صادر می‌کند، دربـاره سـریال‌ها (مثل پایتخت) نظر می‌دهد و حتی سال ۱۴۰۲ برای انتخابات مجلس لیسـت می‌دهد. در لیسـت او نـام حمید رسایی و سـید محمود نبویان هم نوشته شده بود. پیش قراول بودن او در دنیای مداحی باعث شـده که ابایی از به کار بردن الفاظ تند برای نقد چهره‌های سیاسی نداشته باشد و اتفاقـا خودش هم بـه نام هیات «حسین جان» اسـت. تکیه‌ای که معمولا پایـش را از روضه و مداحی بیرون‌تر می‌گذارد و بـدون اظهار نظر سیاسـی مرثیه خوانی را تمام می‌کند. شبکه روابط ارضی محدود به دنیـای مداحان نیسـت؛ او تیغ برنده‌ای در دنیای سیاسـی دارد، بیانیه‌هـای صریح سیاسـی صادر می‌کند، دربـاره سـریال‌ها (مثل پایتخت) نظر می‌دهد و حتی سال ۱۴۰۲ برای انتخابات مجلس لیسـت می‌دهد. در لیسـت او نـام حمید رسایی و سـید محمود نبویان هم نوشته شده بود. پیش قراول بودن او در دنیای مداحی باعث شـده که ابایی از به کار بردن الفاظ تند برای نقد چهره‌های سیاسی نداشته باشد و اتفاقـا خودش هم بـه نام هیات «حسین جان» اسـت. تکیه‌ای که دیگری پر این مداح ۷۱ ساله تهرانی به پرشخصیت‌های دولت سازندگی و اصلاحات خورده، با دولت اعتدال هم طبیعتا رابطه خوبی نداشته.

منصور ارضی هر سال جلسی نزدیک به بـازار سـفره عـزاداری را پهن می‌کند. مسـجد ارگ را پدربزرگ مـادری ناصرالدیـن شـاه قاجار، یعنی پدر مهدعلیا، بنـا کرده. این مسـجد یکی از شـب‌های محرم سال ۱۳۸۳ شاهد حادثه دردناکی برای عـزاداران بـود. بهمـن ماه آن سـال به دنبال انفجار کپسول گاز، برزنت مسـجد آتش گرفت و ۷۸ نفر را به کشـتن داد. تا همین ۹ سال پیش هم شـاکیان پرونده ارضی بابت خسـارات ایـن حادثه ارضی را به دادگاه می‌کشـاندند و دیه بیشتری درخواست می‌کردند. در این انتخابات هـم ارضی تکلیف را روشن کرده و قبل از انتخابات هم گفته بود حامی کدام نامزد اسـت. او در دنیای مداحی باعث شـده که ابایی از به کار بردن الفاظ تند برای نقد چهره‌های سیاسی نداشته باشد و اتفاقـا خودش هم ایـن موضوع را تایید می‌کند. بیشـتر از هر فرد گذاشـت. او در مجادلات انتخابات به پزشـکیان هم کنایه زده و گفته بود نیروی انتظامی زحمت می‌کشد تا طرح نور را اجرا کنـد، بعد آن ... می‌آید و می‌گوید طرح نور نیست و طرح سیاه است. این می‌خواهد بیاید و رئیس جمهور ما بشود؟

۳ نامـزد سـوم و منتخـب ملت، سه‌شنبه در جلسه عزاداری حسینیه هدایت در محله قیـام (منطقه ۱۲ تهران) شرکت کرد. او همان جا بعد از عزاداری وارد دفتر واعظ معروف حجت‌الاسلام حسین انصاریان شد و در ملاقات خصوصی با او دو هدیه هم گرفت. انصاریان شـاخص‌ترین خطیـب در میان واعظـان تهرانی اسـت. ۰لسال است که در مجالس مذهبی تهران، سـخنرانی می‌کند اما از چه زمانی شهرت بیشتری پیدا کرد؟ بعد از حوادث سـال ۱۳۸۸، او در دنیای مداحی باعث شـده که ابایی از به کار بردن الفاظ تند برای نقد چهره‌های سیاسی نداشته باشد و اتفاقـا خودش هم ایـن موضوع را تایید می‌کند. بیشـتر از هر فرد علی انصاریان، فوتبالیسـت ایرانی هم بوده، به جز علـوم دینی، درس فلسـفه و ادبیات هم خوانـده. به خاطر همین هم بود که سال ۱۳۹۹ مجادلات فلسـفی از عبدالکریم سـروش، فیلسـوف مقیـم خارج از کشـور، درباره یاران ایرانی امام زمان به رسـانه‌ها رسید. یک ویدئو از این دیدار منتشر شـد که در آن شیخ حسین انصاریان به پزشکیان می‌گویـد: «اون‌هایی کـه رنجیده کردند شما رو، ازشون گذشت کنید و به رخ‌شـون نکشـید.» مجالس وعظ و خطابه شیخ در شب‌های ماه رمضان، احتمالا شلوغ‌ترین مجلس است. مثلا ماه رمضان سال ۱۴۰۲، شیخ سخنرانی مهمی ایراد کرد که کوش‌مادر فرهاد رسید.

جدرز روز بعـد فرهاد داخل یک گونی در نزدیکی خانه‌اش توسـط یک رهگذر کشف شد. رسیدگی به پرونده در دستور کار بازپرس جنایـی قرار گرفـت و با تیزهوشـی بازپرس محمدتقی شـعبانی که رد خون بر جا مانده از گونی را دنبال کرد، به خانه پدری فرهاد رسید و همین کافی بود که بـه اهالی خانه یعنی پدر و نامادری مظنون شـده و آنها بازداشت شدند. سپس نامادری فرهاد به قتل اعتراف کرد این در حالی بود که او جسد را در یک گونی قرار داده و با سختی به سر خیابان کشیده بود تا بتواند راز قتل را مخفی کند.

مادر فرهاد در توضیح ایـن جنایت گفته بود: «بعد از اینکه پدر و نامادری فرهاد بازداشـت شدند، نامادری‌اش به قتل فرهاد اعتراف کرد. او ادعا کرده بود که فرهـاد با حضور او در خانه پدرش مخالف بوده و برای همین با هم مشکل داشتیم و من او را کشتم.»

مادر فرهاد در ادامه گفـت: «قاتل فرهاد گفته بود شب حادثه در ارامش شام و میوه خوردند و بعد که فرهاد طبقه بالای خانه رفت و خوابید، او سراغش رفته و او را به قتل رساند. مطابق نظریه پزشکی قانونی و اظهارات متهم، او ابتدا با میله آهنی چند ضربه به سر فرهاد زده بود و سپس با چاقو یک ضربه به سینه او و ضربه دیگری هم به پشت کمرش زده بود. بعد هم سرش را بریده بود. وقتی جسد فرزندم را دیدم او را به سختی شناختم.»

پدر فرهاد از قصاص متهم گذشت کرده است و اعلام کرده که تقاضای دیه هم ندارد. اما مادر وقتی ناکام ماندند نقشه ربودن او را طراحی و اجرا کرد. مردان تبهکار که از سـوی مسـاجر انتقامجو اجیر شده بودند زمانی که گروگانشان را به خانه باغ بردند باز هم به پول نرسیدند و او را کشتند و بین راه رفـتن جسـدش را در کانال آب بزرگراه امام علی(ع) انداختند.

با دستگیری دو نفر از متهمان و اعترافات آنها ردیابی برای دسـتگیری دو متهم فراری دیگر ادامه داشت تا اینکه آنها نیز با پای خود به دام افتادند.

رد خون را از قتل را لو داد

آذر ماه سـال ۱۴۰۰ بود که زن میانسـالی از مفقود شـدن ناگهانی پسر ۲۰ سالهاش با خبر شـد. فرهاد ۲۰ سـاله که با پدر و نامادری‌اش زندگی می‌کرد یکدفعه غیبش زده بود و چند روز خبر به قتل رسـیدن به دست نامادری به گوش مادر فرهاد رسید.

جسدش در ۱۲ تیرماه مبنی بـر اجتناب از انتصاب‌ها تا زمان تحویل دولت به مسعود پزشکیان، در روزهای بعد از ابلاغ این خشـنامه مهم برخی دسـتگاه‌ها با تخلف از دستور سرپرست ریاست‌جمهوری همچنان احکام انتصاب را امضـا و ابلاغ کرده‌اند. بر اسـاس گزارش اقتصادنیوز، این اسـناد نشان می‌دهد که در یکی از معاونت‌های وزارت راهوشهرسازی و در شرکت فرودگاه‌هـا و ناوبری هوایی ایـران نیز طی روزهای اخیر احکامی جهت به‌کارگیری برخی اشـخاص در پسـت‌های گوناگون صادر شده اسـت.»

» دکتر/ محمدجـواد آذری جهرمـی در کانال تلگرامی خود نوشت: «انتخابات به سرانجام رسید و ملت ایران و نظام اسلامی سرافراز شدند. مقدماتی و آشـتی مجدد مردم با حق و حقوقشـان فراهم شد. امیدوارم این سرمایه قدر دانسته شود و حفظ شود.

همانطوری که از ابتدای آغاز تبلیغات انتخابات اینجا (اشاره به یک پست کانال تلگرامی خود) نوشته بودم، امروز که کار انتخابات به سرانجام رسید، مسئولیتی در کابینه جدید نخواهم پذیرفت. معتقدم باید با مردم صادق بود و نباید با بازی با کلمات از وعده‌ای که داده شده، عدول کرد؛ نیاز اسـت نفس‌های تازه در روح دولت چهاردهم دمیده شود. چهره های تکراری برای مردم ملالت آورند. باید تمرکز کنم بر اتمام پایان‌نامه نیمه‌تمامم و ادامـه تحصیل در مقطـع دکترا، این برنامه قبلی من برای زندگی بود که همان را پیگیری خواهم کرد.»

» انتقال/ محمود صادقی در توییتی نوشت: «قابل توجه رئیس‌جمهور منتخب، دکتر پزشکیان، برخلاف بخشنامه کفیل ریاست جمهوری، خبرهایی از نقل و انتقـالات نامتعارف دسـتگاه‌ها می‌رسـد. ازجمله واگذاری شـرکت‌های پالایش گاز پارسیان، پالایش گاز فجرجم، کشـت و صنعت مغـان، پالایش نفت آبادان و طراحی و ساختمان نفت از طریق فرابورس به سـتاد اجرایی.»

» فیلترینگ/ ضرغامی در ایکس به فیلترینگ اشاره کرد و گفـت: «دوران فیلترینگ گذشـته اسـت. چندسالی است که عملا فیلترینگ نداریم ولی بازار فیلترشکن و کاسـبان آن سکه اسـت. قاعدتا باید دستور اولین جلسـه شـورای عالی فضای مجازی، بررسی این وعده مهم پزشکیان باشد.»

» عراقچی/ روزنامه اصولگرای فرهیختگان نوشت: «حمیدرضا علاءزاده، کارشـناس مسائل بین‌الملل معتقد است که احتمالا طریف به خاطر هزینه‌ای که معرفی او به‌عنوان وزیر خارجه برایش به همراه خواهد داشت، گزینه وزارت خارجه نخواهد بود.»

وی می‌گوید: «لذا احتمال زیادی وجود دارد عراقچی، گزینه اصلی وزارت خارجه باشد؛ او هم‌سویی خوبی با ظریف دارد، چهره متعادل‌تری در ساختار حاکمیت شـناخته می‌شـود، سـابقه مذاکره دارد و نقد دوم مذاکرات بوده. نکته مهم اما این اسـت که آیا پایش قرار اسـت در سطح وزیر، مذاکره کند یا خیر. در دوره رئیسی این ملاحظه را داشتند و باقری، معاون‌وزیر در مذاکرات قرار گرفت و مذاکرات در سطح وزیر انجام نشد و در سطح معاون‌وزیر انجام شد. به همین خاطر، عراقچی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد، مطرح نخواهند شد. قاعدتا به خاطر ملاحظه‌ای که شورای امنیت ملی در نظر خواهد گرفت، به نظر نمی‌رسد مذاکرات در سطح وزیر خارجه اجرا شود. این چالش اولیه داخلی است و تبیین صحنه داخلی است.»

گلری

مسعود پزشکیان در جلسه عزاداری حسینی در حسینیه هدایت شرکت کرد. پس از پایان مراسم، شیخ حسین انصاریان در ملاقات خصوصی دو هدیه خاص به پزشکیان اهدا کرد. اولین هدیه یک دستمال مشکی بود که انصاریان آن را در هنگام شرکت در مجالس روضه استفاده می‌کرد. او پیش ترصمیت کرده بود که این دستمال هم‌اره وی دفن شود. هدیه دوم نیز تسبیح خود بود که در اذکار بعد از نماز شب از آن استفاده می‌کرد.

موراییس به اصفهان بازگشته و قرار است برای سومین سال پیاپی تازه داماد بر تقابلی به زندگی در اصفهان ادامه دهد.

عکسی از خوش و بش سیدحسن خمینی با نوه مسعود پزشکیان

حضور سعید جلیلی در هیات منصور ارضی

حضور غفوریان با استیل محرمی در مراسم عزاداری حسینی در هیات ریحانه الحسین، با مداحی مجید بنی‌فاطمه

طارمی هم به میلان رفته است و دیروز قراردادش با اینتر میلان ثبت شد.

اینستاگرافی

لوح طلایی در دست سلطان کلیپ‌های بدون دیالوگ

ویدئوهای بی‌شیله‌پیله یوتیوبر ایرانی، او را به درآمد میلیاردی رساند

احتمالا ویدئوهای او را در اینستاگرام دیـده باشـید. رضـا قهرمانلو یک اینستاگرامر و یوتیوبر فعال ایرانی است. او معمولا نمایش‌های کوتاهی به سـبک قصه‌های آموزنـده دارد. چیزی شبیه به ویدئوهای ایرج ملکی یا سریال کلیـد اسـرار. حالا قهرمانلو می‌گوید با همین محتواهای دم‌دستی توانسـته به لـوح طلایـی میلیونی تلویزیونی ماه رمضان اسـت. رضا به خصوص دربـاره خیانـت در روابط عاطفی حرف زیادی برای گفتن دارد. معمولا در همـه ویدئوهـا، زنی بی وفا، بدعهد یا نمک‌نشناسـی را نشان می‌دهد که نسـبت به او نامپاسـی می‌کند و بعد حسـاب کار دسـتش می‌آید. رضا فقط ۱۸۵ هزار فالوئر در اینستاگرام داشته، چطور با این تعداد فالوئر به لوح طلایی یوتیوب رسید؟ او به خاطر اسـتمراری که در تولید محتوا در یوتیوب داشـته، توانسته ۱۰ ماهـه این تعـداد فالوئر را جذب کند؛ یعنـی حـدودا روزی ۲۰ هزار نفـر را راسـکرایب کرده‌اند. در کامنت‌های اینستاگرام کاربران بدون استثنا در حال مزاح‌کـردن درباره محتوای سـناریوهای رضا هسـتند: «کوه استعدادی» «هر موقع می‌خوام خودمو عذاب بدم میام ویدئوهایت رو می‌بینیم.» حالا ولی سرنوشت خود یک قهرمان داریم و یک ضدقهرمان که آخر این فیلم کوتاه اینستاگرامی متحول می‌شود و از اشـتباه‌هایش درس می‌گیرد. معمـولا هم در این ویدئوها کسی حرفی نمی‌زند. شاید همین هم کاربران به رضا می‌گویند: «سلطان کلیپ‌های بدون دیالوگ.» فیلم‌های او چیزی شبیه به نسخه‌های ساده‌سـازی شـده سـریال‌های تلویزیونی ماه رمضان اسـت. رضا به خصوص دربـاره خیانـت در روابط عاطفی حرف زیادی برای گفتن دارد. معمولا در همـه ویدئوهـا، زنی بی وفا، بدعهد یا نمک‌نشناسـی را نشان می‌دهد که نسـبت به او نامپاسـی رضا هم شـبیه به ویدئوهایش شده. اما تفاوت‌هایی هم دارد. غیر از کشـورهای ثروتمند عربی بقیه کشورهایی که بیشترین سـرانه مصرف برق را دارند همگی کشـورهای صنعتی و توسعه یافته هستند. میانگین جهانی سرانه مصرف هم ۱۸۷۲ کیلووات سـاعت است که در این مورد ایران بالاتر از میانگین ایستاده است این یعنی اگرچه ما با کشورهای عربی خلیج فارس فاصله نجومی داریم اما به شـکل معناداری بالاتر از میانگین جهانی هم ایستاده‌ایم و بین ۳۰ کشور اول جهان از این نظر قرار داریم در حالی که از نظر توسعه یافتگی چنین جایگاهی نداریم. این یعنی ما در بخش غیر خانگی هم به شـدت هدر رفت انرژی داریم. اینجا است که فقط فرهنگ مصـرف معنی پیدا نمی‌کند بلکه فـرسـودگی صنعت هم خودش را نشان می‌دهد. نکته دیگر اینکه وضعیت ما در بخش انرژی متنوع‌تری داریم و خیلی از امورانمان با گاز راه می‌افتد به جای برق مثلا اغلب خانه‌ها با گاز گرم می‌شوند و پخت و پز هم با گاز انجام می‌شـود. در حالی که مردم در بسـیاری از کشورها برای همین کار ها باید برق مورد نیاز کنند. اینجاسـت که خیلی‌ها پـای فرهنگ مصرف را وسط می‌کشـند و می‌گویند که با توجه بـه ارزان بودن قیمت بـرق و در ایران و فرهنگ ولخرجی انـرژی پس طبیعتا مصرف خانگی زیاد است و باید هر چقدر می‌توانیم آن را پایین بیاوریم اما بررسی آمارها به ما می‌گوید که فقـط این مصرف خانگی نیسـت که باید پایین بیاید. این را از مقایسـه سرانه کلی مصرف برق می‌توان فهمید.

سـرانه کلی مصرف برق در ایـران ۲۷۰۹ کیلووات سـاعت اسـت در حالی که سرانه مصرف برق در قطب به عنوان دارنده بالاترین سـرانه مصرف برق ۲۸۴۹۵ کیلووات ساعت است و بعد از آن کشـورهای ایسلند، امارات متحده عربی، بحریـن و لوکزامبـورگ قرار دارند. غیر از کشـورهای ثروتمند عربی بقیه کشورهایی که بیشترین سـرانه مصرف برق را دارند همگی کشـورهای صنعتی و توسعه یافته هسـتند. میانگین جهانی سرانه مصرف هم ۱۸۷۲ کیلووات سـاعت است که در این مورد ایران بالاتر از میانگین ایستاده است این یعنی اگرچه ما با کشورهای عربی خلیج فارس فاصله نجومی داریم اما به شـکل معناداری بالاتر از میانگین جهانی هم ایستاده‌ایم و بین ۳۰ کشور اول جهان از این نظر قرار داریم در حالی که از نظر توسعه یافتگی چنین جایگاهی نداریم. این یعنی ما در بخش غیر خانگی هم به شـدت هدر رفت انرژی داریم. اینجا است که فقط فرهنگ مصـرف معنی پیدا نمی‌کند بلکه فـرسـودگی صنعت هم خودش را نشان می‌دهد. نکته دیگر اینکه وضعیت ما در بخش

تیتر یک

سیاست را فراموش کن برق را به خاطر بسپار!

بحران برق و خاموشی‌های گسترده صنعت و شهرهای بزرگ ایران را نشانه رفته است

ادامه‌ازصفحه ۱

دستور زبان عشق

بیچاره جمعه!/ صبح که بیدار می‌شود
می‌بیند تمام خانه‌اش / تلنبار شده از دلتنگی
بغض می‌کند / از همان اول صبح‌اش...

بهنام محبی فر

حضرت فاطمه (س):

خِیارُکم اَلَیِّنُکُم مَناکِبَهً وَاَکرَمُهُم لِنِسائِهِم

بهترین شما کسانی اند که با مردم نرم ترند و زنان خویش را بیشتر گرامی می دارند.

عوالم العلوم ج ۱۱، ص ۹۰۹

واگویه‌های انتظار

باعشق
سیب هم طعم دیگریست...

سهراب سپهری

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۳:۱۲ | طلوع خورشید ۰۴:۵۷ | اذان ظهر ۱۲:۱۰ | غروب خورشید ۱۹:۲۱ | اذان مغرب ۱۹:۴۲

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۸۱۶ | پنجشنبه | ۲۱ تیر ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

کدام ماه عسل؟ کدام همسفر؟

درباره سینمای قبل از انقلاب و دلمشغولی‌های پزشکیان و فالوده شیرازی

۱ دیروز در سمینار دورنمای سینمای ایران در سینما آزادی حاضر بودم. آنجا حسین فرحبخش تهیه‌کننده انرژیک و پرکار باز هم همان حرف‌های قدیمی درباره حرفه‌ای بودن سینمای قبل از انقلاب در برابر سینمای دهه شصت را تکرار کرد. متوجه بودم که ایده‌هایش به خاطر مخالفت شدیدش با طیف سید محمد بهشتی و فخرالدین انوار و عبدالله اسفندیاری است که سینمای دهه شصت ایران را به شدت تحت کنترل داشتند. اما به هرحال مقایسه سینمای دهه شصت با سینمای دهه پنجاه بخصوص فرآورده‌های بخش خصوصی کار اشتباهی است. بهترین فیلم‌های سال‌های ۵۵ و ۵۶ فیلم‌هایی هستند که خارج از روند بازار آزاد سینمای ایران ساخته شده‌اند. فیلم‌هایی مثل بن بست و گزارش و شطرنج باد و سوته دلان و سفرسنگ و یا سازش و چشمه. در تولید همه این فیلم‌ها کمک‌های مالی هنگفت سازمان‌های دولتی و وابسته به حکومت وجود داشتند و فیلم‌های بدنه سینما عموما آثاری بی‌ارزش و سخیف هستند. (برخلاف موسیقی پاپ قبل از انقلاب که مدیون حسن سلیقه تلویزیون و مدیرانش بوده است) یادم است در پروپاگاندای مدل «منوتو» واقعا فکر کردم که فیلم ماه عسل اثر قابل دیدنی است و خب چه اشتباهی کردم! به جز یکی دو سکانس مابقی فیلم ارزش لحظه‌ای نگاه کردن هم ندارد. در همان دهه شصت سینمای ایران فیلم‌های حیرت انگیزی تولید کرده است: ناخدا خورشید و پرده آخر و هامون و دندان مار و شبح کژدم و مهاجر و کلوزآپ و اجاره‌نشین‌ها و کشتی آنجلیکا و سرب و دیده‌بان و بایکوت و خانه دوست کجاست و دونده و عروس و مادر و مادیان و ....

۲ سیاست مثل تاریکی می‌ماند. مثل دره‌ای ترسناک که وقتی مدام به آن خیره می‌شوی کم کم آن تیرگی و آن تاریکی بر جانت مستولی می‌شود. خوشحالم که پزشکیان فوتبال بازی می‌کند و گروه دوستان خاص خودش را دارد و کوه می‌رود و نهج‌البلاغه را همچون کتاب بالینی خود دارد. فرصت‌هایی برای تنفس کشیدن در هوایی خارج از سیاست و قدرت و ایدئولوژی. کاش این دوستان خشماگین و کینه توز رادیکال اصولگرا هم این فرصت‌ها را برای خود دریغ نکنند. از ساحت سیاست کمی خارج شوند و بین مردم بروند و در این هوای گرم فالوده خنک بخورند. مثل کاری که مثلا ضرغامی انجام داد. پوپولیستی است؟ چه بهتر . اصلا کمی پوپولیست باشید.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... راستش رو بخواین من اصلا کاری به این کارها ندارم که گرمای هوا چه دلایلی می‌تونه داشته باشه. من فقط یک چیز رو می‌دونم و اون هم اینه که گرمه... خیلی هم گرمه. وسط این گرما هم که برق میره، دیگه هیچی... سیمیلاتور جهنمه لامصب. بگذریم...

دیروز برق رفته بود و من هم وسط خونه نشسته بودم و عرق می‌ریختم که موبایلم زنگ زد... از دوستان بود. ظاهرا محله آنها هم برق رفته بود پی کارش و از بیکاری، یاد من افتاده بود. خب، راستش رو بخواین من خودم از کسانی هستم که گرما تاثیر مستقیمی بر روان و شعورشون داره و اختیار و صبر از کف میدم، ولی این دوستم ظاهرا چند مرحله از من جلوتره و مقام‌های بلندی در این داستان داره وگرنه جملاتی که ازش شنیدم، در حالت عادی بعید بود:

- «باید یه فکری کرد... داریم دیوونه میشیم تو این گرما.» / «کاری نمیشه کرد. فقط باید تحمل کرد دیگه...» / «پاشو بریم مسافرتی جایی... من طاقت این گرما رو ندارم واقعا.» / «باشه... کجا بریم؟»

طبق معمول، اولین چیزی که به فکرمان رسید، شمال بود که بعد از بحث فراوان به این نتیجه رسیدیم که گرمای آنجا هم دست کمی از اینجا نداره و علاوه بر این، رطوبت هم داره و نور علی نور است و رسما خفه خواهیم شد...

همچنان بر طبق معمول، دومین مقصدی که به ذهنمان رسید، جنوب و جزایر زیبای خلیج فارس بود. مجددا نظر من بر این بود که گرما و رطوبت حال حاضرِ آن مناطق ما را زنده نخواهد گذاشت و به زیرِ چادر اکسیژن خواهیم رفت... ولی دوست عزیزم اعتقاد راسخ داشت که اصلا این طور نیست و بلیت‌هاش هم کلی ارزون شده و پیامک پشت پیامک میاد که بدو بدو ارزونش کردم و مفت برو کیش و برگرد.

هر چه توضیح دادم اتفاقا همین تبلیغ‌ها نشون میده که اوضاع اونجا واویلاست و علی‌الخصوص من و تو که گرمایی هستیم، با یک قطعی احتمالی برق، روانمان از هم می‌پاشه و اونجا دوام نمیاریم، به خرجش نمی‌رفت و اصرار داشت که اینجوری نیست و کلی جشنواره و جایزه و این چیزها هم هست... باز من خودمو زمین می‌زدم که اگر واقعا خوش آب و هوا بود که این همه جایزه نمی‌دادن و جشنواره برگزار نمی‌کردن... ایشون باز از ارزون بودن بلیت می‌گفت و در نهایت به این نتیجه رسید که:

- «اصلا ما چیکار به گرما و رطوبت داریم؟... هان؟... یا تو پاساژهاییم... یا تو هتل، یا تو استخر و دریا...»

هر چه اصرار کرد، بر موضع خود پافشاری کردم؛ ولی گرمای تهران اثر نامطلوب خودش رو بر مغزش گذاشته بود و همون دیروز، بلیت و هتل را برای خودش رزرو کرد و امروز صبح به یکی از جزایر خلیج فارس تشریف بردن تا به قول خودش آب و هوایی عوض کند و از گرمای تهران فرار کنه...

طرف‌های ظهر باهاش تماس گرفتم ببینم در چه حالیه و چقدر داره خوش می‌گذرونه:

- «چطوری؟... کجایی؟ خوش میگذره؟» / «آره ... بد نیست... فرودگاهم.» / «تازه فرودگاهی؟! پروازت تاخیر داشت؟» / «نه... اتفاقا راس ساعت هم پرواز کردیم.» / «پس چرا هنوز فرودگاهی؟» / «هیچی دیگه... از هواپیما که پیاده شدم، باید چند قدم پیاده تا داخل ساختمان میومدیم. همونجا فهمیدم چه غلطی کردم... دنبال بلیتم با اولین پرواز برگردم.»

قصه های گمشده - ۳۳ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

محفل خواهرزاده، دایی جان و شوهرخاله

داستان سفارت ایران در پاریس بین سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶ یک ماجرای پیچیده و عجیب است که هم می‌توان به آن به عنوان سند افتخار نگاه کرد و هم آن را مدرکی دال بر زدوبندهای فامیلی که آبرو و حیثیت برای ایران باقی نگذاشت.

داستان اینجاست که آقایی به نام انوشیروان سپهبدی سفیر ایران در پاریس می‌شود. یک مرد ۵۳ ساله با سال‌ها سابقه کار سیاسی در دوره قاجار و رضاشاه. باسابقه دیپلماسی در برن سوئیس و ایتالیا و ترکیه و بالاخره فرانسه. این آقای انوشیروان سپهبدی با نوه دختری ناصرالدین شاه ازدواج کرده بود. برادر زنش که بود؟ عبدالحسین سرداری. جوانی که ۲۵ سال از انوشیروان کوچک‌تر بود. پسری تحصیل کرده از خانواده قاجاری که حقوق در سوئیس خوانده بود و سر و زبان داشت و به چند زبان خارجی مسلط بود. اما داستان تمام نشده. عبدالحسین سرداری یک خواهر دیگر داشت به نام افسرالملوک که او مادر امیرعباس هویدا و فریدون هویدا بود. پس انوشیروان سپهبدی می‌شد شوهر خاله برادران هویدا و شوهر خواهر عبدالحسین سرداری .خب حالا این جا را داشته باشید که انوشیروان خان سپهبدی می‌شود سفیر ایران در پاریس. چه سالی؟ در سال ۱۳۲۳. دوره‌ای که ایران به اشغال متفقین درآمده است. از آن طرف فرانسه هم در اشغال آلمانی‌هاست! انوشیروان می‌رود پاریس و آنجا دست به کار می‌شود و قوم و خویش‌ها را فرا می‌خواند. اول به عبدالحسین سرداری که درآن زمان یک جوان مجرد سی ساله بود می‌گوید بیاید پاریس و او را نفر دوم سفارتخانه می‌کند. بعد با اصرار خواهرزاده خانم خود یعنی امیرعباس را نیز به پاریس فرا می‌خواند. هرچند بعضی‌ها می‌گویند حضور هویدا به خاطر سفارش زین‌العابدین رهنما سفیر قبلی ایران در پاریس بوده. هر چه بود امیرعباس ۲۶ ساله مسلط به فرانسه و عربی راهی پاریس می‌شود. در کنار دایی جوانش عبدالحسین سرداری و شوهر خاله‌اش یعنی انوشیروان سپهبدی. همه این فعل و انفعالات در میانه جنگ دوم جهانی رقم خورده است. سپهبدی مجبور می‌شود به قسمت اشغالی فرانسه برود تا آنجا حافظ منافع ایران باشد و کار را در پاریس به عبدالحسین می‌سپارد. و خب ماجرا از اینجا شروع می‌شود که می‌گویند عبدالحسین بخشی از یهودیان مهاجر اهل تاجیکستان و افغانستان و همین طور یهودی‌های مهاجر ایرانی در فرانسه را از تیررس ماموران آلمان نازی نجات می‌دهد و برای همه آنها پاسپورت‌های جدید ایرانی صادر می‌کند و آلمانی‌ها را متقاعد می‌کند که یهودیان آن نواحی یهودیان اصیل نیستند و خون آریایی در رگ‌هایشان است. یک شایعه عجیب دیگر هم هست که او ۱۵۰۰ یهودی اروپایی را نیز با صدور این گذرنامه‌ها از فرستاده شدن به اردوگاه‌های مرگ نجات داده است که خب این ادعا چندان معقول نیست اما خویشاوندان و بازماندگان سرداری به آن اصرار دارند. در واقع اینجا با نوعی شیندلر وطنی روبه‌رو هستیم. اما چگونه سرداری کار خود را پیش برده بود؟ عباس میلانی در این باره نوشته: «ساختمان سفارت ایران در اختیار عبدالحسین سرداری قرار گرفت که جوان‌ترین برادر افسرالملوک (مادر هویدا) بود. دیپلماتی حرفه‌ای بود و قبل از حمله نازی‌ها مسئولیت امور کنسولی سفارت ایران در پاریس را به عهده داشت. رفیق‌باز و رفیق‌یاب بود. با برخی از سران ارتش اشغالگر آلمان در پاریس از سر دوستی در آمد. آنان را به مهمانی‌های مجلل در محل سفارت دعوت می‌کرد و خاویار و شامپاین فراوان و رایگان در اختیارشان می‌گذاشت و برای تفریحشان حتی دختران جوان و زیبا را هم تدارک می‌دید. رابطش برای تامین این دختران یکی از زنان زیبای پاریس به نام الکساندریا بود. مهمان‌نوازی‌های سرداری هم برای او منشأ منفعت مالی فراوان شد و هم زندگی برخی از یهودیان پاریس را نجات داد. سرداری با استفاده از روابط نزدیکش با آلمان‌ها، جان خانواده‌های یهودی ایرانی مقیم پاریس را از مرگ حتمی نجات داد. او نیز به نوبه خود مقامات آلمانی را متقاعد کرده بود که هر کس گذرنامه ایرانی دارد علی‌رغم وابستگی‌های مذهبی‌اش، شهروند ایرانی و لاجرم از حقوق این شهروندان برخوردار است. سرداری به حدود هزار و پانصد گذرنامه ایرانی دسترسی داشت. وقتی در سال ۱۹۴۲، نازی‌ها بازداشت یهودیان پاریس را آغاز کردند، سرداری تصمیم گرفت این گذرنامه‌ها را به نام برخی از یهودیان غیرایرانی صادر کند...»

از قرار یکی دو نفر از این افسران آلمانی مورد معاشرت با سرداری آدم‌های بسیار بدنامی بوده‌اند. رفاقت سرداری با افسران آلمانی موجب خشم دولت ایران می‌شود و از تهران دستور بازگشت سریع سرداری صادر می‌شود. اما اقوام سرداری بخصوص فریدون هویدا اصرار دارند که سرداری به خاطر ادامه ماموریت نجات یهودیان در پاریس ماند و با تکیه بر ثروت شخصی‌اش ماجرا را پیش برد ! اما ...اما بدبینانی حضور دارند که کمک سرداری به جامعه یهودیان را نوعی بیزینس پرمنفعت می‌دانستند که او موفق می‌شود با استفاده از ثروت یهودیان محتاج کمک و با زدوبند با آلمانی‌ها بر ثروت هنگفت خود بیافزاید. سرداری در دهه شصت و هفتاد میلادی همچون یک قهرمان در جامعه یهودیان مورد ستایش قرار گرفت. اما این را هم داشته باشید که در ادامه رسوایی‌های پاریس وقتی بعد از جنگ یهودیان درصدد بازگرداندن ثروت و طلای خود از سوئیس و دیگر کشورها به فرانسه بودند و مجبور بودند تعرفه‌ها و مالیات‌های هنگفت گمرکی را برای این نقل و انتقال بپردازند باز پای دیپلمات‌های ایرانی به میان آمد که با گرفتن رشوه از یهودیان، با استفاده از معافیت‌های دیپلماتیک این اموال را به داخل کشور قاچاق می‌کردند. این بار اسم هویدا به میان می‌آید اما گروهی اعتقاد دارند که این تهمت بی‌اساس بوده است ...در سال‌های ۲۹ و ۳۰، حسین فاطمی مقالات متعددی درباره رسوایی فامیلی در سفارت فرانسه در سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶ نوشت و آن را مایه شرمساری دستگاه دیپلماسی ایران خوانده بود. خانواده‌ای که در تماس نزدیک با سران یهودیان اروپا از یکسو و افسران آلمان نازی ازسوی دیگر بودند و مقدرات ایران در فرانسه و بلژیک و آلمان رادر اختیار داشتند. اما خب روایت دیگری هم هست که در آن سرداری یک شیندلر ایرانی است و....

عبدالحسین سرداری در سال ۱۹۸۱ و در سن ۶۷ سالگی در یک اتاق کرایه‌ای در جنوب لندن و در تنهایی درگذشت. انوشیروان سپهبدی در سن ۹۳ سالگی در تهران در گذشت. در سال ۱۳۶۰. ماجرای امیرعباس هویدا را هم که خودتان می‌دانید. این چرخ گردون چه بازی‌ها که ندارد...

سایت‌نگار

دستمزد عطاران، خواسته هدیه تهرانی، حرف‌های رعنا آزادی‌ور

مجتبی لشکربلوکی روایت جالبی را در خبر آنلاین نقل کرده است: دکتر نعمت‌الله فاضلی، جامعه شناس معاصر ماجرایی بسیار شنیدنی را تعریف می‌کند به نقل از استاد پاپلی یزدی از جلد دوم شازده حمام. اول این ماجرای جذاب را با هم بخوانیم و سپس تحلیل کنیم. قبلش خیلی شفاف بگویم که واژه حمال به هیچ وجه نباید ذهنیت منفی ایجاد کند. هر کاری شریف است از جمله باربری. بر شانه تمام باربران با شرافت با افتخار بوسه می‌زنم! پاپلی یزدی در سال ۱۳۴۶ تصادفی اصغر حمال را در مشهد موقع گدایی می‌بیند و او را می‌شناسد. اصغر پیشتر در گاراژی در یزد باربری می‌کرد. پاپلی احوالش را می‌پرسد و ناهار مهمانش می‌کند و با هم دوست می‌شوند. زمان می‌گذرد و اصغر داستان زندگی‌اش را برای پاپلی می‌گوید. اصغر برای زیارت به مشهد آمده و شبی کنار حرم نشسته و سرش را روی زانویش گذاشته بود. عابران به گمان این که گداست، جلوی پایش پول می‌گذاشتند. اصغر می‌بیند در زمان کمی ۵ تومن پول به او داده‌اند. همان شب دو ساعت دیگر سرش را به زانو می‌گذارد و ده تومن جمع می‌کند. پولی بسیار بیشتر از بار زدن یک کامیون.

اصغر حمالی را رها می‌کند و به گدایی می‌پردازد و روزی ۵۰ تومن گدایی می‌کند. مدتی بعد پاپلی، اصغر را در حال نزول دادن می‌بیند، در حالی که شالی سبز دارد و سید هم شده! پنج سال می‌گذرد و سید صاحب خانه‌ای بزرگ و مال و منال اشرافی می‌شود. همسرش را هم وارد دلالی می‌کند و او جهیزیه دخترش را از همین راه فراهم می‌سازد. حالا اصغر حمال مشهور شده به «حاج سید اصغر». حاج سید اصغر حمال ساکن تهران می‌شود. سال ۶۷ پاپلی «حاج سید اصغر» را که اکنون دیگر حمال نیست، در تهران مجدد می‌بیند که صاحب صرافی در خیابان فردوسی و کاخ و جلال و جبروت است.

فقط اصغر حمال نیست که درمی‌یابد با زحمت کشیدن نمی‌شود پولدار شد، اطراف ما پر است از «حاج سید اصغر حمال‌ها» که از راه گدایی، ربا، دلالی و زندگی رانتی و انگلی، گنج قارون دارند و سید سبز پوش هم شده‌اند.

فاطمه پاقلعه‌نژاد در ستایش عادل فردوسی‌پور سنگ تمام گذاشته: ....مسیری که آخرینش همین حضور پاکدل و همسرش بود. هم عادل فردوسی‌پور نمی‌دانست چه باید از رعنا آزادی‌ور بپرسد و اصلا انگار هیچ سوالی از یک هنرپیشه زن نداشت و هم خود رعنا آزادی‌ور اعتراف داشت که نمی‌داند در این برنامه اصلا چه باید بگوید. خروجی اما یک رکورد بی‌نظیر بود. چون انگار نیاز بود این زوج خوش تیپ بیایند و در این دورهمی سخن بگویند. مهمترین کاراکتر زن سال‌های اخیر نمایش خانگی برای بازی در نقش سمیرا در سریال زخم کاری همان خنده‌هایش تمام تصویر ساخته شده از خشونتش را شست و برد و مهدی پاکدل چه خوب برای خود به عنوان یک هنرمند خوش‌اخلاق و با هنر و دوست‌داشتنی برندینگ کرد در همین کمتر از ۴۰دقیقه.

او خیلی زیرکانه جمله احسان عبدی‌پور را تکرار کرد که همین حضور در قابی که عادل نشسته باشد، یک کنش اجتماعی به سمت مردم است. حالا اقلا بیش از ۷۰درصد مردمی که خواهان گشایش در شرایط و حذف سخت‌گیری‌ها و تندروی‌های بی‌دلیل هستند. آنها که تشنه شنیدن صدای عادل روی گزارش‌های فوتبالند. آنها که می‌گویند رفع انحصار در کشور باید از همین قدم‌های کوچک آغاز شود. همین چندی قبل بود که جلال رشیدی کوچی نماینده رد صلاحیت‌شده مجلس در مصاحبه‌ای گفته بود: با رفع فیلترینگ، حل مسئله حجاب، حل واردات خودرو، بازگرداندن ستاره‌های محبوب مردم می‌شود کشور را به ثباتی رساند که بخش عمده‌ای از این طعم گس ناامیدی از بین برود.

اتفاقی که در انتخابات هشتم تیر به روشنی به چشم آمد. برنامه عادل بدون حتی فریمی از فوتبال‌های مهم این شب‌ها، چون پاتوقی شده برای شنیدن گفته‌هایی که امکان شنیدن‌شان از مجاری رسمی‌رسانه‌ای کشور نیست، هر روز رکوردشکن‌تر از قبل پیش می‌رود. مردمی که خسته‌اند از خالص‌سازی و تشنه کمی‌زندگی معمولی هستند.(خبرآنلاین)

درباره ندا شهسواری که قرار است پرچمدار کاروان ایران در المپیک پاریس باشد: (زاده ۳۰ شهریور ۱۳۶۵) بازیکن تنیس روی میز اهل ایران است که سه دوره مسابقات المپیک حضور داشته است، این بازیکن در باشگاه پتروشیمی‌بندر امام بازی می‌کند و قرار است در المپیک پاریس پرچم دار کاروان ایران باشد. وی با قهرمانی در مسابقات آسیای میانه در ازبکستان، سهمیه بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ را کسب کرد. او با حضورش در المپیک لندن، اولین زن اهل ایران است که در رشته تنیس روی میز در المپیک حضور پیدا کرده‌است اما در این بازی‌ها با شکست در بازی اول برابر حریفی از نیجریه حذف شد.

شهسواری با قهرمانی دوباره در مسابقات آسیای میانه در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۵، سهمیه بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۶ را به دست آورد. در این مسابقات نیز بازی اول خود را به حریفی از بلاروس واگذار کرد و از دور مسابقات کنار رفت.

شهسواری با قهرمانی در مسابقات قهرمانی آسیای میانه در تاشکند ازبکستان، توانست سهمیه بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۴ پاریس را به دست آورد و برای سومین بار پس از المپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶، راهی المپیک شود.

رئیس شبکه دامپزشکی مشهد گفت: سگ نگهبان در بلوار شاهد مشهد به ۱۱ شهروند مشهدی حمله و آنان را راهی بیمارستان کرده است.

محمد سیاح اظهار کرد: سگ نگهبان پروژه ساختمانی، پس از خروج از محل، ابتدا وارد یک واحد کاروانش شده و کارگر کاروانش را مورد گزش قرار داده و در پیاده رو به ۱۰ نفر از شهروندان حمله کرده است. متاسفانه در این حادثه گوش یکی از شهروندان، به دلیل شدت جراحات و گزش از بدن وی جدا شده و منجر به خونریزی شدید می‌شود. به محض اطلاع رسانی به این شبکه، کارشناس دامپزشکی به محل مراجعه و با همکاری نمایندگان سایر دستگاه‌های اجرایی و نظارتی، نسبت به امحا و نمونه‌برداری از سگ اقدام شده است.

زهرا موسوی، استاد دانشگاه و دخت میرحسین موسوی، با انتشار نامه‌ای در صفحه اینستاگرامی خود، از اخراجش از دانشگاه الزهرا خبر داد.

به گزارش فرارو؛ سید ابراهیم رئیسی ۱۴ مرداد ۱۴۰۰ دولت را تحویل گرفت.

مرکز آمار تورم نقطه‌به‌نقطه را در آن زمان معادل ۴۳.۲ درصد محاسبه کرده و بررسی‌ها نشان می‌دهد دلار در محدوده ۲۵ هزار و ۶۰۰ تومان قرار داشته. قیمت طلا و سکه به ترتیب معادل یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و ۱۱ میلیون و ۳۶۶ هزار تومان بود و ارزش مسکن در تهران به‌طور متوسط متری ۳۰ میلیون و ۹۷۰ هزار تومان ذکر شده است.

سه سال و نیم بعد وقتی سقوط هلی کوپتر باعث شد فضای سیاسی ایران به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پیش از موعد تن بدهد، تورم نقطه‌به‌نقطه اردیبهشت طبق گزارش مرکز آمار به ۳۱ درصد رسید، اما طلا با رشد ۲۴۸ درصدی، دلار با رشد ۱۳۶ درصدی و سکه با افزایش ۲۹۶ درصدی روبه‌رو شدند.

متوسط قیمت مسکن در تهران تا متری ۸۴ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان پیش رفت و قیمت گوشت با عبور از متوسط ۱۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان در هر کیلوگرم به میانگین ۶۱۸ هزار و ۷۵۵ تومان رسید تا رشد ۳۴۶ درصدی را تجربه کرده باشد. ۵۰ روز پس از واقعه سقوط هلی کوپتر سیدابراهیم رئیسی، مسعود پزشکیان مجوز حضور در پاستور را پیدا کرده، اما خودش هم می‌داند با توجه به وضعیت اقتصاد و بازار قرار نیست برایش فرش قرمز پهن کنند. قرار است نهمین رئیس‌جمهوری ایران روزهایی سخت پیش‌رو داشته باشد.

در پی تایید آلودگی آب شرب رضوانشهر که منجر به مسمومیت تعدادی از شهروندان در هشتم تیرماه جاری شد، دادستان رضوانشهر علیه مدیران ادارات آب و فاضلاب و شبکه بهداشت و درمان این شهرستان به دلیل اهمال در بروز حادثه مسمومیت اعلام جرم کرد.

این در حالی است که هفته گذشته آبفای گیلان با قطعیت هرگونه آلودگی در آب شرب رضوانشهر که منجر به مسمومیت ۴۰۰ شهروند این شهرستان غرب استان شد را رد کرد. شبکه بهداشت و درمان استان گیلان نیز با تاخیر چند روزه در نهایت فرسودگی شبکه و طغیان و نفوذ آب آلوده به شبکه آب شرب را دلیل اصلی این مسمومیت عنوان کرد.

رضا درستکار منتقد با سابقه سینما در گفت‌وگویی با خبرآنلاین مدعی شده است که رضا عطاران برای یک فیلم سینمایی ۳۵ میلیارد تومانی دستمزد گرفته است. این رقم و این سخن حرف و حدیث زیادی را به دنبال داشته است، از بالا بودن آن تا شایعه تخریب، اتهام و... شاید بزرگترین مشکل سینمای ایران نبودن شفافیت است به شکلی که هزینه تولید یک فیلم و هزینه بازگشت سرمایه آن به هیچ عنوان مشخص نیست.

رضا درستکار در مصاحبه‌اش گفته است: «مثلا به رقم تقریبی دستمزد آقای رضا عطاران نگاه کنید؛ دستمزد ایشان در سال ۱۴۰۰ یک میلیارد تومان بوده، عطاران در این سه سال، روندهای نزولی در سینما را طی می‌کند، اما الان در سال ۱۴۰۳ شنیده‌ام که قراردادی بسته ۳۵ برابر بیشتر از ۱۴۰۰! شما به این نمی‌گویید فاجعه؟ [...] این فقط یک مثال کوچک است و نشان می‌دهد ساخت فیلم سینمایی چقدر گران و سخت شده و هزینه‌های فیلمسازی به شکلی نجومی‌افزایش پیدا کرده است. نتیجه می‌گیریم تنظیم‌کننده و مدیریتی وجود نداشته که رقم دستمزد کمدی کاران تا این حد افزایش یافته است!

نتیجه این اتفاق، خارج شدن بدنه سینما از چرخه تولید و فقیرتر شدن نظام فرهنگی است. وقتی عنصر یک فیلمی ۳۵ میلیارد تومان پول دریافت می‌کند، آن فیلم چقدر باید بفروشد که رقم تولید باز گردد؟ به سایرین که از این پول‌ها نمی‌دهند.»

اطلاعاتی از کتاب «پرونده مختارنامه» نوشته رضا استادی به نقل از همشهری آنلاین:

گروه کارگردانی «مختارنامه» برای نقش جاریه، همسر عمر سعد، با هدیه تهرانی تماس می‌گیرد و به ادعای کتاب، تهرانی بدون خواندن فیلمنامه نقش جاریه را می‌پذیرد، فقط به شرط اینکه محمدرضا شریفی‌نیا در سریال حضور نداشته باشد. به گفته نویسنده کتاب «پرونده مختارنامه»، هدیه تهرانی دستمزد معقول ۷۵ میلیون تومانی برای کل نقش پیشنهاد می‌دهد و حتی بعد از چک‌وچانه، ۲ میلیون تومان هم تخفیف می‌دهد. اما شریفی‌نیا به میرباقری ذهنیت داده که بازیگری مثل تهرانی باید مجانی در «مختارنامه» بازی کند و حتی گویا به میرباقری گفته اگر خودش به تهرانی زنگ بزند، تهرانی مجانی می‌آید. در نهایت این همکاری ممکن نمی‌شود و نقش به ماه‌چهره خلیلی می‌رسد که او با مبلغی در حدود ۳۷ میلیون تومان این نقش را بازی می‌کند.

حمید فرخ‌نژاد برای نقش عمر سعد در نظر گرفته شده بود، اما بعد از مطالعه فیلمنامه پیشنهاد می‌دهد که نقش مختار را بازی کند. میرباقری موافقت می‌کند و حتی قرارومدارهایی هم گذاشته می‌شود، اما فرخ‌نژاد که تا اسفند ۱۳۸۲ در فیلم «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی کیا مشغول بازی است، نمی‌تواند برای مذاکره با گروه تولید «مختارنامه» از لوکیشن «به رنگ ارغوان» واقع در روستای سنگ‌ده شهرستان پل‌سفید در ۵۰ کیلومتری قائمشهر، به دلیل شرایط بد جوی و اجازه ندادن حاتمی کیا به او برای ترک لوکیشن، به تهران برود و عملا نقش مختار را از دست می‌دهد.

هاشم‌پور می‌توانست مختارِ میرباقری باشد. هاشم‌پور برای بازی در این نقش درخواست دستمزد ۱۴۰ میلیون تومانی می‌کند (تقریبا ماهی ۱۵ میلیون تومان) که به گفته نویسنده رقم بسیار بالایی بود و تلویزیون نمی‌خواست با پرداخت این رقم مسبب افزایش دستمزد بی‌رویه بازیگران باشد. میرباقری دستمزد بالای درخواستی هاشم‌پور را به سنگ بزرگی تعبیر کرده که پیش پای گروه می‌اندازد و می‌رود. به اعتقاد میرباقری، هاشم‌پور مقهور حجم بالای فیلمنامه و مدت طولانی تولید آن می‌شود و با درخواست دستمزد بالا کاری می‌کند که سازندگان سراغش نروند. عرب‌نیا تقریبا نصف دستمزد هاشم‌پور را برای این نقش می‌گیرد، چیزی در حدود ماهیانه ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان.

هم میهن گزارشی درباره مشکلات اهالی شهرک پرند منتشر کرده که در بخشی از آن آمده: «خانه ساختند ولی امکانات ندارد»؛ این خلاصه حرف مردمی است که سال‌ها پیش از تهران به پرند رفتند تا شاید زندگی بهتری داشته باشند. آنها می‌گویند بعضی از ساکنان به‌دلیل همین کمبود امکانات در حال برگشتن به تهرانند، با وجود همه فقری که در این شهر منتظرشان است. «افرادی که خانه‌شان اینجا بود، واحد برای خودشان بود اما به‌دلیل کمبود مدرسه دوباره اینجا را رها می‌کنند و به تهران برمی‌گردند.»

این روایت‌ها را حالا از زبان اهالی شهری کوچک در جنوب غربی استان تهران می‌شنویم که نامش از اوایل دهه ۹۰ به‌نام شهری مهاجرپذیر شنیده می‌شد، اما حالا اهالی آن می‌گویند بعضی از ساکنان در حال بازگشت به تهرانند؛ چون امکاناتی در کار نیست. مشکلات این شهر حالا در حرف‌های مسئولان هم راه پیدا کرده؛ همین دو هفته پیش بود که مسعود پزشکیان، نامزد انتخابات چهاردهم ریاست‌جمهوری که حالا برای این عنوان هم انتخاب شده، در حرف‌های انتخاباتی‌اش گفت که به پرند رفته و وحشت کرده است؛ او گفت مطمئن است مردم این شهر مشکل آب پیدا خواهند کرد.

شهر پرند جوان که حالا جمعیت‌اش به حدود ۴۵۰ هزار نفر رسیده، بعد از اجرای طرح مسکن مهر در اواسط دهه ۸۰، به‌سرعت از نظر جمعیتی رشد کرد، اما اهالی می‌گویند ماجرا به همین سادگی نیست و زیر پوست این شهر و در کنار ساختمان‌های بلند مسکن مهر، اتفاقات دیگری رخ می‌دهد؛ خشونت، فروش مواد، سکونت اتباع غیرمجاز و احساس ناامنی. ساخت خانه‌های مسکن مهر در دولت نهم آغاز شد و موج مهاجرت به آن از همان اوایل دهه ۹۰ شدت گرفت و حالا این شهر به هفت فاز رسیده و در فاز آخر آن هم طرح مسکن ملی در جریان است. با وجود اینکه بیش از یک دهه از روند افزایشی جمعیت پرند می‌گذرد و ساکنان مسکن مهر بیشتر شده‌اند، اما امکانات زندگی در این شهر کفاف جمعیت تقریباً نیم‌میلیون نفری آن را نمی‌دهد و حالا باید راه‌های طولانی را برای دسترسی به امکانات طی کنند؛ مسافتی حداقل تا رباط کریم و تهران

محسن حسام مظاهری نوشت: دو رقیب اصلی انتخابات، سه‌شنبه‌شب ۱۹ تیر ۱۴۰۳ در مراسم عزاداری شرکت کردند. برای نخستین حضور پس از انتخابات در محافل مذهبی، پزشکیان مجلس شیخ حسین انصاریان (مشهورترین واعظ پیشکسوت پایتخت) در حسینیه هدایت را انتخاب کرد و جلیلی مجلس منصور ارضی (مشهورترین مداح پیشکسوت پایتخت) در مسجد ارک را.

هردو انتخاب‌هایی معنادار و نمادین داشتند:

پزشکیان به مجلس یک واعظ سنتی رفت که در این انتخابات موضعی له یا علیه هیچ‌یک از نامزدها نگرفته بود؛ و جلیلی مجلس مداحی سیاسی را برگزید که نه فقط در دوره دوم، بلکه در دوره اول انتخابات و وقتی اغلب مداحان مشهور و حتی شاگردان و نزدیکانش از قالیباف حمایت کردند، یک‌تنه طرف جلیلی ایستاد.

پزشکیان به مجلس عالم و روحانی مردم‌دار شهر رفت که کمتر در مسائل سیاسی روز مداخله می‌کند، اما مواضع انتقادی‌اش در سال‌های اخیر (ازجمله در موضوع برخورد سخت با بی‌حجابی) و رویکرد رحمانی و پرجاذبه‌اش او را به شخصیتی معتدل و مورداحترام برای طیف وسیعی از مخاطبان با گرایش‌های مختلف (حتی مخاطبان بیرون از فضای محافل مذهبی) مبدل کرده است؛ و جلیلی مجلس مداحی را انتخاب کرد که همواره مواضع رادیکال و تند سیاسی‌اش حاشیه‌ساز و پردافعه بوده و بدنه مخاطبانش محدود به یک لایه ایدئولوژیک سیاسی خاص در بین وفاداران مذهبی نظام می‌شود.

همین دو انتخاب نمادین، می‌تواند بخشی از نتایج انتخابات و پیروزی پزشکیان (با سبد رأی سیال، متنوع‌تر و افزایش‌

می‌توانید تویوتا و نیسان و اشکودا بخرید

خودروهای وارداتی که قیمتشان قطعی شد

گروه خودرو | آخرین عرضه خودروهای وارداتی در سامانه فروش خودرو در حالی باز شد که حالا سایر متقاضیان خرید خودروهای خارجی نیز می‌توانند با بلوکه کردن ۵۰۰ میلیون تومان پول در حساب وکالتی در این عرضه شرکت کنند. البته که اولویت با ثبت‌نام کنندگان اسفند ۱۴۰۱ است. برای ثبت‌نام کنندگان اسفند ۱۴۰۱ این آخرین عرضه و اولویت انتخاب است که باز شده و بعد از این مانند تمام متقاضیان در هر دوره باید ۵۰۰ میلیون تومان پول بلوکه کنند و دیگر اولویتی در کار نیست. در این عرضه قیمت قطعی ۱۸ خودروی وارداتی توسط سامانه اعلام شده است. برندهایی چون تویوتا، نیسان، اشکودا و فیات به چشم می‌خورد و میانگین قیمتی تا حدود سقف دو میلیارد تومان است. اگر می‌توانید حدود ۶ ماه الی یک سال برای تحویل خودروی خود صبر کنید این ثبت‌نام به نفع شما خواهد بود چون قیمت‌ها در سامانه مناسب است. در این گزارش شش خودروی عرضه شده در سامانه که دارای قیمت قطعی هستند و کیفیت خوبی دارند را معرفی می‌کنیم. از روز سه‌شنبه تا سه روز بعد، برای ثبت‌نام و انتخاب خودرو وقت دارید.

نیسان سانی — قیمت یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان

قیمت نیسان سانی ۲۰۲۳ در بازار آزاد، ۲میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان است. ماشین نیسان سانی جهان نوین آریا از یک موتور تنفس طبیعی ۴ سیلندر به حجم ۱/۵ لیتر، قدرتی برابر با ۱۰۸ اسب بخار و ۱۳۴ نیوتن.متر گشتاور دریافت می‌کند. این پیشرانه با یک گیربکس اتوماتیک ۴ سرعته همراه شده است تا چرخ‌های جلو را به گردش درآورد. واضح است که چنین مشخصات فنی فقط برای مصارف عادی و معمولی مناسب است.بنابراین می‌توان انتظار داشت که عملکرد فنی نسل قدیمی نیسان سانی مشابه تارا اتوماتیک باشد، با این تفاوت که کیفیت فنی موتور و گیربکس محصولات نیسان بسیار بالاتر از تولیدات ایران خودرو است. موتور تنفس طبیعی و گیربکس AT نشان از استهلاک کم این خودرو دارند و دردسرهایی همچون حساسیت به کیفیت بنزین در این ماشین ژاپنی بسیار ناچیز خواهد بود. باید گفت مهمترین عیب و ایراد نیسان سانی جهان نوین آریا همین طراحی ظاهری قدیمی و از مد افتاده آن است. نمای جلو بسیار گنگ احساس می‌شود و هیجان خاصی در چهره این خودرو وجود ندارد. طرح چراغ‌ها نیز قدیمی و زشت است که در مقایسه با خودروهای امروزی جذاب به نظر نمی‌رسد.البته باید تاکید کنیم که این خودرو بیش از ۱۳ سال پیش طراحی شده و به بازار آمده است.

فیات آر ۵۰۰ — قیمت یک میلیارد و ۸۳۳ میلیون تومان

قیمت فیات در بازار آزاد ۲میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان است. مدل وارداتی فیات ۵۰۰ پارسیان موتور، دارای موتور ۴ سیلندری است که استاندارد آلایندگی یورو۶ دارد. این موتور ۱/۲ لیتری تنفس طبیعی، به گیربکس ۵ سرعته اتوماتیک با قابلیت تیپ ترونیک متصل شده است و خروجی آن به ۶۹ اسب‌بخار قدرت و ۱۰۸ نیوتن‌متر می‌رسد. حداکثر سرعت این خودرو معادل ۱۶۰ کیلومتر برساعت تعیین شده و در مدت زمان ۱۳ ثانیه از حالت سکون به سرعت صد کیلومتر برساعت می‌رسد. برای پیمایش هر صد کیلومتر، به ۴/۸ لیتر بنزین نیاز است. همچنین تجهیزات رفاهی فیات ۵۰۰ عبارت اند از آینه های جانبی برقی گرمکن دار، صفحه نمایشگر رنگی و لمسی ۷ اینچی، نمایشگر فشار باد لاستیک، سیستم تهویه دوگانه مطبوع، سیستم کروز کنترل، سیستم صندلی کودک ایزوفیکس، سیستم ترمز ABS و EBD، سیستم ضد لغزش، سیستم کنترل خودرو در سربالایی، سیستم کنترل گشتاور موتور(MSR)، کیسه هوای جانبی و پرده ای سرنشینان، سنسور غروب و باران، مه شکن جلو و عقب، پورت USB – AUX و اتصالات بلوتوث و رینگهای آلومینیومی. فیات ۵۰۰ در بحث ظاهری سبکی کلاسیک را دنبال می کند. در آخرین فیس لیفت این خودرو شاهد هستیم که هنوز این خودروی ایتالیایی به سبک سال ۱۹۵۷ وفادار است.

تویوتا کرولا ۱۲۰۰ سی‌سی — قیمت ۲میلیارد و ۱۴ میلیون تومان

قیمت این خودرو در بازار آزاد ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان است. متاسفانه آن موتور تنفس طبیعی اما قابل قبولی که در نسل یازدهم کرولای وارداتی به ایران (اتاق E۱۷۰) دیده بودیم، دیگر در نسل دوازدهم این خودرو که به کشورمان آمده است، وجود ندارد چراکه شرکت معین خودرو، ضعیف‌ترین پیشرانه ممکن را برای این ژاپنی، درنظر گرفته است. عرضه تویوتا در ایران برای مدتی طولانی برعهده شرکت ایرتویا بود. اما پس از وقفه چند ساله واردات خودرو و حواشی بوجود آمده برای ایرتویا، اکنون شرکت معین موتور که قبلا محصولات پورشه را به ایران وارد می کرد، واردات تویوتا را نیز برعهده گرفته و کرولا ۲۰۲۳ سدان را به عنوان اولین محصول به ایران آورده است. بهتر است بدانید که کرولای وارداتی معین خودرو ساخت کشور چین بوده و در کارخانه FAW به صورت اختصاصی برای بازار این کشور تولید شده است. تویوتا کرولا ۲۰۲۳ از یک موتور ۴ سیلندر ۱/۲ لیتری توربو بهره می برد که توانایی تولید ۱۱۶ اسب بخار قدرت و ۱۸۷ نیوتن متر گشتاور را دارد. توان تولیدی این موتور از طریق یک گیربکس CVT به چرخ های جلو منتقل می شود. تویوتا کرولا وارداتی با این قوای محرکه می‌تواند شتاب صفر تا صد اعلامی ۱۲ ثانیه‌ای دارد.

اشکودا سوپرب — قیمت ۲ میلیارد و ۲۲۴ میلیون تومان

قیمتی برای این خودرو در بازار آزاد کشف نشد چون در عرضه اولیه است. یک خودرو از برند قدیمی در اروپای شرقی که حرف برای گفتن دارد. موتور ۱/۴ لیتری اشکودا سوپرب از نوع چهار سیلندر خطی بنزینی بوده و ۱۵۰ اسب بخار قدرت به علاوه ۲۵۰ نیوتن‌متر گشتاور را به سوی یک جعبه دنده اتوماتیک دوکلاچه هفت سرعته ارسال می کند تا از آنجا روانه محور چرخ‌های جلو شود. در این راستا باید بدانید که شتاب صفر تا صد این خودرو تحت شرایط استاندارد، چیزی حدود ۹/۷ ثانیه است که قاعدتاً برای یک خودروی خانوادگی با موتور کم‌حجم، می‌تواند رضایت‌بخش باشد. نمایشگر لمسی ۹/۲ اینچی مولتی‌مدیا، سیستم ناوبری، سنسور تشخیص خواب‌آلودگی، دی‌لایت، سنسور نور و باران، تهویه اتوماتیک دوگانه، سنسورهای پارک جلو و عقب، آینه‌های جانبی تاشو برقی، کروز کنترل، حسگر فشار باد تایرها، اتوپارک، دستیار رانندگی، ورود و استارت بدون کلید، سانروف، تنظیم برقی صندلی راننده و کیسه‌های هوای جلو و پرده‌ای جزو مهم‌ترین تجهیزات نسخه ۱/۴ لیتری اشکودا سوپرب محسوب می‌شود. از مهم ترین امکانات و آپشن های این خودرو می توان به ترمز پارک برقی، اتوهلد، رادار بین خطوط، هشدار خستگی راننده، ۶ ایربگ، سیستم پایش فشار تایرها (TPMS)، کلاستر دیجیتال ۱۰ اینچی، صندوق برقی، ورود بدون کلید و استارت دکمه ای، صندلی راننده برقی با ممموری، مولتی مدیا ۹ اینچی، سنسور نور و اتولایت و کروز کنترل تطبیقی اشاره کرد.

نیسان سیلفی — قیمت ۱ میلیارد و ۹۴۴ میلیون تومان

قیمت این خودرو در بازار آزاد هم کشف نشده چون در عرضه اولیه است. خودرویی که در ایران با نام نیسان سیلفی می‌شناسیم، در حقیقت نسل چهارم نیسان سنترا است. نیسان سنترا نقش سدان کوچکی را در سبد محصولات برند ژاپنی ایفا می کند و پایین‌تر از خودروهایی همچون نیسان آلتیما و نیسان ماکسیما قرار می گیرد. تولید نیسان سیلفی یا همان نیسان سنترا از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز شده است و تا به حال چهار نسل این خودرو روانه بازار جهانی شده‌اند. نیسان از نسل دوم سنترا، تصمیم گرفت تا این خودرو را با تمرکز ویژه برای بازار چین عرضه کند. نسخه پلاگین هیبریدی نیسان سیلفی با پسوند e پاور، در سال ۲۰۲۱ برای عرضه به بازار چین معرفی شد. بنابراین خودروهایی که ما امروز در بازار داریم، نسخه‌های انحصاری بازار چین هستند. عرضه این خودرو با پیشرانه پلاگین هیبریدی، زمینه‌ساز تفاوت میان نیسان سیلفی و دیگر سدان‌های کوچک بازار خواهد شد. شرکت نامی خودرو پیشرو، نسخه e-Power را برای عرضه در ایران درنظر گرفته که نسخه تمام برقی سیلفی است. نیسان سیلفی e-Power به سامانه اختصاصی شرکت نیسان مجهز شده که یک موتور برقی با ۱۳۶ اسب بخار قدرت و ۳۰۰ نیوتن‌متر گشتاور روی محور جلو و یک پیشرانه درون‌سوز ۱/۲ لیتری در نقش مولد برق را شامل می‌شود.

تویوتا لوین ۱۸۰۰ سی سی — قیمت یک میلیارد و ۹۷۳ میلیون تومان

قیمت این خودرو ۲۰۲۳ در بازار آزاد، ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان است. نسخه هیبریدی تویوتا لوین دارای یک پیشرانه ۱/۸ لیتری تنفس طبیعی است که این پیشرانه به تنهایی می تواند ۹۸ اسب بخار قدرت و ۱۴۲ نیوتن متر گشتاور را تولید کند. اما یک پیشرانه برقی به کمک پیشرانه بنزینی می آید که این پیشرانه به تنهایی توان تولید ۹۶ اسب بخار قدرت و ۱۸۵ نیوتن متر گشتاور را دارد. اما در این خودرو نیرو، به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می گیرد و مجموع توان تولیدی ۱۳۴ تا ۱۴۲ اسب بخار را می توان از این خودرو انتظار داشت که این نیرو از طریق جعبه دنده E-CVT به چرخ های جلو منتقل می شوند. تویوتا لوین در واقع همان تویوتا کرولا است که با ظاهر نسخه‌های بازار آمریکای شمالی در شرکت GAC چین مونتاژ و به بازار عرضه می‌شود.تویوتا لوین در حال حاضر در دو نسخه بنزینی و هیبریدی و توسط سه شرکت معین خودرو ایرانیان، برساوش و آریاک کار در بازار کشورمان عرضه می‌شود. در نمای جلو تویوتا لوین شاهد چراغ‌هایی نسبتاً باریک هستیم که در ترکیب با ورودی هوای بزرگ روی سپر، چهره‌ای اخمو و اسپرت به این قسمت بخشیده است.

نیم کلاچ

آغاز تولید انبوه خودروی برقی تمام ایرانی از دی ماه

کرمان‌موتور به عنوان خودروساز خصوصی در برقی‌سازی پیشقدم شد

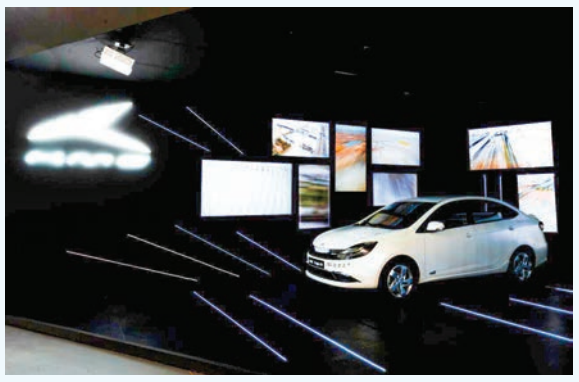

مدیرعامل کرمان موتور با اشاره به اینکه تولید انبوه خودروی برقی تمام ایرانی از دی ماه آغاز می‌شود، از برنامه‌ریزی برای تولید ۱۲۵ هزار دستگاه خودرو تا پایان سال جاری و دستاورد جدید مرکز تحقیق و توسعه این شرکت خبر داد. سامان فیروزی درباره آخرین دستاوردها و اقدامات کرمان موتور در زمینه خودروهای برقی توضیح داد: «شرکت کرمان موتور در حوزه خودروی برقی، دو مسیر را پیش می‌برد. مسیر اول، تولید خودروی برقی تمام ایرانی است. تولید خودروی برقی بومی را از سال ۱۴۰۰ و با همکاری شرکت مپنا شروع کردیم. در واقع پیش از سرعت و شتاب گرفتن موج استفاده از خودروهای برقی، با توجه به نیاز کشور و رصد جریان روز صنعت خودروسازی جهان، کرمان موتور حرکت به سمت این خودروها را آغاز کرد. در حال حاضر نیز براساس برنامه‌ریزی‌ها در شهریورماه، ۸ دستگاه از این خودرو به صورت آزمایشی آغاز می‌شود و پس از پاس کردن تست‌ها و آزمایش‌های لازم، با مهیا کردن شرایط تولید انبوه خودروی برقی بومی از دی ماه شروع می‌شود.» او ادامه داد: «در فاز دوم هم همکاری خود برای مونتاژ CKD را با طرف خارجی شروع کردیم. از ۲۱ خرداد ماه نیز اولین سری از این خودروها نیز تحویل حمل و نقل عمومی و ناوگان تاکسیرانی تهران شد. در فاز اول هزار دستگاه تحویل داده خواهد شد، اما در نظر داریم تا پایان سال در مجموع چهار هزار دستگاه به ناوگان حمل و نقل عمومی کشور تحویل دهیم.»

مدیرعامل کرمان موتور همچنین در خصوص رشد تولید در این شرکت بیان کرد: «سال گذشته کرمان موتور موفق به تولید ۷۲ هزار دستگاه خودرو شد. از این تعداد حدود ۱۴ هزار دستگاه پیکاپ و حدود ۵۸ هزار دستگاه خودروی سواری بود. هم در تولید پیکاپ و هم در تولید سواری توانستیم رشد قابل توجهی را تجربه کنیم.»

فیروزی ادامه داد: «برای سال جاری نیز تولید ۱۲۵ هزار دستگاه خودرو پیش‌بینی شده است. برای تحقق و دستیابی به این مهم برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته و با همکاری وزارت صمت منابع لازم نیز تأمین شده است.» او اضافه کرد: «نکته مهم این است که کرمان موتور در دو حوزه تولید خودروی سواری را پیش می‌برد. حوزه اول، تولید خودروی سواری بومی —ملی است. کرمان‌موتور با طراحی و احداث واحد تحقیق و توسعه، مرکزی ایجاد کرده است که امروز بیش از ۳۰۰ نفر پرسنل در آن مشغول هستند. در این واحد به سمت خودروسازی داخلی پیش می‌رویم. براساس برنامه دی‌ماه ۵۰ دستگاه خودروی صددرصد طراحی و توسعه داده‌شده توسط کرمان موتور تحویل خواهد شد.» مدیرعامل کرمان موتور همچنین در خصوص برنامه کرمان موتور برای تبدیل به ارزشمندترین خودروساز خاورمیانه تصریح کرد: «همانطور که پیش‌تر اعلام شده است، کرمان موتور در نظر دارد تا سال ۱۴۰۵ به ارزشمندترین خودروساز خاورمیانه بدل شود. در این سال‌ها به‌رغم تمام چالش‌ها، مشکلات و معضلاتی که وجود دارد، حرکت متوقف نشده است، به نحوی که تا پایان سال ۱۴۰۲ توانسته‌ایم ۶۰ درصد این هدف را محقق کنیم. تا سال ۱۴۰۵ قطعا به این هدف می‌رسیم. براساس تحقیقات کرمان موتور ارزش بازار ارزشمندترین خودروساز خاورمیانه دو میلیارد دلار است که کرمان موتور آن عدد را رد می‌کند.»

چهارچرخ

تصاویر دیجیتالی از شاسی‌بلند فراری

پدال نوشت: طراحان مستقل دنیای خودرو رندرهای جذابی را از شاسی‌بلند دو در و برقی فراری منتشر کرده‌اند. با اینکه فراری در سال خودروهای زیادی تولید نمی‌کند اما راه‌های زیادی برای جلب توجه وجود دارد و یکی از آنها مربوط به استراتژی تولید محصولات برقی و بدون آلایندگی است. جدیدترین محصول هیجان‌انگیز فراری با نام ۱۲ چیلیندری شناخته می‌شود که نه‌تنها نیم‌نگاهی به گرند تورر های افسانه‌ای دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی داشته بلکه ادای احترامی به تایپ F۱۶۷ پیشرانه وسط و دیفرانسیل عقب نیز محسوب می‌شود. این هیولا بدون استفاده از توربو و سیستم هیبریدی قدرت ۸۳۰ اسب بخاری را از دل نیروگاه ۱۲ سیلندر ۶/۵ لیتری بیرون می‌کشد. ایتالیایی‌ها می‌گویند تا زمانی که قوانین اجازه دهند پیشرانه‌های ۱۲ سیلندر را حفظ خواهند کرد اما این به معنی فکر نکردن به آینده‌ای برقی نیست و فراری قبلاً محصولاتی پلاگین هیبریدی همچون ۲۹۶ و SF۹۰ را تولید کرده است. به زودی یک خودروی تمام برقی هم به محصولات این برند اضافه خواهد شد و شاید قیمتی فراتر از نیم میلیون دلار داشته باشد. اخیراً نیز نسخه پیش‌تولیدی این خودرو رؤیت شده؛ هرچند طراحی آن دارای ویژگی‌های عجیبی همچون خروجی‌های اگزوز غیرواقعی است. البته مطمئن نیستیم که طرفداران فراری نسخه نهایی این خودرو را دوست خواهند داشت یا خیر.

وب‌گردی

ابلاغ قیمت‌های جدید خودرو به دولت جدید واگذار شد

ایلنا نوشت: دبیر انجمن خودروسازان تصریح کرد: شرکت‌های ایران‌خودرو و سایپا در انتظار ابلاغ قیمت‌های جدید از سوی وزارت صمت هستند اما اگر وزارتخانه بنا دارد ابلاغ قیمت‌ها را به دولت جدید واگذار کند که بسیار ناجوانمردانه است و این کار سختی برای دولت جدید خواهد بود که در ابتدای امر مجبور به افزایش قیمت خودرو شود. احمد نعمت‌بخش، دبیر انجمن خودروسازان درباره آخرین وضعیت تخصیص و تامین ارز برای خودروسازان گفت: خبرهایی که به من رسیده حاکی از این است که از روز ۱۸ تیر تامین ارزها آغاز شده اما از ابتدای سال تا ۱۷ تیر هیچ خبری از تامین ارزهای تخصیص داده شده نبود، البته در اخبار گفته می‌شد که ۱/۵ میلیارد دلار ارز به خودروسازان دادند اما این به تخصیص‌های سال گذشته مربوط می‌شد و در سال جاری اوضاع خوبی از نظر تامین ارز برای خودروسازان برقرار نبوده و با این شکل از تخصیص ارز نمی‌شود صنعت را اداره کرد و صنعت نیاز به تامین مستمر ارز دارد.من از ابتدای سال جاری تاکنون چهار نامه به وزیر صمت نوشتم و در آن نامه‌ها نسبت به وضعیت نامطلوب تخصیص و تامین ارز به خودروسازان گله کردم و هشدار دادم که اگر با همین رویه پیش رویم به تولید سال ۱۴۰۲ هم نمی‌رسیم حتی در نامه آخر به آقای وزیر گفتم کاری کنید در اواخر دولت شهید رئیسی نام نیکی از دولت ایشان به جا بماند. نعمت‌بخش در ادامه به موضوع قیمت‌گذاری محصولات ایران‌خودرو و سایپا پرداخت و اظهار کرد: حدود ۱۵ ماه است که شرکت‌های ایران‌خودرو و سایپا افزایش قیمت نداشته‌اند، صنعت در سال گذشته گرفتار شورای رقابت بود و شورای رقابت پارسال قیمت‌گذاری را به وزارت صمت محول کرد؛ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان نیز قیمت‌های ایران‌خودرو و سایپا را محاسبه کرده و اکنون معاون حمل و نقل وزارت صمت باید قیمت‌های جدید را ابلاغ کند که نکرده است.ایران‌خودرو و سایپا هر روز دارند ضرر می‌کنند و کسانی که در ابلاغ قیمت‌ها سهل‌انگاری می‌کنند، مدیون ۴۰ میلیون سهامدار ایران‌خودرو و سایپا هستند و این حق شرکت‌هاست که قیمت‌های جدید آنها ابلاغ شود.دبیر انجمن خودروسازان خاطرنشان کرد: خودروسازان با کمبود نقدینگی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند پول قطعه‌سازان را بدهند و در این شرایط معلوم نیست چرا وزارت صمت در این مورد سیاسی برخورد می‌کند؟

بی‌ستون

شیطان از روی صندلی عقب ماشین سلام می‌دهد

آبان فرزیان | صنف تعمیرکارهای ماشین عموما آدم‌های محترمی هستند اما قطعا مثل بقیه ما مدام توسط شیطان مورد آزمایش قرار می‌گیرند و به طور طبیعی بعضی‌هایشان ممکن است گول بخورند. تقریبا ۱۰ سال پیش وقتی تازه رانندگی کردن را یاد گرفته بودم، شب گرم تابستانی وسط خیابان ستارخان، ماشین خاموش کرد. لحظه ترسناکی بود. جفت برف‌پاک‌کن‌ها یک‌مرتبه با هم پریدند بالا و ماشین خاموش شد. اگر آن موقع به اندازه الان تجربه و سواد داشتم، موقع تماس با امداد خودرو می‌گفتم برق پشت‌آمپر قطع شده و با چراغ‌قوه سویچ موتور اسنارت نمی‌خورد اما چون هنوز این چیزها را بلد نبودم، فقط گفتم: «ماشین خراب شده؛ تو رو خدا بیایید نجاتم بدید!».

امداد خودرو یک ساعت بعد رسید. ماشین را یکسل کرد و کشان‌کشان به یک تعمیرگاه شبانه‌روزی انتقال داد. چون بودم و خانم و بی‌تجربه و از همه‌جا بی‌خبر، برای همین پشت سر هم تق ولم خدا را شکر می‌کردم و احساس می‌کردم به آدم‌هایی که نصف‌شبی از خواب و خانواده زده‌اند و دارند توی خیابان به مردم خدمات می‌دهند، مدیون هستم. ماشین و سویچ را تحویل دادم و گفتند به محض آمدن مکانیک و بررسی ماشین تماس می‌گیرند تا بگویند نتیجه عیب‌یابی چه بوده و برآورد میزان خسارت را هم می‌گویند. متصدی تعمیرگاه شبانه‌روزی با چهره‌ای مهربان و لبخندی اطمینان‌بخش نگاهم کرد و گفت: «دخترم نگران نباش؛ بدون اجازه شما دست به ماشین نمی‌زنیم».

حتی اگر ماجرا مال الان بود، باز امکان داشت به خاطر لحن کلام و نگاه متصدی، رضایت دهم ماشین همان جا بماند و هرچقدر اعلام می‌کردند هزینه شده، می‌پرداختم. می‌خواهم بگویم طرف تا این حد آدم امنی به نظر می‌رسید. سرتان را درد نیاورم. نزدیکی‌های ظهر تماس گرفتند و گفتند به پول آن موقع، اندازه یک‌هشتم قیمت ماشین خودم خراب خواهد شد. معلوم است که شوکه شدم. فقط توانستم از ایراتور بپرسم مشکل ماشین چه بوده؟ در جواب شنیدم، موتور سرسیلندر سوزونده خانم! بعد بهم اطمینان داد مدورم را می‌گذارد توی اولویت و ظهر فردا ماشین را تحویل می‌دهند. ماجرا را برای یکی دو نفر تعریف کردم و همه‌شان تصدیق کردند که تعمیر موتور پرخرج و پرهزینه است. فردا رفتم سر قرار و ماشین را تحویل گرفتم اما احتمالا لازم نیست بگویم ۲۴ ساعت نشده، دقیقا با همان علائم وسط خیابان دوباره دچار مشکل شد. ماجرا را برای ایراتور گ

یورو ۲۰۲۴ در احاطه فیک‌نیوز

انتشار اطلاعات غلط از شعارهای حمایت از پوتین تا تشویق پلیس آلمان به مصرف علف به جای الکل در جام ملت‌های اروپا

فقط دنیای سیاست، علم و سلامت نیست که مورد هدف اطلاعات نادرست آنلاین قرار می‌گیرد، بلکه حتی ورزش و سایر سرگرمی‌های مورد علاقه ما نیز ممکن است مورد حمله ادعاهای مشکوک قرار گیرند و در این میان، مسابقات جام ملت‌های اروپا ۲۰۲۴ نمونه جدیدی است. در روزهای اخیر مواردی از این انتشار اطلاعات نادرست در یورو ۲۰۲۴ هم دیده شده است. در ادامه برخی از وقایع را مرور خواهیم کرد.

آدولف هیتلر در سکوی تماشاگران

تصویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که یک هوادار فوتبال را در آلمان در دور اول مسابقات با لباس آدولف هیتلر نشان می‌داد. این عکس به طور گسترده در فیس‌بوک و توئیتر به اشتراک گذاشته شد اما این عکس مربوط به یورو امسال نیست و در واقع، تاریخ آن به یک مهمانی هالووین در اکتبر ۲۰۲۲ برمی‌گردد و محل ثبت آن هم نه آلمان بلکه آمریکا است. با این حساب می‌توان گفت شمایل هیتلر در میان تماشاگران این جام حضور نداشته است.

دیپ فیک ساوت‌گیت

در این جام، نوبت مصاحبه‌های جعلی ایجاد شده توسط هوش مصنوعی به فوتبال و سرمربی تیم ملی انگلیس رسید. این مصاحبه جعلی به سرعت در فضای مجازی منتشر شد و توسط میلیون‌ها نفر دیده و دست به دست شد. این کلیپ‌های جعلی که نشان می‌دهند ساوت‌گیت اظهارات خام و زننده‌ای درباره بازیکنانش می‌کند و کار جایی بغرنج می‌شود که حتی یوفا هم این ویدئو را واقعی می‌پندارد و در اظهارنظری آنی، این مصاحبه را «توهین‌آمیز» خواند. البته این دیپ فیک به نفع ساوت‌گیت تمام شد و او که به دلیل بازی‌های نه‌چندان جذاب تیم انگلیس زیر بار فشار شدید انتقادات بود، توانست از این فرصت استفاده کند و با رد اصالت این ویدئو و تعریف و تمجید از بازیکنانش، رابطه خود با شاگردانش را تحکیم بخشد و به آنها روحیه مضاعف تزریق کند.

فریاد حمایت از پوتین روی سکوها

کاربران شبکه‌های اجتماعی ویدئویی را منتشر کرده‌اند که در ۱۷ ژوئن منتشر شده و بر اساس آن ادعا کردند که هواداران رومانیایی، نام ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را در جریان بازی فوتبال یورو ۲۰۲۴ بین رومانی و اوکراین سر می‌دهند. با این حال، وقتی دقیق‌تر نگاه کنیم، متوجه ناهماهنگی‌هایی در صدا و تصاویر فیلم می‌شویم که ما را به این نتیجه می‌رساند که این ویدئو نیز دیپ‌فیک و جعلی است و دوباره پای هوش مصنوعی در میان است. علاوه بر این، مقامات یوفا حاضر در بازی گفتند هیچ شعاری برای حمایت از پوتین نشنیده‌اند. این ویدئوی جعلی، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های روسیه داشت. اما به نظر می‌رسد حال و هوای بازی متفاوت از تصویر ترسیم شده توسط ویدئوی جعلی بوده است. روزنامه آلمانی بیلد گزارش داد که در این بازی، ۴۰ هزار هوادار رومانیایی حاضر در ورزشگاه به دور از فضای مسابقه فوتبال، همبستگی خود را با همسایگان خود نشان دادند. حتی در مقطعی هواداران رومانیایی شعارهای «اوکراین، اوکراین» را سر دادند که به گفته روزنامه آلمانی، یکی از تکان‌دهنده‌ترین لحظات قهرمانی اروپا بود.

پیراهن‌های تقلبی و جریمه‌های هزاران یورویی

یوفا یورو ۲۰۲۴ برای پوشیدن پیراهن‌های تقلبی ۵۰۰۰ یورو جریمه نمی‌کند. مقامات توصیه می‌کنند برای جلوگیری از کلاهبرداری، بلیت را از طریق کانال‌های رسمی خریداری کنید.

درباره ادعاهای نادرست آنلاین در مورد مسابقات قهرمانی فوتبال بیشتر بدانید. در مجموع ۲۴ کشور اروپایی در مسابقات یورو ۲۰۲۴ مردان شرکت خواهند کرد و انتظار می‌رود بیش از ۶۵۰هزار هوادار بین‌المللی فوتبال از آلمان دیدن کنند. این یک رویداد یک بار در زندگی برای بسیاری خواهد بود، اما اگر در گیر تقلب‌ها و کلاهبرداری‌های آنلاین شوید، می‌تواند به سرعت به یک کابوس تبدیل شود.

چندین پست و مقاله در رسانه‌های اجتماعی با استناد به «قوانین خاص آلمان برای مبارزه با گسترش کالاهای تقلبی» منتشر شد که بر اساس آن، هواداران فوتبال در صورت گرفتار شدن با پیراهن‌های تقلبی با جریمه‌های هزاران یورویی روبرو خواهند شد. این مقاله‌ها سبب شد تا شایعه‌ای مبنی بر جریمه ۵ هزار یورویی هواداران و تماشاگران برای پوشیدن پیراهن تقلبی تیم‌های حاضر در رقابت منتشر شود. این خبر ۶۵۰ هزار تماشاگر و هوادار فوتبال که خود را برای دیدن بازی‌ها به آلمان رسانده بودند، نگران کرد. یوفا مجبور شد به این شایعات، واکنش نشان دهد و بگوید هیچ فردی برای پوشیدن نسخه تقلبی پیراهن تیم‌های مختلف جریمه نخواهد شد.

شهر کثیف، زباله‌ها و انگشت اتهام به مهاجران

یکی دیگر از ادعاهای گمراه‌کننده، ویدئوها و شایعاتی است که سعی می‌کند به‌هم ریختگی پس از بازی را به گردن مهاجران بیندازد. این ویدئو که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده است، میدان رومبرگ در فرانکفورت را نشان می‌دهد که پر از زباله و ظروف خالی غذا و نوشیدنی است. این ویدئو با زیرنویس‌هایی مانند «مطمئن نیستم که فرانکفورت تا چه زمانی از پیامدهای مهاجرت دسته‌جمعی دوام خواهد آورد» منتشر شده است. اما این ویدئوها ربطی به مهاجران ندارد و مربوط به تماشاگران بازی تیم‌های انگلیس و دانمارک در ۲۰ ژوئن است.

به جای نوشیدن الکل، علف دود کنید

در رسانه‌ها ادعاهایی منتشر شده بود که در آن گفته می‌شد پلیس آلمان از هواداران خواسته به جای نوشیدن الکل، ویدیا علف بکشند. به نظر می‌رسد این ادعا از گزارش روزنامه بریتانیایی سان سرچشمه گرفته است که به نقل از یک سخنگوی پلیس گفته بود آنها بیشتر افرادی را که الکل نوشیده‌اند مورد هدف قرار می‌دهند تا گروه‌هایی که علف مصرف کرده‌اند. اما پلیس آلمان این ادعاها را رد کرده و گفته است که امنیت همه تماشاگران فوتبال را بدون توجه به نوشیدنی یا موادی که مصرف کرده‌اند تضمین می‌کند. سخنگوی پلیس آلمان همچنین گفته بود آنها هرگز به صراحت هواداران فوتبال را کشیدن علف یا وید تشویق نمی‌کنند. (یورونیوز)

کمیک

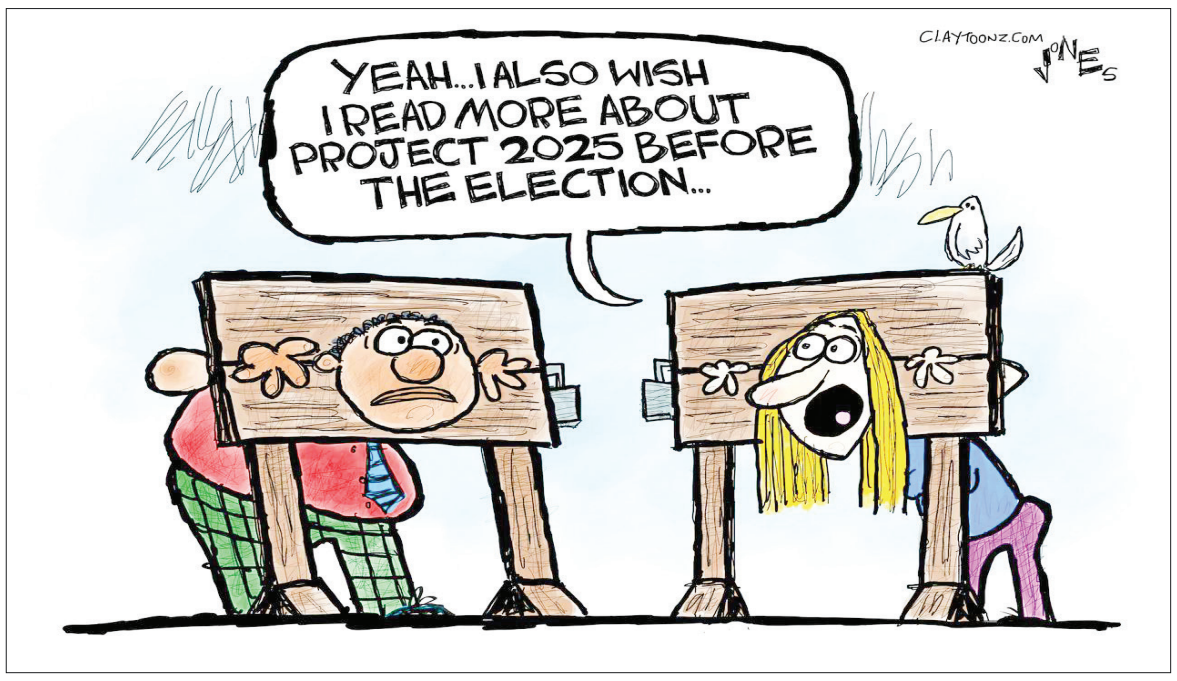

پروژه ۲۰۲۵ به حدی نژادپرستانه و ظالمانه است که حتی ترامپ از وجود آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. اما طراحان این برنامه معتقدند که ترامپ پس از ورود به کاخ سفید این طرح را اجرا خواهد کرد. این افراد که در جایگاه اعدام قرار گرفته‌اند، می‌گویند باید پیش از انتخابات بیشتر درباره پروژه ۲۰۲۵ می‌خواندند تا به این سرنوشت دچار نشوند. کارتونی از کلی‌تونز

سایت‌نگار

سربازان اسرائیلی: به‌طور تصادفی به سمت غیرنظامیان در غزه شلیک می‌کردیم

برخی نظامیان ارتش اسرائیل در گفتگو با رسانه‌های این کشور تایید کردند که هنگام حضور در نوار غزه بدون در نظر گرفتن هدف خاصی سمت مردم غیرنظامی شلیک کرده‌اند. پایگاه اینترنتی «+۹۷۲» که مرکز آن در تل‌آویو پایتخت اسرائیل قرار دارد، طی گزارشی درباره جنگ غزه که با استناد به اظهارات ۶ نظامی این کشور تهیه شده، ابعاد جدیدی از کشتار غیرنظامیان فلسطینی در جریان حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه را آشکار ساخته است. در این گزارش با تاکید براینکه نظامیان اسرائیل شمار زیادی از فلسطینی‌ها را تنها به‌دلیل ورود به مناطق به اصطلاح ممنوعه اعلامی توسط ارتش این کشور در غزه به قتل رسانده‌اند، تاکید شده اجساد فلسطینی‌های کشته شده نیز در وسط خیابان‌ها به حال خود رها و طعمه حیوانات خیابانی شده‌اند. در بخشی از این گزارش از قول سربازان ارتش اسرائیل آمده است: شاهد اشغال و به آتش کشیده شدن نظام‌مند خانه‌های فلسطینی بودیم. یکی از نظامیان اسرائیل درباره شلیک به سمت غیرنظامیان فلسطینی به پایگاه خبری مذکور گفته است: حتی به سوی افرادی که از پنجره به بیرون نگاه می‌کردند نیز شلیک می‌کردیم. در غزه سیاست «اول شلیک کن بعد سوال بپرس» حاکم بود. (آناتولی)

سخنرانی بایدن در نشست سران ناتو؛ آیا اوکراین جلوی پوتین را خواهد گرفت؟ تردیدها چه می‌شود؟

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا روز سه‌شنبه ۹ ژوئیه (۱۹ تیر ۱۴۰۳) در نشست سران ناتو در واشنگتن وعده داد که با قدرت از اوکراین در برابر تهاجم روسیه دفاع خواهد کرد. او از این پلتفرم بین‌المللی استفاده کرد تا به متحدان داخلی و بین‌المللی نشان دهد که هنوز توانایی رهبری دارد. جو بایدن، رئیس‌جمهور ۸۱ ساله آمریکا در روزهای گذشته انتقادهای زیادی در مورد عدم آمادگی خودش برای مقام ریاست جمهوری را تحمل کرد، کما اینکه برخی از هم‌حزبی‌های او در کنگره و خیرین ستاد انتخاباتی او نیز از این موضوع نگرانند که عملکرد ضعیف او در مناظره اول در برابر ترامپ، در نهایت موجب شکست او در انتخابات پنجم نوامبر (۱۵ آبان) شود. با این حال، بایدن در خوشامدگویی خود به کشورهای عضو ناتو در این نشست، با اشاره به رئیس‌جمهوری روسیه گفت: «پوتین به هیچ چیزی کمتر از انقیاد کامل اوکراین و محو اوکراین از روی نقشه رضایت نمی‌دهد. اوکراین می‌تواند و مطمئنا خواهد توانست پوتین را متوقف کند.» کاخ سفید امیدوار است که بایدن بتواند در عالی‌رتبه‌ترین سخنرانی سیاسی خود از زمان مناظره، ورق را در این دوره دشوار به نفع خود بازگرداند، اگرچه برخی از دیپلمات‌ها در این نشست گفتند که جبران این آسیب ممکن است دشوار باشد. بایدن روز سه‌شنبه سخنرانی خود را از روی یک دستگاه متن‌نمای تله‌پرومتر با صدایی غرا و مطمئن ایراد و تا حد زیادی از لغزش‌های کلامی و سردرگمی‌های مناظره‌اش، اجتناب کرد. قاب تصویر بایدن حین سخنرانی به گونه‌ای بود که دیوارهای طلاکاری شده ساختمان «فدرال هال» که در معاهده ناتو در آنجا امضا شد، در پشت سر او دیده می‌شد. اجرای موسیقی هیجان‌انگیز گروه تفنگداران دریایی ایالات متحده نیز حسن‌ختام این رویداد شد. (یورونیوز)

شمارش معکوس پرتاب آریان ۶ به فضا پس از مدت‌ها انتظار

آریان ۶، موشک جدید آژانس فضایی اروپا (ESA) از پایگاه فضایی گویان فرانسه به فضا پرتاب خواهد شد. این موشک قرار است جایگزین موشک آریان ۵ شود که پیش از این در ژوئیه سال گذشته پس از انجام ۱۱۷ ماموریت بازنشسته شده بود. موشک جدید آژانس فضایی اروپا (ESA) به نام آریان ۶، روز سه‌شنبه ۱۹ تیر ساعت ۲ بعدازظهر به وقت محلی (۲۱:۳۰ به وقت ایران) از پایگاه فضایی گویان فرانسه به فضا پرتاب خواهد شد. پرتاب این موشک که نسل جدید موشک‌های باربری سنگین آژانس فضایی اروپا محسوب می‌شود، بار دیگر اروپا را قادر خواهد کرد توانایی پرتاب فضایی خود را بازیابی کند. پوشش زنده این رخداد از ۳۰ دقیقه پیش از پرتاب انجام می‌شود. این موشک قرار است جایگزین موشک آریان ۵ شود که پیش از این در ژوئیه سال گذشته پس از انجام ۱۱۷ ماموریت بازنشسته شده بود. موشک پیشین آژانس فضایی اروپا به نام آریان ۵، حد فاصل سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۲۳ میلادی به مدت ۲۷ سال سیستم پرتاب اصلی آژانس فضایی اروپا محسوب می‌شد. موشک جدید قرار بود بلافاصله پس از کنار گذاشته شدن موشک نسل قبلی، عملیاتی شود اما به دلایل فنی با تاخیر روبرو شد و نتوانست به موقع برای انجام پرتاب‌های فضایی حاضر شود. از این رو آژانس فضایی اروپا در این مدت مجبور بود که برای انجام ماموریت‌های اکتشافی خود از سایر ارائه‌دهندگان خدمات پرتاب فضایی از جمله شرکت فضایی خصوصی اسپیس‌ایکس ایلان ماسک کمک بگیرد.

در صورت موفقیت پرتاب آریان ۶، اروپا در این زمینه دیگر وابسته نخواهد بود و می‌تواند بار دیگر دسترسی مستقلی به برنامه‌های فضایی خود داشته باشد. عملیات بررسی فنی و آمادگی تمرین پرتاب این موشک پیش‌تر در روز ۲۰ ژوئن انجام شده بود. پرتاب این موشک که تا مدار پایینی زمین در ارتفاع ۵۲۰ کیلومتری پیش خواهد رفت صرفا یک پرتاب آزمایشی نخواهد بود. این موشک قرار است افزون بر قرار دادن چند کیوب‌ست (تاسواره)، یکسری آزمایش علمی از جمله یک آزمایش روی سیستم مکان‌یابی سریع ماهواره‌ها را نیز انجام دهد. موشک آریان ۶ در حال حاضر برای سالانه ۹ تا ۱۲ پرتاب تا سال ۲۰۲۶ میلادی برنامه‌ریزی شده و تا کنون سازمان‌های فضایی و شرکت‌های خصوصی، ۳۰ ماموریت را پیشاپیش رزرو کرده‌اند. به گفته دانشمندان سازمان فضایی اروپا موشک جدید، سبک‌تر از موشک قبلی است و هر پرتاب آن نیز از آریان ۵ مقرون به صرفه‌تر خواهد بود اما با توجه به اینکه قابلیت استفاده مجدد ندارد همچنان از پرتابگرهای اسپیس‌اکس عقب‌تر است. (دویچه وله)

تلفات سنگین اسرائیل؛ کشته شدن ۲۸ اسرائیلی از جمله ۱۷ سرباز در حملات حزب‌الله لبنان

رادیو ارتش اسرائیل با انتشار گزارشی اعلام کرد تاکنون ۲۸ اسرائیلی از جمله ۱۱ غیرنظامی و ۱۷ سرباز در حملات حزب‌الله به مناطق شمالی اسرائیل کشته شده‌اند. حزب‌الله لبنان دیروز اعلام کرد در حمله موشکی به بلندی‌های جولان دو نفر را کشته است. از سوی دیگر، موسسه تحقیقات ملی اسرائیل وابسته به دانشگاه تل‌آویو اعلام کرد که از آغاز حملات به شمال اسرائیل ۳۲ اسرائیلی کشته شده‌اند. (آناتولی)

ینگه دنیا

آمازون ۳۰ ساله شد

نگاهی به سفر ۳۰ ساله بزرگ‌ترین فروشگاه خرده‌فروشی جهان

رامتین لطیفی | آمازون سی‌امین سالگرد خود را به عنوان یک شرکت ۲ تریلیون دلاری جشن گرفت و از کتابفروشی جمع و جور آنلاینی که در روزهای اولیه اینترنت تأسیس شده بود، به جایی رسید که امروز در شمار ۷ دارایی بزرگ جهان جای دارد. بنیانگذار و موسس این شرکت بزرگ، جف بزوس، در سال ۲۰۲۱ از سمت مدیر اجرایی کناره‌گیری کرد اما او همچنان رئیس اجرایی و بزرگترین سهامدار شرکتی است که اکنون به عنوان یک غول تجارت الکترونیک و رایانش ابری شناخته می‌شود.

» سال ۱۹۹۵ و پس از تلاش دو ساله جف و مکنزی بزوس و همچنین برنامه‌نویسی به نام کافان اولین نسخه از سایت آمازون روی اینترنت قرار داده شد. سرمایه اولیه این شرکت کوچک و سه نفره ۳۰۰ هزار دلار بود که البته برای راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک و استارتاپی سرمایه مناسب و قابل‌توجهی به‌شمار می‌رفت اما بزوس همواره سه دغدغه و نگرانی بزرگ برای هزینه کردن این پول را با خود به همراه داشت. اولین نگرانی بزوس منبع این سرمایه بود، او این مبلغ را از پدر و مادرش قرض گرفته بود و این پول تمام سرمایه و پس‌انداز آنها بود. این قضیه زمانی بغرنج‌تر می‌شود که جف و مکنزی پس از دو سال کار کردن دقیق روی طرح اولین کتاب‌فروشی اینترنتی جهان، ریسک این سرمایه‌گذاری را ۷۰ درصد محاسبه کردند. نگرانی بعدی بزوس که همچنان با او باقی مانده و هنوز رهایش نکرده است و از این موضوع مورد انتقاد و اتهام‌های فراوانی نیز هست، نگرانی تمام ثروتمندان و بازیگران عرصه تجارت یعنی مالیات است. بزوس از همان ابتدا رضایت نداشت که مالیاتی بابت تجارت نوپای خود بپردازد و از این رو از آلباکورکی نیومکزیکو به سیاتل واشنگتن کوچ کرد و شرکت آمازون را در منطقه‌ای راه‌اندازی کرد که منطقه آزاد به حساب می‌آمد و کسب و کار در آن شامل پرداخت مالیات به دولت نمی‌شد.

» آمازون در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۹۷ وفاق چندانی نداشت اما پس از سال ۹۷ و با عرضه سهام این شرکت در آمریکا و چند کشور دیگر، نام آمازون هم به نامی آشنا بدل شد. جالب است بدانید ارزش هر سهم از شرکت آمازون در بازار بورس سال ۹۷ کمی بیشتر از ۱۸ دلار بود. مرور این نکته ضروری است که یکی از دلایل شهرت روزافزون آمازون و اقبال عمومی به این سایت و اشتها برای خرید سهام این شرکت در روزهای آغازین، حمایت از حضور کتاب در بستر اینترنت بود. به بیان دیگر حمایت‌ها و تبلیغاتی که در روزهای نخست از جانب افراد سرشناس و مهم برای آمازون می‌شد به نوعی یک کنش اجتماعی بود که کتاب و بحث تولید فکر و اندیشه را در مقابل آنچه می‌دید که در فضای مجازی آن زمان می‌گذشت. از همین رو یک فرهنگ بین اولیای دانش‌آموزان آن سال‌ها جا افتاد و مرسوم شد که برای تشویق فرزندان خود به دوستی با کتاب و کتابخوانی، تعدادی سهام ۱۸ دلاری آمازون را برای فرزندان خود خریداری می‌کردند و به آنها هدیه می‌دادند. این رسم سبب شد همگام و همزمان با رشد شرکت آمازون، دانش‌آموزانی رشد کنند و بزرگ شوند که امروز در جوانی تعدادی سهام در دست دارند که ارزش هر سهم از آن حدود ۱۹۸ دلار است. پیش‌بینی می‌شود ارزش هر سهم از این شرکت در سال آینده به ۲۵۶ دلار، در سال ۲۰۲۶ به ۳۲۹ دلار و در سال ۲۰۲۷ به ۴۲۳ دلار برسد.

» مجموعه آمازون اکنون بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلار ارزش دارد که ۱۸۰ میلیارد دلار آن تحت تملک جف بزوس است. بزوس قصد دارد طی روزهای آینده بیش از ۸ میلیارد دلار از سهام را بفروشد. آمازون با استخدام ۵۰۰ هزار نیروی جدید کار، تعداد کارکنان رسمی خود را به ۱/۳ میلیون نفر افزایش داده است که سالانه ۹۱ میلیارد دلار به این تعداد کارمند حقوق و پاداش پرداخت می‌کند. امروز حدود ۲ میلیون شرکت کوچک و بزرگ کالاهای تولیدی خود را در آمازون به فروش می‌رسانند و آمازون سبب شده است که مشاغل بسیاری در سراسر جهان زنده و سرپا بمانند. آمازون اکنون ۲۰۰ میلیون عضو فعال در سراسر جهان دارد و بزوس می‌گوید علت تمام دستاوردها این است که در آمازون یک فرد یا گروه به عنوان محور تمام امور وجود ندارد و همه سهامداران و صاحبان مشاغل با هم شریک هستند و منفعت می‌برند. بزوس معتقد است «تنها راه برای زندگی بدون ارتباط با آمازون، زندگی غارنشینی است.»

» آمازون دارای یک شرکت پخش محتویات آنلاین و رسانه‌ای بزرگ به نام «آمازون پرایم» است. این شرکت رهبری بازار در سیستم‌های دوربین خانگی را در زیرمجموعه برندی به نام «رینگ» در دست دارد. در بازار بلندگوهای هوشمند، آمازون با «آلکسا» حضوری بسیار پررنگ دارد و همچنین کتابخوان‌های الکترونیکی «کیندل» را تولید می‌کند که یکی از محبوب‌ترین کتاب‌خوان‌های الکترونیک جهان است. علاوه بر این‌ها، سرویس وب آمازون میزبان و پشتیبان بخش وسیعی از اینترنت در جهان است.

آماندا مول، کارشناس بلومبرگ، به بی‌بی‌سی می‌گوید: «آمازون برای مدتی طولانی فروشگاه همه نوع کالا نامیده می‌شد، اما من فکر می‌کنم در این مرحله، آمازون به نوعی شرکت همه چیز تبدیل شده است.» او اضافه می‌کند «آمازون آنقدر بزرگ و فعالیتش چنان همه‌جانبه است و بخش‌های مختلف زندگی را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که پس از مدتی مردم وجود آمازون را در انواع عناصر و جنبه‌های زندگی روزمره می‌بینند.»

حادثه روز

کشف بقایای جسد مرد آمریکایی گمشده در پرو پس از ۲۲ سال

بقایای جسد ویلیام استامپفل که عملا به دلیل ماندن زیر برف و یخ محفوظ مانده بود ۲۲ سال پس از ناپدید شدن در جریان صعود به قله اواسکاران پرو پیدا شد. این مرد آمریکایی ۵۹ ساله، در ژوئن ۲۰۰۲ مفقود شد؛ در آن زمان یک بهمن، گروه کوهنوردی او را حین بالا رفتن از مرتفع‌ترین قله پرو مدفون کرده بود. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، روز دوشنبه (۸ ژوئیه)، پلیس ملی پرو تصویری را منتشر کرد که نشان می‌داد افسران در حال انتقال جسد ویلیام استامپفل از کوهی در منطقه آنکش، در حدود ۲۷۰ مایلی شمال پایتخت لیما هستند. پلیس با تایید اینکه لباس‌های این کوهنورد در شرایط خوبی است، اعلام کرد این مرد آمریکایی از طریق پاسپورتی شناسایی شده است که در میان وسایلش پیدا شده. پلیس همچنین گفته است که یخ و سرما باعث شده که جسد استامپفل حفظ شود. به گفته پلیس، او هنوز چکمه‌هایش را به پا و حمایلش را بر کمر داشت و لباس‌هایش نیز در شرایط خوبی بود. قله اواسکاران که این مرد آمریکایی در جریان صعود به آن مفقود شد، با حدود ۷ هزار متر ارتفاع در شمال پایتخت پرو قرار دارد. (پیپل)

یلوزون

صدور کیفرخواست جدید علیه هاروی واینستین به اتهام آزار جنسی

دادستانی شهر نیویورک به شعبه دادگاه کیفری این شهر اعلام کرد در مورد چند اتهام دیگر آزار جنسی علیه هاروی واینستین در حال تحقیق است و علیه او کیفرخواست صادر می‌کند. هاروی واینستین، از بانفوذترین تهیه‌کنندگان سابق هالیوود که در هشت سال اخیر از سوی بیش از ۸۰ زن به تجاوز و تعرض جنسی متهم شده است، در سال ۲۰۲۰ در نیویورک به جرم پنج مورد تجاوز به ۲۳ سال زندان و در سال ۲۰۲۳ نیز در پرونده دیگری در دادگاه لس‌آنجلس به جرم یک تجاوز دیگر و چند مورد تعرض جنسی به ۱۶ سال حبس محکوم شد. ولی دادگاه تجدید نظر ایالت نیویورک چند ماه پیش حکم دادگاه اولیه را لغو کرد و دستور داد این پرونده مجدد در دادگاه بررسی شود. دادگاه تجدید نظر در حکم خود گفت قاضی دادگاه اولیه با پذیرش شهادت سه زن در مورد اتهام تعرض جنسی علیه متهم که خود جزو شاکیان پرونده نبودند دچار «خطای فاحشی» شده است. دادستانی نیویورک در مدارکی که روز سه‌شنبه ۱۹ تیر به دادگاه ارائه داد، استدلال می‌کند که اتهامات جدید علیه هاروی واینستین مربوط به سال‌هایی است که مشمول گذشت زمان نمی‌شود و در نتیجه دادستانی قصد دارد علیه او کیفرخواست صادر کند. (فردا)

کیوسک

دیلی تلگراف با انتشار عکسی از کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر جدید انگلیس و همسرش، از اختیارات او برای گسترش ارتش بریتانیا نوشت.

روزنامه پاریسین، با انتشار عکس امباپه مغموم و تیتر «کلاس درس اسپانیایی»، از عملکرد تیم ملی فرانسه انتقاد کرد.

آخر هفته

از اینورها آقای اسکوچیچ؟
مربی کروات که گفته بود دیگر در ایران مربیگری نخواهد کرد، سرمربی تراکتور شد صفحه ۱۲

شایعه‌های آن سوی دوربین
خواندن این متن فقط برای ارضای کنجکاوی‌های شماست و هیچ ارزش عملی ندارد صفحه ۱۳

حرف های داغ هفته

پرویز پرستویی

(از زبان فاطمه فیلم آژانس شیشه‌ای خطاب به رئیس جمهور منتخب) مسعود جان این حرف‌ها و این رفتار بی‌نظیر ملت سرافراز ایران، باری سنگین بر دوش شماست. خدا نیاورد روزی را که این ملت ناامید از همه جا که بعد از خدا به شما امید بستن، ناامیدشان کنی...و قطع و یقین هیچ مقام و قدرتی نباید شما را وادار کند که برخلاف مصالح این ملت ستمدیده عمل کنی... امروز در شانزدهم تیر ماه نهمین رئیس جمهور ایران شدی؛ تنها خواسته این ملت همان عمل به قول شرف شماست. خدا خواست عزیز دل‌ها شوی، قدر این عزت را بدان و برای همیشه در سمت ملت بمان...

۱۶ تیر
صفحه اینستاگرام

منوچهر شاهسواری

چارچوب نظری درباره فعالیت صنفی، ملزم به رعایت ۲ نکته است؛ یک رابطه بین کنشگری وظیفه‌شناسی و دانش وظیفه‌شناسی و مورد دوم حق و حقوق. ما بنا به طبیعت روزگارمان که ریشه در یک نظم روشنفکری ناشی از شرایط اجتماعی دهه ۲۰ دارد، قضیه‌مان متفاوت است. ما اصولا علاقه‌مندیم با یک سوال جواب همه معضلات عالم را بدهیم، ما به لحاظ فرهنگی همیشه فکر می کنیم مشکلات جمعی‌مان با کوتاه کردن دست یک نفر از مدیریت حل می‌شود؛ بارها هم این کار را انجام داده و نتیجه‌ای دریافت نکرده‌ایم، چون این یک فرآیند است نه یک تصمیم. معتقدم در چارچوب نظری هر نوع نظارتی باید پسینی باشد.

نشست سینما رو به آینده
۱۸ تیر

جمال شورجه

حالم که بهتر شود، کاری درباره جنایت‌های رژیم صهیونیستی خواهم ساخت. اما این روزها حال مساعدی ندارم و توانش را هم ندارم که بتوانم فیلمم را بسازم... هر چه پیش آید خیر است. خیلی کار خوبی کردند که مسیر بازگشت دوباره پیشکسوتان به عرصه‌های مختلف هنر را باز کردند. مردم فکر می کنند هنرمندان ما فقط سلبریتی‌ها و چهره‌ها هستند در حالی که هنرمندان اصلی ما همین مردم هستند. عرصه فرهنگ و هنر کشور، پیشکسوتان بسیاری را به جامعه تحویل داده که باید قدردان همه آنها بود و کارهای خوبی در حمایت از این عزیزان در «دولت مردمی» انجام شد و انتظار می‌رود این حمایت‌ها استمرار داشته باشد.

ایرنا
۲۰ تیر

رامبد جوان

از اینکه «خندوانه» را نمی‌سازم ناراحتم. چرا نمی‌شود بسازمش؟ چرا شرایط جور نیست برای اینکه در تلویزیون‌مان کار کنیم؟ اما خیلی امیدوارم شرایطش فراهم بشود. چون تلویزیون، سینما، اینها مال ماست! اصلا به مدیرها ربط ندارد. مدیرها می آیند و می‌روند؛ با هر شکلی که هستند. هیچ مدیری نبوده که بیاید و ماندگار بشود؛ آرتیست‌ها هستند که ماندگار می‌شوند و سینما، تئاتر، موسیقی و... مال آرتیست و خالقینش است. ما هنرمندهای این حوزه‌ایم و مال ماست. یک مدت دست یک عده‌ای است که به‌زودی و حتما باید تحویلش بدهند. تصمیم گرفته بودم کار نکنم. نوید محمدزاده و محسن تنابنده ساخت «زودپز» را پیشنهاد کردند. فیلمنامه خوب و شرایط آماده بود.

فوتبال ۳۶۰
۱۶ تیر

مهسا طهماسبی

در حال حاضر اساسا فعالیتی ندارم و بیشتر وقتم را صرف فرزندم می کنم. سریال‌های خانگی به دیده شدن بازیگرانی مثل من هم کمک کرد. ما بازیگرانی هستیم که کم کارتر بوده‌ایم و اصطلاحا سوپراستار یا سلبریتی هم نیستیم. از طرف دیگر پلتفرم‌ها فضای بازتری را هم برای فعالیت دارند. به نظر می‌رسد جهان داستانی سریال‌های خانگی، واقعی‌تر از سریال‌های تلویزیونی شده‌است. بعد از حضور در پلتفرم‌ها واقعا با پیشنهادات بیشتری برای کار مواجه شدم. فعال شدن این پلتفرم‌ها باعث شد دایره محدود بازیگران گسترده‌تر شود و چهره‌های جدید وارد این عرصه شدند. کما اینکه همین امروز شاهد درخشش بازیگران خوب و درجه یک در سریال‌های خانگی هستیم.

آپارات اسپرت
۱۹ تیر

چهره هفته

امیر آقایی

امیر، رستم شد

امیر آقایی بعد از مدت‌ها دوری از صحنه تئاتر قرار است با یک شاه‌نقش به این عرصه برگردد. او در نمایش «نبرد رستم و سهراب» قرار است در نقش پهلوان شاهنامه، اسطوره ایران زمین «رستم» به ایفای نقش بپردازد. بی‌شک وقتی از نام و تصویر او برای نقش «رستم» رونمایی شد، کمتر به این انتخاب خرده گرفت. اتفاقا حسین پارسایی کارگردان این نمایش با بررسی همه جوانب و با آگاهی کامل سراغ امیر آقایی رفته و این نقش بزرگ را به او سپرده است. آقایی در همه این سال‌ها شمایلی از خود در آثاری که بازی کرده، ارائه داده که مخاطب از او حس صلابت و اقتدار گرفته، از همین‌رو انتخابش برای کاراکتری با مختصات «رستم» دور از ذهن نیست اما علاوه بر عرصه تئاتر، آقایی در سینما هم قرار است با یک فیلم با عنوان «کارزار» حضور پیدا کند. این فیلم را شهرام اسدزاده کارگردانی کرده و در آن آقایی عهده‌دار نقش مرد میانسالی به نام «فریبرز» است که همراه با همسرش «محبوبه» درگیر ماجرایی می‌شود. او در این فیلم با نسیم ادبی، بهزاد خلج، نادر فلاح و... همبازی است. این فیلم نیمه دوم مرداد ماه روی پرده می‌رود.

این فیلم ها را ببینید

نگهبان اژدها | فیلیمو

- کارگردان: سالوادور سیمو لی جیان پینگ
- نویسنده: کارول ویلکینسون / پابلو کاستریو
- تهیه‌کننده: ایگناسیو فرراس / روزانا چچینی
- نمره در «IMDB»: ۸/۵ از ۱۰
- محصول: ۲۰۲۴/ اسپانیا و چین

داستان انیمیشن نگهبان اژدها در چین جادویی، حماسی و کلاسیک در دوران سلسله هان اتفاق می‌افتد. این قصه ماجراهای یک برده را دنبال می کند که در مسیر کمک کردن به آخرین اژدهای امپراتوری و رساندن آن به محیطی مثل یک ساحل، تنها جایی که اژدها می‌تواند از تخم بیرون بیاید، تبدیل به یک نگهبان اژدهای واقعی می‌شود. درواقع نگهبان اژدها داستان دختری است که باور کرده حتی شایستگی داشتن یک نام را هم ندارد، اما در درون خود قدرت و شهامتی پیدا می کند تا این سفر پرخطر را انجام دهد و آنچه در انتظار سرانجامی مشخص است را به انتها برساند.

کاغذبی‌خط | فیلیمو/فیلمنت

- کارگردان: ناصر تقوایی
- بازیگران: خسرو شکیبایی هدیه تهرانی / جمشید مشایخی
- نمره در «IMDB»: ۶/۸ از ۱۰
- تهیه‌کننده: حسن توکل‌نیا
- محصول: ۱۳۸۰

داستان این فیلم از یک صبح پاییزی در ساعت ۷ شروع می‌شود. جهانگیر (خسرو شکیبایی)، رؤیا (هدیه تهرانی) و ۲ فرزندشان شنگول (آرین مطلبی) و منگول (هانیه مرادی)، اعضای خانواده‌ای چهار نفره هستند که زندگی معمولی را سپری می کنند اما در این بین، رؤیا موقعیتی متمایز دارد، از این حیث که دائم در حال خیالبافی و داستان‌سرایی است. جهانگیر با مشاهده علاقه زیاد همسرش به داستان‌پردازی، به او پیشنهاد می‌دهد که به آموزشگاه داستان‌نویسی برود و به شکل آکادمیک این جریان را دنبال کند. رؤیا در کلاس فیلمنامه‌نویسی مدرسه باغ فردوس ثبت‌نام می کند و استادش (جمشید مشایخی) به او توصیه می کند که برای نوشتن، از نکات رایج زندگی واقعی خودش بهره ببرد.

سفر سنگ | فیلیمو

- کارگردان: مسعود کیمیایی
- نویسنده: مسعود کیمیایی
- موسیقی: مجید انتظامی
- بازیگران: سعید راد، فرزانه تاییدی، گیتی پاشایی و حسین گیل
- محصول: ۱۳۵۶

ارباب روستا، سال‌هاست که مالک تنها آسیاب آبادی است و مردم را استثمار می کند. او در ضمن از ساخته شدن آسیابی که بتواند منافع مردم را تأمین کند، جلوگیری می کند. مدت‌هاست که مردم روستا سنگ عظیمی را برای آسیاب تراشیده و آماده کرده‌اند اما برای حملش ایادیِ ارباب همیشه مانع شده‌اند. بالاخره یک کولی به روستا می‌آید. ورود کولی به روستا احساسات فروخفته مردم را بیدار می کند؛ ولی اکثریت جرأت همراهی با او را ندارند و بی‌تفاوت با سخنانش روبه‌رو می‌شوند. کولی بااینکه طرفیتی در ماجرا ندارد، بالاخره موفق می‌شود چند تن از جمله یک آهنگر را تهییج کند تا برای آوردن سنگ بروند.

پیشنهاد ویژه هفته

پادشاهی سیاره میمون‌ها | فیلیمو/نماوا/فیلمنت

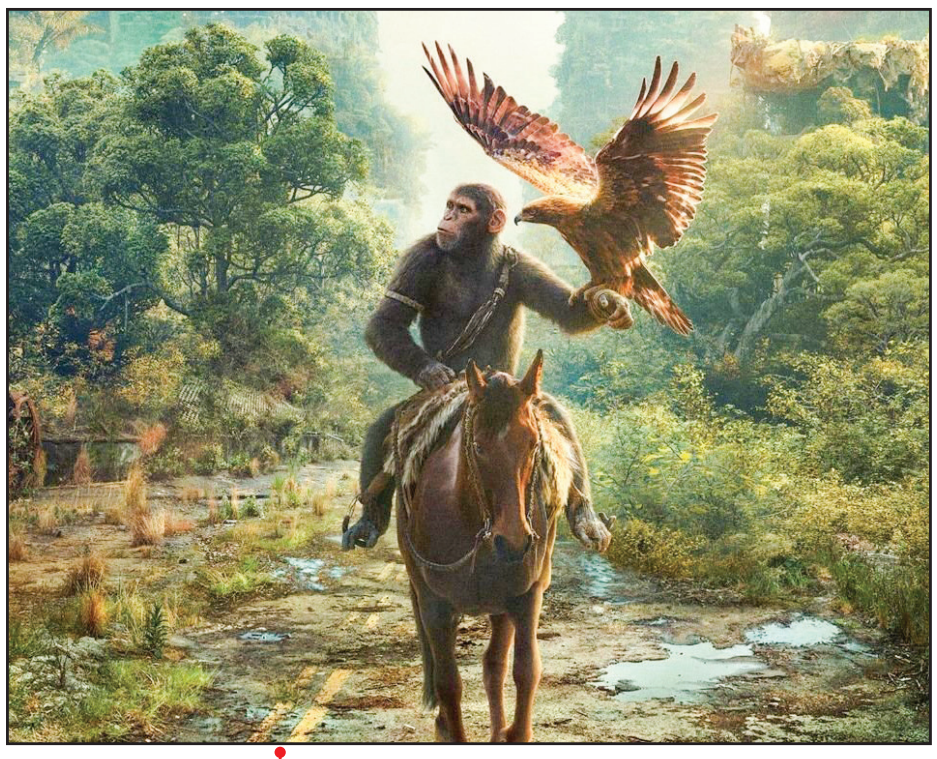

نمای کلی

- کارگردان: وس بال
- نویسنده: جاش فریدمن
- موسیقی: جان پائسانو
- تدوین: دن زیمرمن
- بازیگران: اوون تیگ / فریا آلن کوین دورند / پیتر میکون ویلیام اچ میسی
- نمره در «IMDB»: ۷/۸ از ۱۰
- فروش گیشه: ۳۹۴ میلیون دلار
- تهیه‌کننده: وس بال / جو هارتویک جونیور ریک یافا
- محصول: آمریکا / ۲۰۲۴

درباره فیلم

فیلم «پادشاهی سیاره میمون‌ها» به مخاطبان نشان می‌دهد سرانجام میمون‌ها به سیاره تسلط پیدا کرده‌اند و به زمین پادشاهی می کنند. این فیلم که میراث شگفت‌انگیز به‌جا مانده از سه‌گانه «سیاره میمون‌ها» با هنرنمایی اندی سرکیس در نقش سزار را ادامه داده، بین وقایع دو فیلم «جنگ برای سیاره میمون‌ها» و فیلم اصلی «سیاره میمون‌ها» محصول سال ۱۹۶۸ به وقوع می‌پیوندد. فیلم جدید فرنچایز اوج‌گیری میمون‌ها در مقام گونه غالب حیات روی سیاره زمین را به نمایش می گذارد. یک نسل کاملاً جدید از شخصیت‌ها در «پادشاهی سیاره میمون‌ها» حضور دارند که مصائب و چالش‌های این جامعه نوپای جدید را با واکنش‌های خود به تصویر می کشند.

درباره داستان

داستان در سال ۲۰۱۱ با فیلم «ظهور سیاره میمون‌ها» آغاز می‌شود. یک شرکت داروسازی مناقشه‌برانگیز به نام جن سیس در آستانه بزرگ‌ترین پیشرفت پزشکی قرن بیست و یکم است. این شرکت به رهبری دکتر ویل رادمن معتقد است به پیشرفت چشمگیری در رابطه با دارویی که پتانسیل درمان آلزایمر را دارد، دست یافته. پروژه دارو که به مرحله آزمایش روی شامپانزه‌ها رسیده است، به دلیل از کنترل خارج شدن یکی از نمونه‌های آزمایشی لغو می‌شود. مشخص می‌شود این نمونه که توسط ماموران امنیتی شرکت کشته شد، حامله بوده و فرزند او که سزار نام دارد، نشانه‌هایی از هوش چشمگیر و حتی درک پیچیده‌ای از زبان اشاره را نشان داده است.

درباره نقدها

ژرمن لوسیه، منتقد رسانه Gizmondo ارزش زیادی برای انجام غرورآمیز حماسه میمون‌ها قائل است و همچنین انتقادات جزئی هم از فیلم مطرح کرد: «پادشاهی سیاره میمون‌ها به‌خوبی از پس انجام حماسه میمون‌ها برآمده است و شامل یک ماجراجویی گسترده با اجراها و جلوه‌های فوق‌العاده می‌شود. این فیلم حرف‌های زیادی برای گفتن دارد که از نظر موضوعی آن را مبهم می کند و من همچنین پایان‌بندی‌اش را دوست نداشتم، اما اینها برای یک فیلم جذاب و لذت‌بخش، مشکلات جزئی هستند.» همچنین کیتلین تایرل از ScreenRant، وس بل را از بابت ساخت فیلم جدید سیاره میمون‌ها، کارگردانی عالی خوانده که در این فیلم شخصیت‌ها، جلوه‌ها و خطوط درخشان داستانی را برجسته کرده است.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه / ۲۱ تیر
رَیش قرمز / ساعت ۱۱
نیروی سیاه / ساعت ۱۳
کلاه سیاه / ساعت ۱۵
رمز مرکوری / ساعت ۱۷
قطعنامه ۸۱۹ / ساعت ۱۹
نقطه عطف / ساعت ۲۱
خلاصه‌ای از یک راه طولانی ساعت ۲۳
جمعه / ۲۲ تیر
پول / ساعت ۱۱
تیرانداز / ساعت ۱۹
یورش / ساعت ۲۱

شبکه یک
پنجشنبه
گوهرشاد / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه
کتاب سرخ / ساعت ۱۶

شبکه سه
پنجشنبه
سر به مهر / ساعت ۱۰:۳۰
جمعه
زائر حسین / ۹:۳۰

شبکه چهار
پنجشنبه
کجا می‌روی آیدا؟ / ۲۰:۳۰
جمعه
بلک‌بری / ۲۰:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه
جولیو ساتو گارپید / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه
مقام چهارم / ساعت ۱۷
جمعه
اتاقک ۲۷ / ساعت ۱۷

عکس هفته

روزهای داغ الناز

الناز شاکردوست بعد از یک دوره سکوت، مدتی است در تیررس توجهات قرار دارد. از این بازیگر همچنان فیلم «بی بدن» روی اکران سینماهاست و «آخرین تولد» را نیز در اکران آنلاین دارد. از روز گذشته هم فیلم «یادگار جنوب» او اکران عمومی شد. این بازیگر همچنین در حال تمرین برای اجرای نمایش «نبرد رستم و سهراب» به کارگردانی حسین پارسایی است که به زودی روی صحنه خواهد رفت. او نقش مهمی هم برعهده دارد و قرار است شمایل شخصیت خاص شاهنامه یعنی تهمینه را بر تن کند. امیر آقایی (رستم) و سینا مهراد (اسفندیار) دیگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند. درباره شاکردوست این را هم اضافه کنیم که به تازگی دادسرای فرهنگ و رسانه به او اخطار داده که در جلسه رسیدگی پرونده‌اش حاضر شود. او متن نامه را در استوری صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: «هرچی فکر می کنم نمی‌دونم من چطوری تونستم عفت عمومی‌رو جریحه‌دار کنم؟ خسته‌ام کردین ...»

ترین‌های هفته

اتفاق هفته | صدرنشینی تمساح خونی

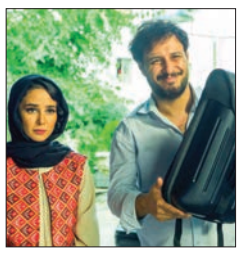

«تمساح خونی» نخستین تجربه کارگردانی جواد عزتی است که اکران آن از اواخر اسفندماه سال گذشته آغاز شد. این فیلم در طول مدت اکران خود با جذب ۲ میلیون و ۷۵۱ مخاطب به فروش ۱۶۵ میلیارد تومان دست پیدا کرد. با این میزان فروش فیلم جواد عزتی تا به اینجا صدرنشین جدول اکران است. از روز چهارشنبه بیستم تیرماه به مناسبت ایام سوگواری دهه اول محرم نمایش فیلم‌های کمدی به مدت ۱۰ روز متوقف می‌شود و «تمساح خونی» به عنوان صدرنشین به‌طور موقت از اکران خداحافظی می کند. این در حالی است که تگزاس در یک‌قدمی تصاحب جایگاه اول قرار داشت.

کامبک هفته | بازگشت بهرام افشاری به پایتخت

آغاز پیش تولید هفتم «پایتخت» با یک خبر شوکه‌کننده همراه بود. انصراف بازیگر نقش بهتاش فریبا خبری بود که پیش تولید این سریال را تحت‌الشعاع خود قرار داد. اخبار مختلفی درباره عدم حضور افشاری عنوان شد، خودش مشغله کاری را دلیل این امر اعلام کرد اما شنیده می‌شد که رقم بالای دستمزد پیشنهادی او مانع از این همکاری شده . بعد از گذشت چند ماه از این ماجرا پیج رسمی سریال پایتخت تصویری از افشاری کنار تنابنده، مهرانفر و حاجی‌عبداللهی منتشر کرد و خبر از بازگشت او داد. حاجی‌عبداللهی هم با انتشار توئیتی از بازگشت افشاری به جمع پایتختی‌ها نوشت.

استکهلم آرمان‌شهر کیست؟

نگاهی به وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشورهای اسکاندیناوی و شیوه مداخله دولت در اقتصاد و اجتماع

مصطفی آرانی | سیاست اقتصادی مسعود پزشکیان این طور توصیف شده است: «تلاش برای دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی رایگان یا با هزینه کم که از سوی دولت تامین می‌شود؛ تامین کالاهای اساسی از سوی دولت با ارز دولتی و عدم‌دخالت دولت در بخش‌های دیگر اقتصاد از جمله تعیین نرخ ارز و اعتماد به بازار برای کشف قیمت در این حوزه.» برخی معتقدند این همان مدلی است که سالیان سال است در کشورهای اسکاندیناوی با شمال‌اروپا اعمال می‌شود. کشورهایی که ایرانیان همیشه سطح بالای رفاه و خدمات دولتی در آنجا را مثالی برای عملکرد مطلوب دولت می‌دانند. از کمک‌های اقتصادی به مهاجرین گرفته تا مرخصی زایمان حتی برای پدران و حتی اینکه در یکی از خیابان‌های شیب‌دار این مناطق، گیره‌هایی گذاشته شده تا دوچرخه‌سواران بتوانند سربالایی را راحت‌تر بالا بروند. گویی این مدل از دولت رفاه، ایده‌آل ذهنی مردم ایران است. این هفته می‌خواهیم با هم نگاهی دقیق‌تر کنیم به مختصات اقتصادی این کشورها و ببینیم چطور شد که آن‌ها به این مدل اقتصادی دست پیدا کردند و در نهایت بتوانیم تصویری دقیق‌تر از اقتصاد این کشورها داشته باشیم. تصویری فارغ از کلیشه‌های ذهنی و خبرهای بعضاً جعلی که از این کشورها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌چرخد.

از کجا حرف می‌زنیم؟

برای اینکه نگاهی کنیم به مدل اقتصادی این کشورها باید ابتدا مختصات دقیق جایی که می‌خواهیم در مورد آن صحبت کردیم را بدانیم. به ما طور مشخص از اقتصاد نروژ، فنلاند، سوئد، دانمارک و ایسلند حرف می‌زنیم. هر پنج کشور در شمال اروپا قرار دارند.

هر پنج کشور روی هم به اندازه ایران ما مساحت ندارند. بزرگ‌ترین آن‌ها سوئد است با ۴۵۰هزار کیلومتر مربع مساحت و کوچک‌ترین آن‌ها دانمارک است که ۴۳هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. جمعیت هر پنج کشور هم روی هم رفته حدود ۳۰میلیون نفر است یعنی تقریبا یک سوم جمعیت ایران.

ممکن است برخی بگویند که مقایسه کردن مساحت ایران با کشورهای دیگر درست نیست؛ چرا که بخش بزرگی از ایران، بیابان است. در مورد این پنج کشور هم می‌شود، همین را گفت. مثلا در مورد سوئد که پرجمعیت‌ترین کشور این منطقه است. یک چهارم از کل جمعیت این کشور در قلب‌شهر استکهلم زندگی می‌کنند که حدود یک و نیم درصد از کل سرزمین را تشکیل می‌دهد.

از چه حرف می‌زنیم؟

اقتصاد مدل کشورهای شمال اروپا که به آن مدل نوردیک گفته می‌شود چند ویژگی دارد.

۱. عمده درآمد دولت از مالیات است

این بخش مهمی از روایت این اقتصاد است که گفته نمی‌شود. در واقع دولت باید پولی داشته باشد تا بتواند آن را خرج کند. مخصوصا دولت‌هایی مثل دولت‌های اسکاندیناوی که مخارج عمومی بسیار بالایی دارند. مثلا ۶۶درصد از کل تولید ناخالص داخلی سوئد مربوط به مخارج عمومی دولت است. این میزان در مورد دانمارک ۱/۷درصد و در مورد فنلاند ۴۸/۶درصد است. هم‌چنین در این کشورها، حدود ۳۰درصد از کل نیروی کار در بخش دولتی فعالیت می‌کنند.

خب، پول کشورهای اسکاندیناوی از کجا می‌آید؟ به طور عمده از مالیات. در سال ۲۰۲۱، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در آمریکا ۴/۵درصد بود. در دانمارک ۴۶/۹درصد، در نروژ ۴۲/۲درصد و در سوئد ۴۲/۶درصد.

در ایران وضعیت چطور بوده است؟ سال ۲۰۲۱، تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۴۶۰میلیارد دلار بوده است و میزان مالیات اخذ شده در کشور هم حدود ۳۰۶هزار میلیارد تومان. اگر هر دلار ۳۲۰۰تومان هم در نظر بگیریم، درآمد مالیاتی ایران معادل ۷۲میلیارد دلار خواهد بود یعنی ۲۰درصد از تولید ناخالص داخلی کشور.

بخش بزرگی از این درآمد مالیاتی از مالیات بر درآمد نیروی کار یا همان مالیات بر حقوق و دستمزد است. باز هم از آمارهای سال ۲۰۲۱ استفاده می‌کنیم. یک کارگر مجرد بدون فرزند که میانگین دستمزد در این کشورها را دریافت می‌کند، در دانمارک ۳۵/۴درصد، در نروژ ۳۶درصد و در سوئد ۴۲/۶درصد از کل درآمد خود را مالیات می‌دهد. این میزان در آمریکا ۲۸/۴درصد و به‌طور میانگین در کشورهای پیشرفته و ثروتمند OECD، ۳۴/۶درصد است.

مالیات البته به جز بیمه است. در آمریکا کارفرما و کارمند باید برای برنامه‌های تامین‌اجتماعی ۱۴/۶درصد از کل حقوق را بدهند ولی این میزان در نروژ و سوئد به ترتیب ۱۸/۸ و ۹/۲درصد است.

به این ترتیب، مثلا در سوئد شما قبل از اینکه حقوق بگیرید باید با ۷۰درصد از درآمد خود در قالب مالیات و بیمه تامین اجتماعی خداحافظی کنید.

البته نمی‌خواهیم بگوییم مردم این کشورها در بدبختی زندگی می‌کنند؛ نه این‌طور نیست. میانگین حقوق یک فرد در استکهلم، پایتخت سوئد پس از کسر مالیات در حال حاضر ۳هزار و ۴۰۰دلار است و خرج او، اگر بخواهد خانه‌ای در مرکز شهر داشته باشد ۳هزار و ۴۰۰دلار.

اما ممکن است فکر کنید که همه چیز در مورد مالیات تمام شد ولی اینطور نیست. نرخ مالیات بر ارزش افزوده که لالان در ایران ۱۰درصد است؛ در نروژ، سوئد و دانمارک ۲۵درصد است. در سال ۲۰۲۱، دانمارک به میزان ۹/۶درصد، نروژ ۸/۰درصد و سوئد ۹/۲درصد از تولید ناخالص داخلی درآمد از مالیات بر ارزش افزوده داشتند.

ممکن است طرح و برنامه شما این باشد که در این کشورها برای کسی با شرکتی کارگری یا کارمندی نکنید و خودتان درآمد داشته باشید. تبریک می‌گوییم! چرا که در دانمارک اگر درآمدتان ۱۳برابر میانگین درآمد باشد، باید ۵۵/۹درصد از کل درآمد خود را مالیات بدهید. در نروژ اگر درآمدتان ۱/۵برابر میانگین کشور باشد باید ۳۸/۲درصد مالیات بدهید و در سوئد اگر درآمدتان ۱/۱برابر میانگین درآمد ملی باشد باید ۵۲/۳درصد آن را مالیات بدهید.

برای اینکه مقیاسی دستتان باشد باید بگویم که در آمریکا اگر درآمدتان ۸/۵برابر میانگین درآمد باشد، ۳۴/۳درصد از درآمد را مالیات می‌دهید!

اگر سرمایه‌ای داشته باشید یا سهامی در بورس و اعداد آن بالا بود و در اصطلاح عایدی از این سرمایه داشته باشید هم باید مالیات بدهید. مثلا در دانمارک ۴۲درصد. فرض کنید که ۱۰۰هزار سهم به قیمت ۱۰۰۰یورو دارید که یک سال بعد به ۱۵۰۰یورو رسیده است. عایدی شما ۵۰۰هزار یورو است و سهم مالیات دولت ۱۱۰هزار یورو. تنها چایی که در اسکاندیناوی میزان مالیات بر درآمد کمتر از آمریکا است؛ در مورد مالیات بر درآمد شرکت‌ها است. مثلا در سال ۲۰۲۲ دانمارک ۲۴درصد مالیات از درآمد شرکت‌ها می‌گرفت، نروژ هم همین‌طور و در سوئد این نرخ ۲۰/۶درصد بود. در حالی که در آمریکا این نرخ حدود ۲۶درصد بود.

اما دولت در مقابل این درایثی از مردم به آن‌ها چه می‌دهد؟

۱. آموزش رایگان: تحصیل در مدرسه در این کشورها، رایگان است. البته این جمله را باید کمی دقیق‌تر گفت. اولاً مسلم می‌توانید در این کشورها برخی مدارس خصوصی را هم پیدا کنید که شهریه از والدین بگیرند ولی با توجه به کمک‌های دولتی که این مدارس خصوصی نیز دریافت می‌کنند؛ شهریه آن‌ها به اندازه مدارس گران متلا در انگلستان یا آمریکا نیست. ضمنا کیفیت مدارس دولتی در سطحی است که شما نیازی به ثبت‌نام فرزند در مدارس خصوصی ندارید. نکته دوم این است که این رایگان‌بودن برای چه کسانی است؟ در سوئد، نروژ و ایسلند برای همه ولی در دانمارک و فنلاند برای شهروندان کشور و نیز اتحادیه اروپا. در میان این کشورها نروژ، تنها کشوری است که تحصیل در دانشگاه‌ها هم برای همه رایگان است ولی چهار کشور دیگر رایگان‌بودن را محدود کرده‌اند به شهروندان خود و اتحادیه اروپا. هرچند که بورسیه‌های مطلوبی برای دانشجویان سایر کشورها نیز ارائه می‌شود.

۲. سیستم مراقبت درمانی تقریبا رایگان: وضعیت دو کشور را با هم بررسی می‌کنیم. یکی فنلاند و دیگری سوئد. اگر فنلاندی باشید یا اقامت دائم فنلاند را داشته باشید، کارتی به شما داده می‌شود به نام Kela. بعد مبتنی بر آدرسی که به شهرداری اعلام می‌کنید، زیرمجموعه یک پزشک خانواده قرار می‌گیرید که تقریبا ۳هزار شهروند را زیرمجموعه خود دارد. برای رفتن پیش هر متخصصی، نامه و/ یا لازم دارید و میزان انتظار برای این مراقبت پزشکی ثانویه ۳ماه است که می‌تواند تا ۶ماه تمدید شود. همه مراکز بهداشتی اولیه البته مشاوره تلفنی هم ارائه می‌دهند و می‌توانید قبل از ملاقات با پزشک خانواده خود، از آن‌ها فرا مشاوره بگیرید.

هزینه مراقبت بهداشتی عمومی رایگان نیست؛ مگر در مورد کلینیک‌های بهداشت مادر و کودک، معاینات آزمایشگاهی، معاینات اورژانسی و استفاده از اشعه ایکس. در سال ۲۰۲۱، هزینه هر بار ویزیت پزشک خانواده تقریبا ۲۱یورو بود که البته تا سه بار در سال قابل دریافت است. ممکن است هزینه سالیانه ۴۱یورویی آنها شود. در سال ۲۰۱۹ اتحادیه‌های کارگری ۹۰درصد از جمعیت کارگران ایسلند، ۶۷درصد از کارگران دانمارک، ۶۵/۲درصد از کارگران سوئد، ۵۸/۸از کارگران فنلاند و ۵۰/۴درصد از کارگران نروژ را پوشش می‌دادند. در مقام مقایسه فقط ۱۶/۳درصد از کارگران آلمانی و ۹/۹درصد از کارگران آمریکا جزو یک اتحادیه بودند. این اتحادیه‌ها بازوان قدرتمند کارگران برای چانه‌زنی بودند.

۳. مصالحه سیاسی دموکراتیک: هر پنج کشور حکومت پارلمانی دارند. در حکومت پارلمانی نیاز به مصالحه بین احزاب بیش می‌آید و ضمنا دولت می‌داند که اگر دست از یا خط کشد، از مشروعیت خواهد افتاد. این خود می‌تواند به عنوان یکی از پایه‌های دموکراسی تبیین شود؛ اگر دموکراسی را نه فقط به معنای انتخابات که به معنای نظارت همگانی شهروندان، شفافیت و پاسخگویی مسئولان نیز تعریف کنیم.

۴. تغییر دید کشاورزان: مطالعات نشان می‌دهد که کشاورزان مخالفت جدی با سیاست‌های دولت رفاه دارند. شاید بزرگ‌ترین دلیل این باشد که کشاورزان به سطحی از خودکفایی و استقلال رسیده‌اند و بیشتر به دنبال عدم‌دخالت دولت هستند. با این‌حال، حتی کشاورزان در این کشورها هم وارد تا پدرزگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌شوند، ۶۳سال است. تا آن موقع هم باید ۱۸/۵درصد از درآمد خود را به عنوان بیمه بازنشستگی بپردازند. برای یک فرد مجرد، به صورت تضمینی می‌شود گفت که حقوق بازنشستگی در حال حاضر، هزار و ۵۰۰دلار است. در نروژ هم سن بازنشستگی ۶۷سال است و حداقل حقوق بازنشستگی تقریبا ۱۵۰۰دلار در ماه. این در حالی است که گفته شد حداقل درآمد لازم برای بازنشستگی در حال حاضر ۳۳۰۰دلار است. بنابراین شما باید به‌جز بازنشستگی، پس‌انداز یا درآمد دیگری هم برای این دوران داشته باشید.

۴. کاهش فقر: نرخ فقر در این کشورها هم پایین است مثلا در سوئد، نرخ فراد در معرض فقر یا طرد اجتماعی حدود ۱۶درصد است. در دانمارک و نروژ، این نرخ‌ها به ترتیب حدود ۱۲ و ۱۱درصد هستند. این در حالی است که مثلا در آمریکا این نرخ حدود ۱۷درصد بوده است.

چطور ایجاد شده است؟

برای اینکه ببینیم این سیستم اقتصادی چطور ایجاد شده است باید کمی تاریخ بخوانیم. پایه‌هایی که توانسته این مدل اقتصادی را ایجاد کند به عقیده مورخان چند مورد است:

۱. مصالحه: به اعتقاد مورخان به‌خصوص مورخان اقتصادی و سیاسی، مصالحه‌ای با وساخت دولت بین دو بخش بزرگ اقتصاد یعنی کارفرمایان و کارگران ایجاد شده است که هم زمینه رشد سرمایه‌داری را ایجاد کرده و هم باعث شده که کارگران در شرایط اجتماعی مطلوبی زندگی کنند. یکی از پایه‌های این مصالحه این بوده که دولت اجازه داده اتحادیه‌های کارگری قدرتمندی در کشور ایجاد شود. در سال ۲۰۱۹ اتحادیه‌های کارگری ۹۰درصد از جمعیت کارگران ایسلند، ۶۷درصد از کارگران دانمارک، ۶۵/۲درصد از کارگران سوئد، ۵۸/۸از کارگران فنلاند و ۵۰/۴درصد از کارگران نروژ را پوشش می‌دادند. در مقام مقایسه فقط ۱۶/۳درصد از کارگران آلمانی و ۹/۹درصد از کارگران آمریکا جزو یک اتحادیه بودند. این اتحادیه‌ها بازوان قدرتمند کارگران برای چانه‌زنی بودند.

۲. مصالحه سیاسی دموکراتیک: هر پنج کشور حکومت پارلمانی دارند. در حکومت پارلمانی نیاز به مصالحه بین احزاب بیش می‌آید و ضمنا دولت می‌داند که اگر دست از یا خط کشد، از مشروعیت خواهد افتاد. این خود می‌تواند به عنوان یکی از پایه‌های دموکراسی تبیین شود؛ اگر دموکراسی را نه فقط به معنای انتخابات که به معنای نظارت همگانی شهروندان، شفافیت و پاسخگویی مسئولان نیز تعریف کنیم.

۳. تغییر دید کشاورزان: مطالعات نشان می‌دهد که کشاورزان مخالفت جدی با سیاست‌های دولت رفاه دارند. شاید بزرگ‌ترین دلیل این باشد که کشاورزان به سطحی از خودکفایی و استقلال رسیده‌اند و بیشتر به دنبال عدم‌دخالت دولت هستند. با این‌حال، حتی کشاورزان در این کشورها هم وارد تا پدرزگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌شوند برای ایجاد این دولت‌ها ایجاد کردند.

در جریان آن اشغال شدند ولی بعد از جنگ، دیگر وارد هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نشدند و از آن سو نبودند، حتی در این جنگ هم حاضر نبود و از آخرین جنگ این کشور حدود ۱۵۰سال می‌گذرد.

۵. دولت تسهیل‌گر: در نهایت دولت در این کشورها به شدت کسب‌وکار را تسهیل می‌کند و مانعی بر سر آن نمی‌شود. برای اینکه شاخصی در این زمینه در دست داشته باشیم به گزارش سهولت کسب‌وکار بانک جهانی نگاهی می‌کنیم.

بانک جهانی می‌گوید آغاز یک کسب‌وکار در سوئد نیاز به چهار فرایند قانونی دارد و ۷/۵روز طول می‌کشد. در ایران متوسط فرایندهای آغاز کسب‌وکار، ۱۰/۵ فرایند است و ۷۲/۵روز طول می‌کشد. در ایران ۷۷روز باید صبر کنید تا برق کسب‌وکار وصل شود ولی در سوئد ۳روز. ثبت ملک در ایران یک ماه طول می‌کشد و در سوئد ۷روز.

از آن طرف میزان فساد اداری در این کشورها هم پایین است. در سال ۲۰۲۳، دانمارک کمترین میزان فساد اداری جهان را داشت، پس از آن فنلاند بود و رتبه چهارم برای نروژ و رتبه ششم برای سوئد. البته که باید گفت دولت تسهیل‌گر به معنای دولت بازار آزاد کامل هم نیست. در نروژ، فنلاند و سوئد، بسیاری از شرکت‌ها یا صنایع، دولتی هستند؛ مانند آب و برق، پست، حمل‌ونقل ریلی، خطوط هوایی، سوخت‌های فسیلی، صنایع شیمیایی، کارخانه فولاد، صنایع الکترونیک، ماشین‌آلات، کشتی‌سازی و ساخت تسلیحات.

یا مثلا در حوزه مسکن در این کشورها شاهد مداخله دولت هستیم و مثلا در نروژ دولت برای افزایش میزان اجاره نرخ‌گذاری می‌کند و حتی نرخ اجاره در برخی نقاط را مشخص می‌کند و از آن طرف به افراد بی‌بضاعت برای تامین مسکن از طریق یارانه مسکن یا مسکن اجتماعی کمک می‌کند.

۶. دین: لوتریسم یا پروتستان، مذهب سنتی غالب کشورهای شمال اروپا است. این مذهب باعث افزایش مشارکت دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم شده است؛ چرا که مارتین لوتر با اعتراض به نقش بالای کلیسا در زندگی مردم برخی از مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی این نهاد مثل مراقبت‌های بهداشتی و آموزش را از آن گرفت.

۷. برابری جنسیتی: یکی دیگر از پایه‌های اقتصاد رفاه در این کشورها این بوده که نیمی از جامعه، یعنی زنان هم وارد بازار کار شدند و به سادگی از این بازار جدا نشدند. در حال حاضر، در این کشورها نرخ بی‌کاری زنان فقط ۵/۰درصد بیش از مردان است؛ در حالی که زنان در این نرخ بی‌کاری زنان، رو به برابر مردان است. دولت‌های اسکاندیناوی از اولین دولت‌هایی بودند که اخراج زنان را به دلیل ازدواج یا مادری برای شرکت‌ها غیرقانونی اعلام کردند. مادران در کشورهای شمال اروپا بیشتر از هر منطقه دیگری شاغل هستند و مرخصی زایمان علاوه‌بر مادر، شامل حال پدر هم می‌شود. اخیرا هم اعلام شده که در سوئد که از سال ۱۹۷۴، پدران هم در آنجا مرخصی زایمان دارند؛ قانون جدیدی از روز دوشنبه هفته پیش اجرایی شده که امکان مرخصی‌های دولت را به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هم تسری می‌دهد. به این ترتیب که والدین در این کشور ۴۸۰روز معادل تقریبا یک سال و نیم می‌توانند بدون کار از دولت یارانه بگیرند. کردن فرزند خود حقوق بگیرند ولی در این مدت حق کار با تحصیل ندارند. حالا گفته شده اگر پدر یا مادری مجرد باشد، می‌تواند ۹۰روز و اگر هر دوی آن‌های بالای سر نوزاد باشند می‌توانند ۴۵روز از کل این دوره را به والدین خود منتقل کنند. در این شرایط آن‌ها می‌توانند دنبال شغل یا تحصیل بروند و دولت به پدربزرگ و مادربزرگ حقوق بزرگ کردن بچه را خواهد داد.

چند توهم بزرگ

اما همه این‌ها بنا به اینجا باعث شود که فکر کنید زندگی در این کشورها گل و بلبل است. برای همین بیایید چند توهم در مورد این کشورها را با هم مرور کنیم.

مهم‌ترین توهم این است که اگر فردی به عنوان پناهجو به سوئد برود، این کشور به او خانه و پول می‌دهد! این طور نیست. حداکثر پولی که به یک فرد پناهجو یا همسر و چهار فرزند داده می‌شود که در یک مرکز اجتماعی با حضور دیگر پناهجویان قرار دارند، ۱۵۰۰یورو است. یعنی به‌ازای هر فرد، حدود ۲۵۰یورو یا کمتر از ۱۰ میلیون در ماه.

توهم بعدی بیان رفاهای کلان به عنوان هدیه بچه‌داری است. سوئد نهایت پولی که برای یک کودک داده می‌شود ۱۲۰۰یورو در ماه است و در نروژ ۱۰۰۰یورو در ماه. در دانمارک ۲۰۰یورو تا دو سال و در فنلاند ۱۰۰۰یورو فقط برای اولین کودک.

نکته بعدی در مورد میزان هزینه زندگی در این کشورها است. کشورهای اسکاندیناوی، کشورهای ارزانی برای زندگی نیستند. زندگی در کپنهاگ برای یک نفر نیاز به ۱۲۲۵دلار هزینه زندگی و مصاحبه‌های شغلی احتمال اینکه به خاطر محل تولدتان رد شوید، بود و دارد.

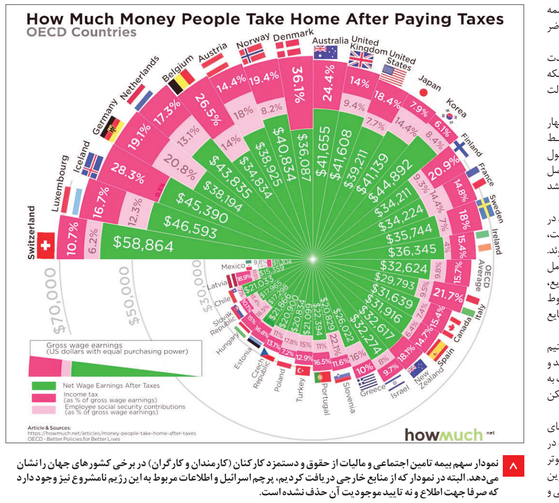

نمودار سهم بیمه تامین اجتماعی و مالیات از حقوق و دستمزد کارکنان (کارمندان و کارگران) در برخی کشورهای جهان را نشان می‌دهد. البته در نمودار که از منابع خارجی دریافت کردیم، پرچم اسرائیل و اطلاعات مربوط به این زیرنامشروع نیز وجود دارد که صرف‌ها جهت اطلاع و نه تایید موجودیت آن حذف نشده است.

قاب ایرانی

کاربری به اسم ramyyeager این عکس را در توئیتر منتشر کرد و نوشت: «امشب رو خدمت داش بودم بودیم. تا فهمید لرم، شروع کرد لری حرف زدن. تو جقد خاکی و راحتی مرد...»

ترلان پروانه این عکس را به مناسبت تولدش در اینستاگرام خود به اشتراک گذاشت و تبریک تولد سیداحمد خمینی زیر پست او مورد توجه قرار گرفت

نوید محمدزاده، پوراحمد ارادن و بهرام افشاری در پست صفحه کنسرت تمایش سی‌سد

تصویری از علی دایی و مژده لواسانی که این لوسانی که این هفته مورد توجه قرار گرفت

بهاره افشاری تولد ۴۰سالگی خود را جشن گرفت

نیما شعبان‌نژاد قابی از حضورش در برنامه جوکر را با مخاطبانش به اشتراک گذاشت

قاب فرنگی

عکس یادگاری کیلیان امباپه با خانواده کریستیانو رونالدو

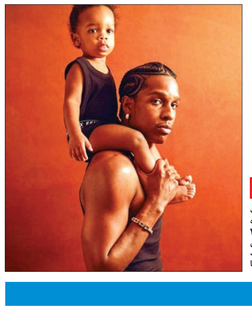

عکس جدید ایسپ راکی خواننده به همراه پسر ۲ ساله‌اش ریلینا برای کالکشن جدید لباس نامزدش ریانا

فوتوشوت زین مالیک برای مجله هارپر بازار

ارنولد به مناسبت تولد سیلوستر استالونه این عکس قدیمی را در اینستاگرام خود منتشر کرد و زادروزش را تبریک گفت

مجسمه‌ای از ساد بوماته در زادگاه این بازیکن در سنگال/ از توئیتر علی

عکسی که جاستین بیبر از حضور خود به عنوان خواننده در عروسی آدت امیانی منتشر کرد

ویدئوهای پربازدید هفته

رعنا و عادل، شب زنده‌داری نوه پزشکیان و نطق نسل زدی آذری‌جهرمی

این هفته ویدئوهای مربوط به ویژه‌برنامه فوتبال ۳۶۰ از پربازدیدترین‌ها بودند. رعنا آزادی‌ور به عنوان اولین زنی که به این برنامه دعوت می‌شد به همراه همسرش مهدی پاکدل مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که رعنا آزادی‌ور با بازی در نقش سمیرا در سریال زخم‌کاری به عنوان چهره‌ای خشن شناخته شده، مهدی پاکدل در دفاع از او گفت: «رعنا خیلی جالبه همیشه همینقدر داره می‌خنده. یکی از دلایلی که گفتم حتما این برنامه رو بیاین بود که سمیرا رو بشوره ببره. مردم خود واقعیت رو ببینن. یه بار به رعنا گفتم دیگه حق نداری نقشی بازی کنی که مردم نگران من بشن.» در بخشی دیگر رعنا آزادی‌ور خطاب به عادل فردوسی‌پور گفت: «ما قدردان یا میشه یا نمیشه دیگه.» هفته پیش ویدئویی از مداقت یک کارتن‌خواب وایرال شده بود. در این ویدئو کسی که فیلم می‌گرفت پولی را به جالبی گفت که اومدن توی برنامه فردوسی‌پور به کنش اجتماعیه.» رامبد جوان هم در یکی از قسمت‌های این ویژه‌برنامه شرکت کرد. جوان در بخشی از این برنامه به فردوسی‌پور گفت: «خیاری؟ چرا چیه نمیاری؟ واقعا چرا نمی‌خواید بچه‌دار شید؟ یک بار برای همیشه تکلیفش‌رو مشخص کن.» البته عادل هم بحث را با خنده عوض کرد و جوابی نداد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب در دیدار با سیدحسن خمینی گفت: «این نوه عزیز من تا ساعت سه و نیم صبح پیگیر نتایج بوده.» وقتی هم سیدحسین خمینی در ادامه از او پرسید «خود شما چی؟» پاسخ داد: «من خودم خوابیدم. گفتم توکل بر خدا چیکار میشه کرد. شرط اینکه آن را خرج مواد نکند، به این مرد داد. او هم در کمال صداقت گفت: «خمی‌تونم بهت قول بدم. چون من الان وضع مالیم بده ممکنه برم مواد بگیرم.» این هفته در برنامه تی‌وی پلاس با این مرد به نام مهران گفت‌وگو شد و او داستان زندگی خود را تعریف کرد. او گفت که نقاش بوده و در چند کشور اروپایی کار کرده. محمدجواد آذری جهرمی هم قبل از انتخابات به کنسرت علی یاسینی رفته بود و در جمع تماشاچیان گفته بود: «امروز احساسم این بود که اینجا اومدم باید به اکسم پیام بدم! وقتی ۶۰درصد مردم نیومدن پای صندوق رأی یعنی مردم کات کردن. الان ما برای شما جزو اکس‌هاتون محسوب می‌شیم. وقتی که ارتباط کات میشه مسئولین باید بدونند که مردم ممکنه وارد یک رابطه پرخطر بشن.»

سوژه هفته

یامال و آغوش مسی

این هفته تصویری از کودکی لامین یامال، ستاره این روزهای اسپانیایی‌ها در یورو ۲۰۲۴ در آغوش لیونل مسی و ایرال شد. چند روز بعد و در مقابله اسپانیا و فرانسه، این بازیکن تبدیل به جوان‌ترین فوتبالیستی شد که در تاریخ یورو گل می‌زند. حالا خیلی‌ها آن عکس را به موفقیت‌های یامال ربط داده‌اند.

مارال: به نظرم به رکورد دیگه یامال اینه که تونست جوون‌ترین بازیکنی بشه که توجه‌ها رو از روی امباپه برمی‌داره.

علی آقو: آیا می‌دانستید لامین یامال عین همین گلی رو که سه‌شنبه زد در ۱۵ سالگی هم به فرانسه زده؟

سپر: یامال تو ۱۶ سالگی به فرانسه تو مسابقات یورو گل تماشایی می‌زنه. من همسن یامال که بودم این وقت شب پای تماشای سریال پس از باران دعا می‌کردم رحیم نوروزی کمتر خانوم کوچیک‌رو اذیت کنه.

حاج مسی الله: یامال فقط ۱۶ سالشه تو بازی اسپانیا مقابل فرانسه گل می‌زنه. اونوقت ما تو اون سن تو کوچه با دمپایی پاره کارت بازی می‌کردیم.

سهند ایرانمهر: مثل فیلم‌های هندی است. عکس نوزادی یامال، (پدر مراکشی، مادر گینه) با مسی. ستاره این روزهای اسپانیایی‌ها در جام‌ملت‌های اروپا کسی که با گلزنی در مقابل فرانسه در نیمه نهایی یورو ۲۰۲۴، هم کشورش را به دیدار پایانی این رقابت‌ها رسانده و هم رکورد جوان‌ترین گلزن تاریخ جام ملت‌های اروپا را زده.

پوریا عطاران: همین تایم‌لاین شاهده، الان سه چهار ساله که دارین می‌گین یامال، پدیده ۱۶ ساله فوتبال اسپانیا فلان. چند سال مگه یه آدم ۱۶ ساله می‌مونه؟

مصطفی: یک رئالی در انتظار گفتن اینکه یامال تبدیل به جوون‌ترین بازیکنی میشه که از یورو حذف شده جان به جان آفرین تسلیم کرد.

میلاد: یامال بیشتر از هر کس من‌رو یاد امباپه شونزده سالهای میندازه که با موناکو تا نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان رفت.

مردک: می‌دونستید چرا اصلا یامال با مسی عکس داره تو نوزادیش؟ سال ۲۰۰۷ یونیسف یک قرعه‌کشی برگزار کرد که برنده می‌تونست با ستاره‌های بارسلونا عکس بگیره. یامال و مامانش هم تو این قرعه‌کشی برنده شدن و مامانش این بچه‌رو گذاشت تو تشت آب تا با مسی عکس بگیره. چرا توی تشت؟ نمی‌دونم!

اینزلی میتلند نایلز: تنها بازیکنی که یادمه تو ۱۶سالگی انقدر خوب بود و واپ فوق‌ستاره شدن می‌داد فقط وین رونی بود. وین رونی هم بلوغ زودرس داشت و عضلات و فیزیک بدنیش تو ۱۶ سالگی از سنش خیلی جلوتر بود. خیلی قبل‌تر از ۳۰ سالگی هم بدنش افت کرد و فرسوده شد. بارسا خیلی باید از یامال مراقبت بکنه.

پریسا: ناگزیر من چند وقت پیش گفته بود: «یامال به بچه ۱۶ ساله‌ست و فکر نمی‌کنم که مدافع‌های ما کار سختی برای مهار کردنش داشته باشن.» زهی خیال باطل.

رشسنو: حالا اینایی که میگن یامال از معاشرت با مسی به اینجا رسیده، یامال تو ۵ ماهگی چه معاشرتی می‌تونسته با مسی داشته باشه آخه؟

امیر: یامال ۱۶ سال پیش کلا دو دقیقه تو بغل مسی بوده. قطعا بیشتر زندگیش رو پیش مامان و بابائش بوده و از اونا تاثیر بیشتری گرفته. هر چیزی‌رو نباید تحلیل و تفسیر کنیم.

شاید باورتون نشه ولی غسل تعمید یامال رو مسی داده. از توئیتر پریسا

رویداد هفته

چیزهایی که فقط در تهران می‌بینید

این هفته یک کاربر مشهدی از شوک فرهنگی با «کالچرشاک» که در تهران او را وارد شده بود، نوشت. پشت‌بند او دیگران هم تجربه خود را نوشتند. هرچند که خیلی از این شوک‌ها فرهنگی نبودند، ولی خب!

نوآیدیا: اولین کالچرشاک من تو تهران این بود که همه خیلی با جهات جغرافیایی کار دارن و کار می‌کنن و بلدن. ما تو مشهد اصلا نمی‌دونیم شرق و غرب و شمال و جنوب شهر کجاست.

تاصح: اولین کالچرشاک من در تهران صبح زودی بود که رسیدم ترمینال آزادی و سرگردان اطراف رو می‌گشتم. از یک سوراخ از زیر زمین صدها و شاید هزاران نفر اومدن بیرون! من فکر کردم لانه زیرزمینی دارن. بعد فهمیدم مترو بوده!

برفک: نمی‌دونم اینم کالچرشاک حساب میشه یا نه ولی اولین شوک برای من راه رفتن تند آدما تو مترو بود. انگار مسابقه بود. همه چی رو دور تند بود، کسی توقف نمی‌کرد. همه رو به جلو فقط حرکت می‌کردند.

آنی: واسه من وقتی بود که فهمیدم به قورمه‌سبزی نمیگن خورشت سبزی.

کیم وکسلر: کالچرشاک من در تهران این بود که مردم بیسکویت و آجیل و این غذاهای خشک‌رو همینجوری رها می‌کنن تا چند روز و سالم می‌مونه. چون ما تو شمال زندگی‌مون رو باید تو ظرف دردار بذاریم که نم نگیره.

مل: من اولین بار که با داداشم اومده بودم تهران، برای جفت‌مون سوال بود که آدما کجا می‌خوان برن انقدر عجله دارن؟ تو شهر ما هیشکی عجله نداره.

امت الوود: کالچرشاک من این بود که مردم وقتی چراغ عابر پیاده قرمز می‌شد، واقعاً از خیابون رد نمی‌شدن.

نیلوفر: اولین کالچرشاک من این بود که فهمیدم تهرانیا ظهرها مغازه‌رو نمی‌بندن برن خونه که دور هم خانوادگی ناهار بخورن.

ماپو تخم مرغی: اولین کالچرشاک من به عنوان به مازندرانی تو منزل یکی از آشنایان تو تهران اتفاق افتاد؛ ناهار ماکارونی بود.

چری: اولین کالچرشاک من اونجایی بود که رفیقای تهرانی بابام اومدن بالبسر و بلا گرفتن دعوت‌مون کردن و من فهمیدم برای ناهار برنج‌رو واجب نمی‌دونن.

پریسا: نکته جالب مشهد برای من این بود که شمال جغرافیایی شهر از نظر سطح اجتماعی پایین شهر محسوب میشه. در حالی که تو تهران برعکسه.

ابر وحشی: کالچرشاک فقط اونجا که دیدم به شوک فرهنگی می‌گ

نکته بازی

پاداش مدیر، بیشتر از بازیکن!

بعد از بازی‌های جام‌جهانی ۲۰۲۲ بود که مشخص شد دوستان در هیات رئیسه فدراسیون فوتبال، به خاطر پیروزی تیم ملی بر ولز، علاوه بر بازیکنان و کادر فنی، برای خودشان هم پاداش پیشنهاد داده و تصویب و در نهایت اعطا کرده‌اند. آن هم به مبلغ نفری ۲۰ هزار دلار! بعد از افشـــای این ماجرا، سر و صدای زیادی در رسانه‌ها به پا شد اما خزانه‌دار فدراسیون مدعی شد که این پاداش مثل سال‌های گذشته و برطبق مصوبات قانونی به اعضای هیات رئیسه داده شده است! مدتی بعد با ورود نهادهای نظارتی، دوستان مجبور شدند پاداش‌هایی را که خودشان برای خودشان مصوب کرده بودند برگردانند اما حالا مشابه همین ماجرا برای استقلال هم رخ داده است. طبق اسناد منتشر شده، اســـتقلالی‌ها بابت ۳ پیروزی در هفته‌های پایانی لیگ برتر ۳۰۰ میلیون تومان پاداش گرفته‌اند و این پاداش به نفراتی مثل فرشید سمیعی سرپرست مدیرعاملی وقت هم داده شده. جالب اینکه بازیکنی مثل مهدی مهدی‌پور که مصدوم است، ۵۰ میلیون پاداش گرفته اما سمیعی بابت پیروزی استقلال بر گل‌گهر ۱۰۰ میلیون تومان پاداش گرفته است! متن نامه هم خیلی بامزه است. در نامه از سوی نکونام خطاب به سمیعی نوشته شده: «لیست پاداش اعضای تیم بابت پیروزی بر گل‌گهر تقدیم می‌شود» و در لیســـت، نام خود سمیعی هم وجود دارد! سوال که زیاد برای‌مان پیش آمده اما یکی از آنها این اســـت. آیا این پاداش در هیات مدیره تصویب شده؟ سوال دوم هم اینکه آیا اگر خدای نکرده سمیعی مثلا در خانه یا محل کار مصدوم می‌شد، پاداش او هم مثل مهدی‌پور نصف می‌شد؟

در خانه رونالدو ناهار چه خوردی استاد؟

رئیس دپارتمان بین‌الملل فدراســـیون فوتبال درباره عملکرد این کمیته گفته: «از سال گذشته اتفاقات مثبتی را در فدراسیون فوتبال شاهد بودیم و طی یک هفته با فدراسیون فوتبال عربستان قرارداد امضا کردیم و بزرگ‌ترین اتفاقی که بعد از آن رخ داد این بود که رونالدو را به ایران آوردیم. این موضوع روحیه خوبی به جامعه ما تزریق کرد. این موضوع اتفاق شـــوک‌آور برای AFC بود، چون آنها به دنبال این بودند که بازی‌ها را با VAR برگزار کنند و به خاطر همین ناچار شدند که این سیستم را به ما بدهند. این موضوع باعث شد شور و شعف خاصی در جامعه شکل بگیرد چون مردم آمدند و رونالدو و ســـتاره‌های دیگر فوتبال را از نزدیک دیدند.» می‌بینید؟ استاد از آمدن کریس رونالدو به ایران برای بازی لیگ قهرمانان آسیا جوری حرف زده که انگار خودش شخصا به عربستان و خانه رونالدو رفته و با او ناهار و چای هم خورده و از او خواسته به ایران بیاید! رونالدو هم تحت تاثیر جذبه و کاریزمای استاد قرار گرفته و نتوانسته به او جواب منفی بدهد! انگار نه انگار که این حضور هیچ ربطی به هیچ فدراسیون و مسئولی ندارد و رونالدو طبق قراردادی که با النصر بســـته، بازیکن این تیم است و باید در بازی‌های این تیم در هر کشور و شهری حاضر شود! باور کنید مالک و مدیران النصر هم به این صراحت، جذب رونالدو را به نام خودشان مصادره نکرده‌اند که ایشان آمدن او به ایران را حاصل کار بخش بین‌الملل فدراسیون می‌داند! استاد کوتاه بیا! ما هیچ! خودت از این حرف‌ها خنده‌ات نمی‌گیرد؟

از این ورها آقای اسکوچیچ؟

مربی کروات که گفته بود دیگر در ایران مربیگری نخواهد کرد، سرمربی تراکتور شد

باشگاه تراکتور ناگهان سه‌شنبه عصر، از سرمربی جدید خود رونمایی کرد و پس از مذاکره با چند گزینه خارجی و داخلی، دراگان اسکوچیچ هدایت این تیم را برعهده گرفت. اسکوچیچ کروات که پس از جدایی از تیم ملی دیگـــر به فوتبال ایران برنگشته بود، حالا قرار اســـت به عنوان سرمربی تراکتور بار دیگر در فوتبال ایران حاضر شود. او درحالی هدایت تراکتور را برعهده گرفته که پس از جدایی اوسمار ویرا از پرسپولیس، شایعاتی مبنی بر حضورش در این تیم هم به گوش می‌رسید. اســـکوچیچ که مدتی قبل با پیشنهاد نســـاجی هم مواجه شـــده بود، مدعی شـــده بود که به دلیل رفتار بد فدراسیون فوتبال ایران با او، دیگر در ایران کار نخواهد کرد! البته قابل پیش‌بینی بود که نیامدن به ایران برای کسی که تقریبا ۱۰ سال متوالی در ایران زندگی و کار کرده، اصلا آسان نبود. به بهانه بازگشـــت اســـکوچیچ به ایران، کارنامه مربیگری او را مرور می‌کنیم.

شروع با ملوان

اسکوچیچ که ســـابقه کار در امارات را داشـــت، به کشورش برگشـــته بود و در ۷ بازی روی نیمکت تیم ریگا نتایج بدی گرفته بود. در پایان فصل با پیشـــنهاد ملوان بندرانزلی برای اولین بار به ایران می‌آید و مشـــغول به کار می‌شـــود. او یک فصل روی نیمکت انزلی‌چی‌ها نشســـت و ایـــن تیم را با ۴۴ امتیاز در رده هشتم لیگ ســـیزدهم جدول قرار داد. بهترین و بـــه یادماندنی‌ترین نتیجه او در این فصـــل پیروزی ۴ بر ۲ براستقلال در انزلی بود.

دو فصل پرحاشیه در فولاد

بعد از اینکه توانست فصل خوبی را در ملوان پشت سر بگذارد، با پیشنهاد تیم قهرمان فصل یعنی فولاد روبه‌رو شد و هدایت این تیم را در لیگ چهاردهم برعهـــده گرفت. در پایان فصل اما نتیجه چیزی نبود که مورد قبول فولادی‌ها باشـــد. تیمی که با حسین فرکی قهرمان شـــده بود، با اسکوچیچ در لیگ چهاردهم، پنجم شـــد! پیش‌بینی می‌شد مربی کروات که با اتهاماتی مثل دلالی هم مواجه بود، از فولاد جدا شود اما یک فصل دیگر در این باشگاه ماند و این بار نتیجه فاجعه‌بار بود. فولاد در رده پانزدهم ایســـتاد و کار اســـکوچیچ در این تیم تمام شد.

دو فصل بیکاری و کار در لیگ یک

نتایج ضعیف با فولاد باعث شـــد تا مدتی پیشنهادی از ایران برای اسکوچیچ وجود نداشته باشد. با این حال شایعه همواره وجود داشت و به نظر می‌رســـید او همچنان در ایران است و منتظر است تا پیشنهادی واقعی به دستش برسد. پس از دو سال بیکاری، ناگهان پیشـــنهاد کار در تیم خونه به خونه را پذیرفت و در لیگ یک شـــروع به کار کرد؛ البته پس از اینکه جواد نکونام با مالکان این باشگاه به مشکل خورد و در اواسط فصل جدا شد اســـکوچیچ در ۱۷ بازی روی نیمکت خونه به خونه نشست و ۱۰ پیروزی و دو باخت به دست آورد که یکی از این باخت‌ها در فینال جام حذفی مقابل استقلال رقم خورد. در پایان فصل هم از این تیم جدا شد.

بازگشت به لیگ‌برتر با صنعت‌نفت

در نوزدهمیـــن دوره لیگ‌برتر، صنعت‌نفت اســـکوچیچ را به عنوان سرمربی خود انتخاب کرد. او شروع خوبی در این تیم داشت و توانست نتایج خوبی بگیرد. تا هفته هجدهم سرمربی آبادانی‌ها بود و به نظر می‌رسید می‌تواند بهترین رتبه این تیم را در تاریخ لیگ‌برتر کســـب کند اما ناگهان بعد از دو باخت متوالی مقابل نفت مسجدســـلیمان و پرسپولیس مدعی شد بیماری قلبی دارد و مشکلات خانوادگی هم اجازه نمی‌دهد تا در آبادان به کار ادامه دهد و در نهایت از این تیم جدا شد.

و ناگهان تیم ملی ایران!

چند هفته بعد اما، فدراسیون فوتبال ایران او را به جای مارک ویلموتس بلژیکی روی نیمکت تیم ملی ایران نشاند. انتخاب او با انتقادهای زیادی از ســـوی رســـانه‌ها مواجه شد اما این انتخاب انجام شده بود و اســـکوچیچ حالا دیگر سرمربی تیم ملی ایران بود. او در عملکردی باورنکردنی، توانست تیم ملی را از یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های تاریخش نجات دهد و به جام‌جهانی برساند. اسکو ۱۸ بار روی نیمکت تیم ملی نشست و ۱۵ برد، یک مساوی و فقط دو باخت را در کارنامه‌اش ثبت کرد. به نظر می‌رسید خودش در جام‌جهانی تیم ملی را هدایت کند اما تغییرات در فدراسیون فوتبال باعث شد تا او به شکلی غیرحرفه‌ای برکنار و کارلوس کی‌روش جانشینش شود. بعد از این اتفاق اسکوچیچ از ایران رفت.

تیم المپیک کرواسی

مدتی بعد از خـــروج از ایران، او به عنوان ســـرمربی تیم زیر ۲۳ سال کرواسی انتخاب شـــد. ۱۲ بار روی نیمکت این تیم نشست و ۴ برد، ۳ مساوی و ۵ شکست به دست آورد. با قبول پیشنهاد تراکتور، مشخص شد که مدیران فدراسیون کرواسی مشکلی با جدایی او از تیم زیر ۲۳ سال این کشور ندارند و حالا اســـکوچیچ که از خیلی از مربیان ایرانی، سابقه کار بیشتری در ایران دارد، دوبـــاره روی نیمکت یک تیـــم مهم و بزرگ کشورمان خواهد نشست.

گزارش

شاهکار ستاره نوجوان در شب عبور از پله

اسپانیا با هنرنمایی جوانان خود به فینال جام ملت‌های اروپا راه یافت

لامین یامال در شب صعود تیم ملی اسپانیا به فینال رقابت‌های یورو ۲۰۲۴ به جوان‌تریـــن گلزن تاریخ جام ملت‌های اروپا تبدیل شـــد. ستاره کم سن‌وسال بارسلونا با شـــلیک اســـتثنایی خود بازگشت به‌یاد ماندنی لاروخا را جرقه زد و در تمام طول بازی نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد.

ضربه کات‌دار و مواج یامال از پشـــت محوطه جریمه نخســـتین شـــوت در چارچوب شـــاگردان لوئیس دلافوئنته در مسابقه سه‌شنبه شب نام داشت. شلیک برق‌آسا و زیبای هافبک جوان بارسلونا بعد از برخورد به داخل تیر عمودی، پشت ســـر مایک مانیان به تور دروازه فرانسه چسبید تا کار به تساوی کشیده شود؛ آن هم در شبی که با گل زودهنگام کولو موانی به نظر می‌رسید نقشـــه‌ها و برنامه‌های دشـــان به خوبی در چمن سبز ورزشگاه مونیخ پیاده شده. دروازه تیم ملی فرانسه در ۵ مسابقه قبلی این تیم در جام تنها یک بار و آن هم از روی نقطه پنالتی لرزید و یامال با مشاهده تجمع مدافعان تصمیم گرفت راه دشـــوارتر را برای مقهور کردن مایک مانیان انتخاب کند. شوت آتشین او اما سهمگین‌تر از آن بود که خروس‌ها کمر راست کنند. دروازه فرانسه بلافاصله برای بار دوم به تسخیر درآمد و تیم دشان هیچ شانسی برای جبران نتیجه در ۶۶ دقیقه باقی‌مانده از بازی نداشت.

یامال با این گل در فاصله ۳ روز مانده به جشن تولد ۱۷ سالگی‌اش (۱۶ ســـال و ۳۶۲ روز) به جوان‌ترین گلزن تاریخ یورو تبدیل شد و رکورد ۲ دهه‌ای یوهان وونلانتن سوئیســـی را شکســـت. بال راســـت سابق آیندهوون در جریان مسابقه با همین تیم فرانسه در یورو ۲۰۰۴ با ۱۸ سال و ۱۴۱ روز به این رکورد رسید. جالب اینکه ۴ روز قبل از او وین رونی با ۱۸ ســـال و ۲۳۷ روز سن با گلزنی مقابل سوئیس رکورد ۲ دهه‌ای دراگان استویکوویچ (۱۹ سال و ۱۰۸ روز در یورو ۸۴) را جابه‌جا کرده بود. رکورد رونی تنها ۴ روز و رکورد وونلانتن ۲۰ سال پابرجا ماند تا نوستاره رکوردشکن بارسا در این شب دراماتیک و به‌یادماندنی روی نام او خط بکشد. هر ۱۳ شوت قبلی یامال در جام ۲۰۲۴ از دست رفته بود اما این گل محشر ارزش صبر تا مرحله یک‌چهارم نهایی را داشت.

گل یامال برای علاقه‌مندان به فوتبال اســـپانیا یک دژاووی عجیـــب را زنده کرد. او یک ســـال و ۴۰ روز پیش در ترکیب تیم ملی زیر ۱۷ ســـال اســـپانیا در مصاف با تیم نوجوانان فرانسه گل کاملاً مشابهی را از پشـــت محوطه جریمه به ثمر رساند. جالب اینکه آن شلیک دوردست و دیدنی در مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های زیر ۱۷ سال اروپا به ثمر رسیده بود و هافبک کاربلد لاروخا بار دیگر با فروریختن دروازه فرانســـه قلب مدافعان آبی‌پوش را به لرزه درآورد. یامال نه‌تنها جوان‌ترین گلزن تاریخ یورو نـــام گرفت، بلکه عنوان جوان‌ترین گلزن تاریـــخ جام‌های معتبر ملی (یورو و جام جهانی) را هم از چنگ پله، اسطوره فقید فوتبال برزیل، خارج کرد. پله ۶۶ ســـال پیـــش و در جریان جدال سلسائو با تیم ملی ولز در جام جهانی ۱۹۵۸ با ۱۷ سال و ۲۳۹ روز در نقش جوان‌ترین بازیکن تاریخ جام‌های معتبر خودش را معرفی کرد.

یامال همچنین به جوان‌ترین بازیکن حاضر در مرحله نیمه‌نهایـــی ادوار جام‌های معتبر تبدیل شـــد. این رکورد هم به مدت ۷ دهـــه در اختیار قهرمان ۳ دوره جام جهانی فوتبال بود و به یامال رسید. پله با حضور در دیدار برزیل و فرانسه در جام‌جهانی ۱۹۵۸ با ۱۷ ســـال و ۲۴۴ روز جوان‌ترین بازیکن جام‌های بزرگ فوتبال نام گرفت. یامال رکورد او را ۲۴۷ روز ارتقا داد. بال راست کارســـاز لاروخا ۸۹ دقیقه در زمین حاضر بود و ضمن به مقصد رســـاندن ۷۹ درصد پاس‌های خود، با ۲ شلیک محکم دیگر دروازه مانیان را تهدید کرد. او بازی را با ۶ نبرد رودرروی زمینی موفق، ۴ بار بازپس‌گیری توپ، کســـب ۲ خطا، ۴ پاس موفق به محدوده دفاعی حریف، یـــک دریبل، یک تکل و یک دفع توپ موفق به پایان رساند و جایزه بهترین بازیکن زمین را هم از آن خود کرد.

سوژه روز

اعجوبه‌ها علیه علی دایی

درست سه سال و ۱۸ روز پس از اینکه کریستیانو رونالدو به رکورد ۱۰۹ گل ملی علی دایی رسید و عنوان آقای گلی جهان را از مهاجم سابق تیم ملی ایران گرفت، بامداد دیروز هم لیونل مسی، دیگر فوق‌ستاره فوتبال جهان هم به این رکورد دست یافت.

لیونل مسی که در آخرین مسابقه تدارکاتی تیم ملی آرژانتین قبل از کوپا آمه‌ریکا موفق شده بود دو گل و یک پاس گل در جریان پیروزی ۴ بر یک مقابل گواتمالا داشته باشد و تعداد گل‌های ملی خود را به عدد ۱۰۸ افزایش بدهد، برای رسیدن به رکورد علی دایی چهار مسابقه دیگر منتظر ماند تا اینکه بامداد دیروز به آن دست یافت.

کاپیتان آلبی‌سلسته پس از اینکه در دو مسابقه دور گروهی کوپا آمه‌ریکا نتوانست گلزنی کند، در یک دیدار نیمکت‌نشین بود و در بازی مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل اکوادور هم در باز کردن دروازه ناموفق بود، دیروز با موقعیت‌سازی مقابل کانادا و جای‌گیری مناسب در محوطه جریمه حریف، نتوانست گل دوم آرژانتین را به ثمر رساند و علاوه بر تاثیرگذاری در صعودشان به فینال، به رکورد ۱۰۹ گل ملی علی دایی هم برسد.

آرژانتین بامداد دیروز چهارشنبه در مرحله نیمه نهایی کوپا آمه‌ریکا به مصاف کانادا رفت و در حالی که با نتیجه یک بر صفر نیمه نخست را پشت سر گذاشته بود، در دقیقه ۵۱ روی شوت انزو فرناندز و دخالت مسی در آخرین لحظه برای زدن ضربه به توپ و گلزنی، به گل دوم دست یافت و فینالیست شد، این فوق‌ستاره هم پس از مدت‌ها انتظار با این گل، با رکورد علی دایی برابری کرد.

رکورد ۱۰۹ گل ملی علی دایی حدود دو دهه دست نخورده بود تا اینکه کریستیانو رونالدو روز دوم تیرماه ۱۴۰۰ با زدن دو گل مقابل فرانسه در رقابت‌های یورو ۲۰۲۰ به این مهم دست یافت و به تعداد گل‌های اسطوره فوتبال ایران رسید و بامداد دیروز هم لیونل مسی، دیگر اعجوبه فوتبال جهان آن را تصاحب کرد.

کریستیانو رونالدو دو ماه پس از برابری با رکورد علی دایی، در دیدار مقابل ایرلند در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ موفق شد دو گل در لحظات پایانی به ثمر برساند و به تنهایی تبدیل به آقای گل تاریخ فوتبال شود اما حالا لیونل مسی را با رسیدن به ۱۰۹ گل و اختلاف ۲۱ گل ملی که در حال حاضر وجود دارد، پشت سرش می‌بیند. در حال حاضر رونالدو با ۱۳۰ گل آقای گل فوتبال جهان است و علی دایی و لیونل مسی با ۱۰۹ گل پشت سرش قرار گرفته‌اند که البته ستاره سابق ایران در ۱۴۹ بازی ملی به این آمار درخشان رسیده و کاپیتان آرژانتین در ۱۸۶ مسابقه. لیونل مسی با صعودشان به فینال کوپا آمه‌ریکا، این فرصت را دارد تا در دیدار آینده آرژانتین مقابل اروگوئه، از رکورد ۱۰۹ گل ملی علی دایی هم عبور کند و به تنهایی در رده دوم جدول برترین گلزنان جهان قرار بگیرد و تهدیدی هم برای رونالدو باشد.

منبع: ورزش ۳

گوشه و کنار مستطیل سبز

شرط عجیب بنزما برای انتخاب مربی جدید الاتحاد

الاتحاد تیم قدیمی و ریشه‌دار عربستان وضعیت خوبی ندارد و به نظر می‌رسد ستاره فرانسوی، در حال حکمفرمایی در این تیم اســـت؛ چراکه رسانه‌ها خبر داده‌اند که کریم بنزما، مهاجم الاتحاد، شرطی برای انتخاب مربی جدید تیم قرار داده است. الاتحاد در حال جست‌وجوی مربی جدیدی برای فصل آینده است تا جایگزین مارسلو گایاردو کند. مربی آرژانتینی در فصل گذشته نتوانست هیچ قهرمانی‌ای به دست بیاورد و از این تیم کنار گذاشته شد. روزنامه اکیپ فرانسه روز سه‌شنبه گزارش داد که بنزما شرط کرده مربی جدید باید به زبان فرانسوی مسلط باشد و ترجیحاً کریستوف گالتیه، مربی الدحیل قطر، به عنوان سرمربی جدید این تیم انتخاب شود. اما طبق این گزارش، باشگاه الدحیل با جدایی مربی خود مخالفت کرده و پیش از آن نیز گالتیه، قبلا پیشـــنهاد الاتحاد را رد کرده بود. برخی گزارش‌های رسانه‌ای نشان داده‌اند که بنزما با قرارداد بستن الاتحاد با استفانو پیولی، مربی سابق میلان، مخالفت کرده و همین مسئله باعث استعفای لؤی ناظر، رئیس جدید باشگاه، به دلیل اعتراض به نادیده گرفته شدن نقش خود شده است. با رد شدن درخواست جدایی گالتیه توسط باشگاه الدحیل، گزینه‌ها بین سه مربی دیگر فرانسوی محدود خواهد شد.

وداع مولر با تیم ملی فوتبال آلمان

توماس مولر که ماجراجویی او با تیم ملی فوتبال آلمان در مسابقات یورو ۲۰۲۴ با قبول شکست ۲ بر یک مقابل اســـپانیا به پایان رسید، دیگر قصد ندارد در رده ملی به میدان برود. براساس گزارش روزنامه «بیلد» آلمان؛ توماس مولر ۳۴ ساله تصمیم گرفته تا در رده ملی بازنشسته شود. مولر که در سال ۲۰۱۰ برای اولین بار به تیم ملی آلمان دعوت شد، در این مدت در ۱۳۱ بازی برای ماشافت به میدان رفت و ۴۶ گل هم به ثمر رساند. او در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل هم با این تیم به قهرمانی رسید. این هافبک آلمانی که یک سال دیگر با بایرن مونیخ قرارداد دارد، به نظر می‌رسد در پایان فصل پیش‌رو در رده باشگاهی هم به کار خود پایان دهد.

وارث شماره ۱۰ مسی در بارسا مشخص شد

جدایی لیونل مسی از بارسلونا باعث شد که شماره ۱۰ این تیم که سال‌های طولانی بر تن این بازیکن بود بدون استفاده بماند و مدیران این باشگاه در همان زمان تصمیم گرفتند که این شماره را به آنســـو فاتی اهدا کنند که استعداد بسیاری را به نمایش گذاشته بود. اما مصدومیت‌های متعدد و طولانی‌مدت و فشـــاری که به او از سوی رسانه‌ها وارد شد، باعث شد که او نتواند به هیچ وجه درخششی که انتظار می‌رفت را به نمایش بگذارد. او فصل گذشته به صورت قرضی راهی برایتون شد اما عملکردش در این تیم هم درخشان نبود و همین باعث شد که پس از پایان مسابقات لیگ برتر انگلیس بار دیگر به جمع بازیکنان بارسا برگردد و حالا در حال انجام تمرینات انفرادی است تا تکلیفش برای فصل آینده مشخص شـــود. پیش از این گفته شده بود که او تمایل زیادی به پوشیدن دوباره پیراهن بارسا دارد اما مدیران این باشگاه مایل هستند به فروش او فکر کنند. با این حال، به نظر می‌رسد او توانسته است مدیران بارسا را تا حدی متقاعد کند و حالا موندو دیپورتیوو خبر داده که فاتی قرار است شماره ۱۰ را بار دیگر در فصل آینده به تن کند.

رئال تکلیف امباپه را روشن می‌کند

حذف فرانسه از یورو به دست اسپانیا فصل جدیدی را در زندگی کیلیان امباپه باز می‌کند. سه‌شنبه هفته بعد، دوره‌ای جدید از زندگی فوتبالی شماره ۱۰ فرانسه شروع خواهد شد و انتظار می‌رود استقبال هواداران رئال از او در سانتیاگو برنابئو فوق‌العاده باشد. اما ابتدا، امباپه باید در تست‌های پزشکی رئال مادرید شرکت کند که اهمیت زیادی دارد. این مهاجم فرانسوی طبق روال توسط تیم پزشکی باشگاه با جزئیات دقیق مورد بررســـی قرار خواهد گرفت و مهم‌تر از هر چیزی شرایط بینی او است. طبق اعلام مارکا، سه‌شنبه مشخص می‌شود که برنامه رئال برای بینی امباپه چه خواهد بود و اینکه دستور جراحی صادر می‌شود یا خیر. او در بازی برابر اتریش دچار شکستگی بینی شد و در دو بازی بعدی با ماسک بازی کرد ولی سه‌شنبه شب در شکست برابر اسپانیا او بدون ماسک محافظ به میدان رفت. امباپه با رئال به تور آمریکا نخواهد رفت و اگر جراحی کند، شاید به بازی سوپرجام اروپا برابر آتالانتا نیز نرسد.

دهیاری خوشنام

آگهی مناقصه عمومی
(نوبت اول)

فراخوان اجرای فاز اول بازارچه محلی روستای خوشنام

دهیاری خوشنام در نظر دارد فراخوان اجرای فاز اول بازارچه محلی روستای خوشنام به شماره (سیستمی) ۲۰۰۳۰۹۶۲۶۴۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد به آدرس www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه ، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی به صورت برخط برای کلیه صاحبان امضا مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی :
تاریخ انتشار فراخوان : ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ ساعت ۸:۰۰
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ ساعت ۸:۰۰
مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ ساعت ۸:۰۰
زمان بازگشایی پاکت ها : ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ ساعت ۸:۳۰
مبلغ برآورد اولیه : ۲۵۹/۴۵۳/۰۶۷/۰۳۹ ریال
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : فیش نقدی بانکی یا ضمانت نامه معتبر بانکی به مبلغ ۱۲/۹۷۲/۶۵۳/۳۵۱ ریال
اطلاعات و آدرس دستگاه : شهرستان ملارد – روستای خوشنام – بلوار امام علی(ع) پلاک ۲۲۲
تاریخ چاپ نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۴/۲۱ تاریخ چاپ نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۴/۲۷
یوسف حقگو – دهیار خوشنام
۲۹۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان –ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۳۴۰۰۲۱۴۸ – ۱۴۰۳/۰۳/۲۷ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه دو تصرفات مالکلانه بلامعارض متقاضی محمد حیدر زاده فرزند قدرت اله بشماره شناسنامه ۴۷۰ صادره از بهار در ششدانگ اعیانی و ۸۸،۶۶۷ شعیر از ۹۶ شعیر عرصه یک باب ساختمان به مساحت ۸۴،۶۰ متر مربع به پلاک ۶۸۷ فرعی از ۲۰- اصلی در حومه ۲ حومه ثبتی ناحیه دو همدان خریداری (مع الواسطه) ازمالک رسمی غلامرضا شاملو محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز اگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ تاریخ نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۴/۲۱
حمید سلگی –رییس اسناد و املاک
م الف : ۵۹۸
شناسه آگهی : ۱۷۴۱۴۹۸

اندر فضیلت‌های ریختنِ آش رشته در باک اتومبیل
صفحه ۱۴

جایی برای پیرمردها نیست
صفحه ۱۶

۱۲۰ فوتبالیست برتر تاریخ - شمارش معکوس(قسمت دهم)

سران و سلاطین

این دهمین قسمت از شمارش معکوس ۱۲۰ بازیکن برتر تاریخ فوتبال است. در نه شماره قبلی و در این روایت وارونه اعداد از شماره ۱۲۰ تا۶ آمده بودیم و به این بازیکن‌ها اشاره کرده‌ایم: فرناندو ردوندو، رائول، لوییز فیگو، لازلو کوبالا، اریک کانتونا، الیور کان، آندره شفچنکو، یورگن کلینزمن، جان تری، فرانک لمپارد، اشتفان افن برگ، دیوید بکهام، مارسل دزایی، آندریاس برهمه، سرخیو راموس، داوید ویا، تئوفیلو کوبیلاس، ارلینگ هالند، پل اسکولز، الساندرو دل پی‌یرو، پل برایتنر، رایان گیگز، یحیی توره، فابیو کاناوارو، سسک فابرگاس، محمد صلاح، آندره پیرلو، گئورگی هاگی، مسوت اوزیل، الساندرو نستا، ساموئل اتوئو، رابرت لواندوفسکی، سرخیو بوسکتس، پاتریک ویه‌را، گرت بیل، لوییز سوارز، نیلتون سانتوس، پائولو روسی، ژرژ وه آ، نیمار، ایکر کاسیاس، یوهان نیسکنس، دیدیه دروگبا، ریموند کوپا، آلن شیرر، کنی دالگلیش، شاندور کوچیس، جاسینتو فاکتی، هری کین، رونالد کومان، اسکافینیو، فرانچسکو توتی، دنیل پاسارلا، دینو زوف، دژان ساویسویچ، کارل هاینس رومنیگه، لیلیان تورام، پیتر اشمایکل، گابریل باتیستوتا، فریتز والتر، کریم بنزما، خاویر زانتی، کوین دی بروینه، هریستو استویچکوف، تونی کروس، مانوئل نویر، سوکراتس، روبرتو کارلوس، دی دی، ناندور هیدگوتی، فرانک رایکارد، جرزینیو، تی ری آنری، میشل لادروپ، گوردون بنکس، رود گولیت، کاکا، جیانی ریورا، دنیس برگ کمپ، آنخل دی ماریا، کافو، استیون جرارد، لوکا مودریچ، لوییز سوارز (آن بازیکن اسپانیایی دهه شصت)، ریوالدو، جوزپه مه آتزا، کارلوس آلبرتو، بابی مور، ریوه لینیو، جیان لوییجی بوفون، جان چارلز، زلاتان ابراهیموویچ، روبرتو باجو، فرانکو باره سی، کیلیان امباپه، زیکو، بابی چارلتون، لوتار ماتئوس، جورج بست، روماریو، اوزه بیو، گردمولر، پائولو مالدینی، لیو یاشین، فرنتس پوشکاش، آندریاس اینی یستا، ژاوی هرناندز، گارینشا، مارکو فان باستن و پلاتینی، رونالدینیو، آلفردو دی استفانو، فرانتس بکن بائر، رونالدو نازاریو و زین‌الدین زیدان.

حالا بقیه ماجرا:

۵ یوهان کرویف. سوپر استار هلندی که در دهه هفتاد سه بار برنده عنوان مرد سال اروپا شد و با آژاکس دو قهرمانی باشگاه‌های اروپا را تجربه کرد و با تیم ملی هلند تا فینال جام جهانی ۱۹۷۴ هم پیش رفت. او ۳۰ سال هم نداشت که از تیم ملی هلند کناره گرفت.

او یک گوش چپ بود که در نقش هافبک نفوذی و هافبک بازیساز و حتی نوک حمله هم می‌توانست بازی کند. وقتی سکان رهبری بارسلونا را در دست گرفت با اعمال سیستم‌های هجومی و اعتبار دوباره بخشیدن به وینگرها، نقشه فوتبال جهان را به شکل کامل تغییر داد. کرویف یکی از ۵ بازیکن برتر تاریخ و یکی از ده سرمربی برتر فوتبال جهان به شمار می‌رود.

۴ کریستیانو رونالدو. او مطمئنا کامل‌ترین فوتبالیست تاریخ است. در مهارت‌هایی مثل دریبلینگ، سرعت، قدرت بدنی، ضربات سر، شوت‌های از راه دور، ضربات آزاد، شم گلزنی، زیباترین گل‌ها، پاس گل، ماجراجویی و حرکات آکروباتیک و توانایی‌های تاکتیکی به سقف توانایی‌های بشر رسیده است و جالب آنکه بیشتر این مهارت‌ها را با تمرینات دیوانه وار، سبک خاص و سختگیرانه زندگی شخصی و ریاضت‌های زاهدانه در تغذیه و بدنسازی کسب کرده است. تمام آمار گل در همه زمینه‌ها در دست اوست. ۵ بار برنده توپ طلا شده است و بیشترین فالوئر را در میان تمام ابنای بشر در اینستاگرام دارد. ۶ قهرمانی باشگاه‌های اروپا دارد و یک قهرمانی جام ملت‌های اروپا. و واقعا این سوال پیش می‌آید که چرا او نفر اول این فهرست نیست؟ شاید به خاطر این که آن شراره‌های نبوغ سه نفر اول در کارنامه بازی او کمتر به چشم خورده است.

۳ پله. مروارید سیاه برزیلی‌ها که در ۱۷ سالگی ستاره جام جهانی ۱۹۵۸ شد و در فینال قهرمانی جهان دو گل زد و تا سال ۱۹۷۰ یعنی تا ۲۹ سالگی بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین چهره ورزشی دنیا بود. سریع، باهوش و تکنیکی که به رغم قد متوسطش پرش‌های دیوانه‌واری هم داشت. او سه بار با برزیل قهرمان جهان شد که البته در یک مورد آن (۱۹۶۲) در همان بازی اول مصدوم شد و نقش چندانی در موفقیت تیم خود نداشت. اگر در آن دوران توپ طلا به بازیکن‌های غیر اروپایی هم تعلق می‌گرفت می‌توانست چهار یا پنج بار برنده توپ طلا شود.

۲ دیه‌گو مارادونا. اعجوبه آرژانتینی‌ها که در میانه یک نسل نه چندان پراستعداد قرار گرفت و با آرژانتین دوبار راهی فینال شد و یک بار هم قهرمان جهان شد. یک جعبه جادو با قدرت رهبری و یک کاریزمای دیوانه‌وار. او فرمانده جنگ بود و همچون یک سردار برای موفقیت تیمش هر کاری می‌کرد. چه در تیم ملی آرژانتین و چه در تیم ناپولی ایتالیا. وضعیت هردو تیم به شکلی بود که مارادونا همچون رب‌النوع تیم‌های محروم در مقابل غول‌های ثروتمند شمال جلوه‌گر می‌شد. نمایش او در جام‌جهانی ۱۹۸۶ بهترین و بی‌رقیب‌ترین نمایش انفرادی یک بازیکن در یک تورنمنت است و بعید است کسی توانایی تکرار آن را داشته باشد.

۱ لیونل مسی. الان که دارم این متن را می‌نویسم مسی با آرژانتین به فینال کوپا آمریکا راه یافته است. مرد ۳۶ ساله آرژانتینی که قریب ۱۹ سال است در فوتبال جهان مطرح شده است و هنوز هم می‌تواند با نبوغ خود همگان را دیوانه کند. او انگار چشم سوم دارد و می‌تواند زنجیره‌ای از دریبل‌های شگفت‌انگیز را به یک پاس درخشان و محیرالعقول پیوند بزند. متخصص ضربات آزاد و چیپ‌های جادویی. هشت توپ طلا نشان افتخار این بازیکن بی‌بدیل تاریخ فوتبال هستند. سه بار قهرمان باشگاه‌های اروپا شده است و یک بار قهرمان جام جهانی. او یک نابغه بی‌همتاست که وداع قریب‌الوقوعش با فوتبال یک ضایعه غیرقابل جبران خواهد بود.

تکمله: هفته دیگر این پاورقی با مرور نام‌هایی که می‌توانستند در این فهرست باشند اما نبودند پایان می‌یابد. نام‌هایی عموما از تاریخ قدیم فوتبال.

جای خالی احمدرضا

احمدرضا احمدی فرزندی از کرمان، متولد ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ بود و ۲۰ تیر ۱۴۰۲ دنیای شعر و داستانی را برای همیشه ترک کرد و رفت

در سال ۱۳۴۳ احمدرضا احمدی به‌همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری‌علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طُرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کردند. آرم این گروه یک خروس بود و اعضای آن را اغلب دانشجویانی تشکیل می‌دادند که سودای انقلابی ادبی را در سر داشتند و آثار یکدیگر را در نشست‌های ادبی نقد و بررسی می‌کردند. با سرمایه گروه، شماری از آثار نسل جوان نیز به‌نشر رسید. هنگامی که کانون پرورش فکری کودکان پایه‌گذاری شد، فیروز شیروانلو و سپس سیروس طاهباز به نویسندگان و شاعران باتجربه و جوان کار سفارش می‌دادند تا روند نگارش و انتشار کتاب‌های کودک فارسی پایه شکل بگیرد. در این میان کاری نیز به احمدرضا احمدی سفارش داده شد. نتیجه کار داستان «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید» بود که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد. کتابی که عباس کیارستمی تصویرسازش بود. کتابی که بسیار مورد تقدیر قرار گرفت و خیلی سریع توقیف و جمع‌آوری شد. احمدی در مهر ۱۳۴۹ به استخدام کانون پرورش فکری درآمد و سال‌ها در آنجا برای بچه‌ها کار کرد. او تا سال ۱۳۵۸ در سمت مدیر تولید

نشر آثار موسیقی برای کودکان فعالیت کرد و در همین زمینه نیز کارهای باارزشی در زمینه موسیقی کودک یا ادبیات همراه با موسیقی با مدیریت او منتشر شد. از آن پس تا سال ۱۳۷۳ یعنی موعد بازنشستگی در بخش انتشارات کانون با سِمت ویراستار فعالیت می‌کرد، اما کار نوشتن داستان‌هایِ کودکان را به جز کتاب یادشده تا سال ۱۳۶۴ که کتاب «هفت روز هفته دارم» دیگر ادامه نداد. این کتاب البته غیرداستان بود. در سال ۱۳۶۸ او داستان‌های «تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری» و «نوشتم باران، باران بارید» را منتشر کرد. از سال ۱۳۶۹ با همکاری نادر ابراهیمی مجموعه کتاب‌هایی را به نگارش و انتشار درآورد که کار او را در این گستره تثبیت کرد. او را با روحیه کودکانه‌اش به یاد می‌آورند که دنیای بچه‌ها رو خوب می‌شناخت؛ پیرمرد ۱۵ ساله‌ای می‌خواندند که روحیه و دنیای خاص خود را داشت. نویسنده و شاعری پرکار که به قول خودش هر سال یک کتاب شعر چاپ کرده و یک سال بی‌کار نبوده است. او می‌گفت: «اهل هیچ‌چیز نیستم و از صبح که بیدار می‌شوم تا شب باید کاری انجام بدهم.»

احمدرضا احمدی در سال ۱۳۸۸ نامزد دریافت جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن شد. احمدی در سال‌های اخیر به نقاشی نیز رو آورده بود؛ او گفته بود خلق و سپس نمایش این آثار آبرنگی که شاید با انتقاداتی هم روبه‌رو شد، نه از تفنن بوده و نه از سر دل خوشی! بلکه در روزهای انهدام روحی او خلق شده بود. سقف آسمانش پایین آمده بود و نفسش به تنگی می‌رفت؛ همین راه او را به سمت آتلیه دوستش که مملو از نشاط جوانی بود باز کرد. احمدی جان دوباره گرفت و خودش را دوباره به یاد آورد.

شایعه‌های آن سوی دوربین

خواندن این متن فقط برای ارضای کنجکاوی‌های شماست و هیچ ارزش عملی ندارد

● در سال ۱۳۷۸ قرار بود در فیلم ملتهب قرمز ساخته فریدون جیرانی که دو سال پس از دوم خرداد و کاهش برخی از سختگیری‌ها در مورد زنان بازیگر ساخته می‌شد امین حیایی در مقابل هدیه تهرانی ظاهر شود. اما یک اتفاق تلخ در زندگی خانوادگی امین حیایی موجب می‌شود که او فیلم را ترک کند و تلاش جیرانی برای یافتن جانشین به محمدرضا فروتن ختم شود. مشکل از اینجا تشدید می‌شود که ارتباط هدیه تهرانی که چندروزی با امین حیایی تمرین کرده بود و اعتقاد داشت تولید را باید برای بازگشت حیایی متوقف کرد با فروتن که تازه در ابتدای راه شهرت قرار داشت چندان حسنه پیش نرفت و این دو بازیگر در جوی خصمانه در مقابل یکدیگر ظاهر شدند. و خب استثنائا با مضمون فیلم هم هماهنگ بود چرا که در فیلم محمدرضا فروتن(که سابقه بازی در فیلم مرسدس کیمیایی را فقط داشته) در نقش ناصر ملک قرار بود به عنوان یک شوهر بدبین و متعصب و پارانویید همسر خود را با معاونت خواهر خود شکنجه بدهد. هدیه تهرانی برای این فیلم به شکلی غیر مترقبه برنده سیمرغ بلورین شد.

● در سال ۱۳۸۷ اصغر فرهادی به دنبال بازیگری برای ایفای نقش اول فیلم درباره الی می‌گشت. تست‌های مختلف روی بازیگرانی متنوع با شکست روبه‌رو شد. نیکی کریمی که در آن دوران، مقطع اوج شهرت را گذرانده بود، برای تست دعوت می‌شود و در عین ناامیدی با چنان ظرافتی از پس تست نقش بر می‌آید که فرهادی بلافاصله می‌خواهد با او قرارداد ببندد. نیکی ۴۸ ساعت فرصت می‌خواهد و بعد به بهانه داشتن قرارداد برای ایفای نقش در فیلم تجاری دو خواهر از بازی در نقش سپیده درباره الی سر باز می‌زند. کاری که می‌گویند هنوز هم فرهادی فلسفه آن را در نیافته است. این نقش در نهایت به گلشیفته فراهانی می‌رسد.

● در سال ۱۳۹۳ مانی حقیقی به دنبال بازیگری بسیار جوان و کمتر دیده شده برای بازی در کمدی تماشاگر پسندش یعنی ۵۰ کیلو آلبالو می‌گردد. بازیگران جوان متعددی تست می‌شوند و در نهایت به دو اسم نهایی می‌رسد: دیبا زاهدی و هستی مهدوی. انتخاب هر کدام می‌توانست سرنوشت آنها در بازار سینما به عنوان بازیگران فیلم‌های پرفروش را بالکل تغییر دهد. در نهایت هستی مهدوی انتخاب می‌شود و دیبا زاهدی وارد دوره‌ای از کم کاری می‌شود که تا به امروز نیز ادامه داشته و هستی مهدوی به پشتوانه فروش خارق‌العاده ۵۰ کیلو آلبالو وارد یک دوره پربار فعالیت حرفه‌ای می‌شود.

● این روایت را نیز داشته باشید که برای فیلم متولد ماه مهر، احمدرضا درویش از نیکی کریمی دعوت به کار کرد تا نقش اول را ایفا کند. اما مشهور است که کریمی این نقش را قبول نمی‌کند و این موضوع برای کارگردان گران در می‌آید. میترا حجار این نقش را بازی می‌کند و خب درخشان هم ظاهر می‌شود. این روایت بدبینانه می‌گوید که دریغ کردن سیمرغ بلورین از نیکی کریمی برای بازی حیرت انگیزش در فیلم دو زن و اعطای آن به هدیه تهرانی به خاطر اعمال نظر درویش در هیات داوران آن دوره جشنواره فجر بوده است.

● می‌گویند لیلا حاتمی دو سه شاه نقش بزرگ سینمای ایران را به خاطر بارداری دو فرزند خود در سال‌های مختلف از دست داده است. لیلا حاتمی تنها ستاره مهم سینمای ایران بوده است که در اوج دوران کاری‌اش بچه‌دار شده است. دیگر ستاره‌ها یا ازدواج نکرده‌اند یا ازدواج کرده و طلاق گرفته‌اند و یا ازدواج کرده‌اند و بچه‌دار نشده‌اند. یکی دیگر از استثنائات مهم مطمئنا ویشکا آسایش است که او هم در دوران مهم فعالیتش باردار شد و زندگی زناشویی خود را نیز هرگز خدشه دار نکرده است .این را هم بدانید هنوز خانم لیلا حاتمی با ۵۲ سال سن بالاترین رقم دستمزد بین بازیگران زن سینمای ایران را دریافت می‌کند.

● در دوران سختگیری‌های سنگین وزارت ارشاد که عموما همزمان با حضور آقای خاکبازان به عنوان معاونت نظارت و ارزشیابی سینمای ایران بوده است چند ستاره ایرانی دچار محرومیت‌های دوره‌ای شده‌اند. ماهایا پتروسیان که با پرده آخر گل کرد و با درخشش در هنرپیشه و ناصرالدین شاه آکتور سینما و دیگه چه خبر به یک ستاره بزرگ تبدیل شده بود و عکسش مدام روی جلد هفته نامه‌ها و مجلات جدول وسرگرمی‌ظاهر می‌شد ناگهان با دستور ارشاد مدتی از فعالیت سینمایی محروم شد و عملا وقفه‌ای در کارنامه او ایجاد شد تا از افزایش محبوبیتش جلوگیری شود . در همین دوران افسانه بایگان پس از درخشش در دو فیلم با یک بلیت با سختگیری‌های وزارت ارشاد روبه‌رو شده بود که چهره او را موجب جلب توجه تشخیص می‌دادند. این داستان به نوعی برای نیکی کریمی‌هم تکرار شد و با شکایت همسرسابقش (خانم کریمی‌فقط چند ماه زندگی مشترک داشتند) مجبور شد بازی در فیلم چهره ساخته سیروس الوند را رد کند و نقش به عاطفه رضوی می‌رسد .

● روایت است که آیدا پناهنده در فیلم تی تی در ابتدای فیلمبرداری به اندازه کافی به الناز شاکردوست اعتماد نداشته است اما به تدریج به شیوه بازی متفاوت خانم شاکردوست علاقمند شده است ...

● می‌گویند که هدیه تهرانی که با فیلم سلطان در سینمای ایران چهره شد، در اختلاف نظری که بین کیمیایی و دستیارش سامان مقدم پیش می‌آید به شکلی ناگهانی در گروه طرفداران دستیار جوان قرار می‌گیرد و با دستمزدی نزدیک به هیچ در اولین فیلم سامان مقدم یعنی سیاوش بازی می‌کند . اما این اختلاف نظر با کیمیایی و هواداری علنی از مقدم که در جریان یک نمایش خصوصی فیلم برای مشترکین مجله گزارش فیلم شکل می‌گیرد موجب می‌شود که دیگر هیچ‌وقت کیمیایی پیشنهاد بازی در فیلم‌هایش را به خانم تهرانی ارائه نکند.

● کاظم راست گفتار یکی از کمدی سازهای موفق سینمای ایران به خاطر تنش با طراح لباس یکی از فیلم‌هایش که همسر یکی از چهره‌های متنفذ سینمای ایران بود مدت‌ها از جریان اصلی سینمای ایران فاصله گرفته بود.

و این فوتبال خسته کننده!

شهنام صفاجو | به عنوان یک نویسنده فوتبال که از اواخر دهه ۶۰ به این حرفه مشغولم و همه این سال‌ها بازی‌های زیادی را دیدم، یورو ۲۰۲۴ برای من خیلی خسته‌کننده و عذاب‌آور بود و کشش دیدن ۹۰دقیقه رقابتی که اغلب بازیکنان آن هم خسته و کم‌رمق بودند را نداشتم. آمارها نشان می‌دهد که چقدر کیفیت این جام ملت‌ها، ضعیف و کم‌اثر بود و بهترین تیم‌های اروپایی نظیر ایتالیا، آلمان، انگلیس و فرانسه فاصله زیادی با حافظه کوتاه‌مدت ما داشتند. این مسئله مهمی است که چند بار درباره آن نوشته‌ام و به اهمیت ایده سوپرلیگ فلورنتینو پرز اشاره کرده‌ام که به قول رئیس، نجات‌دهنده فوتبال امروز است.

خستگی

از مهمترین عوامل سطح پایین رقابت‌های یورو ۲۰۲۴ خستگی بازیکنان از مسابقات لیگ باشگاهی و اروپایی است. انجام ۶۰بازی در سال برای یک فوتبالیست، چیزی در حد امر محال است که برخی بازیکنان به اجبار در این دور قرار می‌گیرند و با کمترین انرژی به تورنمنت‌های تابستانی می‌رسند تا در اوج گرما، در زمین راه بروند و شاید در انتظار حذف زودهنگام تیم خود باشند تا کمی خستگی در کنند.

نمونه‌های این مورد زیاد است و قصد ندارم با آن برخورد مصداقی کنم؛ فقط همین را بپذیرید که برخی بازیکنان آرزو می‌کنند زودتر حذف شوند تا تعطیلات بیشتری داشته باشند. واژه «خستگی» نقطه‌عطف مسابقات امسال بود و بلینگام، رونالدو، امباپه، گریزمان، بارلا، ژیرو، کیه‌زا، فرناندز، دی‌لورنزو، پلگرینی و خیلی‌های دیگر، مظهر این واژه در دل بازی‌های اروپایی بودند.

کیفیت

ویژگی ایده سوپرلیگ، انجام بازی‌های باکیفیت در رویارویی تیم‌های درجه یک اروپایی با یکدیگر است که هم رقابت جذابی را به نمایش می‌گذارند؛ هم از آن خستگی مفرط که ناشی از انبوه بازی‌های معمولی و بی‌کیفیت است، خلاص می‌شوند. شما فرض کنید ۱۶ تیم طی یک فصل، ۳۰بازی تماشاگرپسند برگزار می‌کنند که ضمن درآمد بالای بلیت‌فروشی و حق پخش، اسپانسرهای قدری را نیز همراه خود می‌کنند و در فیفا-دی هم با آمادگی کامل، به بازی‌های ملی می‌رسند. تحت این شرایط، دیگر رقابت‌های بی‌اهمیتی مثل لیگ ملت‌های اروپا در ۳ رده، لیگ کنفرانس و حتی لیگ اروپا و جام‌های فرعی داخلی مثل حذفی و اتحادیه و... برگزار نخواهد شد تا بازیکنان نفسی چاق کنند و در هر بازی با تمام توان به میدان بیایند.

پول

ایده سوپرلیگ اهمیت زیادی برای ارتقای کیفیت فنی فوتبال و حفظ آمادگی جسمی بازیکنان دارد، اما مانع بزرگ تنها در یک کلمه خلاصه می‌شود: پول! بله درست است، همیشه در بطن یک برنامه درست، پای پول در میان است تا مانع اجرای آن شود. یوفا و فیفا دو ابرقدرت پوشالی فوتبالی که در اوج فساد و تباهی هستند، با تمام توان مقابل سوپرلیگ موضع گرفته و رقابت‌های سطح پایینی را طراحی و اجرا می‌کنند تا از درآمدهای اسپانسری خود محروم نشده و رای تیم‌ها و کشورهای ضعیف در فوتبال را برای ادامه حضور روی صندلی ریاست همراه خود کنند. پس بی‌دلیل نیست که اینفانتینو ناگهان تعداد تیم‌های جام‌جهانی را ۴۸تیم می‌کند؛ در حالی که مثلا در جام‌جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین، تنها ۱۶تیم حضور داشتند و از آسیا و اقیانوسیه، فقط ۱ تیم صعود کرده بود که ایرانِ حشمت مهاجرانی بود. افزایش تیم‌های یورو ۲۰۲۴ هم برهمین پایه استوار است تا چفرین چند سال بیشتر حکومت کند و پول درآورد.

نفت

توجه سردمداران فوتبال به کشورهای نفتی حوزه خلیج‌فارس هم ناشی از همین قدرت پول است که باعث می‌شود جام جهانی قطر در فصل زمستان برگزار شود؛ اتفاقی که باعث شد بسیاری از بازیکنان و تیم‌های باشگاهی و ملی ضربه بخورند تا آقای اینفانتینو ژست بگیرد و مصاحبه کند که قطر، بهترین جام‌جهانی تاریخ بوده! خیر جناب رئیس؛ اینطور نیست و بدیهی است که این تصمیم در زمره بدترین‌ها قرار می‌گیرد. بازی‌هایی که اساس آن کسب درآمد بیشتر و رای حوزه ریاست بود و هیچ پیامد مثبتی برای فوتبال نداشت. حال قرار است طی چند فصل، برخی بازی‌های مهم به این جغرافیا کشیده شوند تا سال ۲۰۳۰ فرارسیده و شاهد یک جام جهانی زمستانی دیگر در صحرای نفتی سعودی باشیم.

قضاوت

درباره دو داور ضعیف یورو ۲۰۲۴ قبلا نوشته بودم که دنی ماکلی همان دور مقدماتی اوت شد و آنتونی تیلور هم پس از رسوایی شوت موسیالا و پنالتی کوکوریا عذرش خواسته شد؛ صحنه‌ای که اگر ۱۰هزار بار هم ببینیم، با قاطعیت می‌گوییم پنالتی است؛ اما افراد و نهادهای حاکمیتی داوری یوفا مثل آقای روبرتو روزتی شروع به موجه‌سازی سوت انگلیسی روی این هند پنالتی کردند تا دوستداران فوتبال به‌ویژه ژرمن‌ها را به‌زعم خود قانع کنند که برپایه قوانین جدید این صحنه پنالتی نبوده است؛ اما واضح است که آلمان با رای نادرست تیلور و ترس کیوسک‌نشینان وار در عدم‌دخالت روی این صحنه، از دور جام ملت‌های اروپا خارج شد.

خداحافظی

جدا از تحلیل سیستمی فوتبال و مدیریت بر آن، به نظر می‌رسد یورو ۲۰۲۴ یک پیام آشکار برای بازیکنان سن و سال‌دار داشت. بله آقای رونالدو! از شما به‌خاطر این همه سال درخشش و گلزنی سپاسگزاریم. شما در خاطره ما باقی خواهی ماند؛ اما زمان خداحافظی فرارسیده و به نظر می‌رسد پرتغال بدون حضور شما و آن توپ‌هایی که از دست می‌دهی، پتانسیل بیشتری برای موفقیت و صعود تا مراحل پایانی جام‌های مهم دارد. آقای شماره ۷ ابدی! در فوتبالی که روی خاک و چمن کشورهای دموکراتیک برگزار می‌شود، بهتر است به همین رکوردها بسنده کنی و فرصت را به جوان‌ترها بدهی؛ هرچند طرفداران چند صد میلیونی داری که خیلی دوستت دارند، اما با دیدن این بازی‌ها بیشتر از تو ناراحت و افسرده می‌شوند و سر در گریبان فرو می‌برند؛ حتی اگر اشک میانه میدان فوتبال در چشمان آنها حلقه نزند.

نوستالژی به روایت اول شخص

دکتر فرهاد از خوانندگان هفت صبح است که قرار است هر پنجشنبه برایمان نوستالژی‌های قدیم را مرور کند. اولین قسمت یادداشتش به دهه نود می‌پردازد و این اعتقاد که دهه نود دهه‌ای تکرار نشدنی در صنعت سرگرمی خواهد بود.

۱ سینمای آمریکا در تولید شمایل‌های مردانه دیگر به شکست قطعی تن داده است. زمانی چهره‌هایی مثل تام هنکس و جورج کلونی و کوین کاستنر و هریسون فورد و براد پیت و لئوناردو دی کاپریو به نوعی بازنمایی شمایل‌های کلاسیک هالیوود یعنی جیمز استوارت و کری گرانت و گری کوپر و هنری فاندا و پل نیومن و رابرت ردفورد در نظر می‌گرفتند. همه این ستاره‌ها وارد دوران میانسالی و حتی کهولت شده‌اند و جانشینان آنها چندان از هنر بازیگری برخوردار نیستند. هنری کویل و یا تام هاردی و تامی هادلستون و جیک جیلنهال و کریس پاین و کریس پرت و کریس اوانز هیچ کدام نمی‌توانند با جاذبه کاریزماتیک ستاره‌های پیشین هماوردی کنند. امیدمان به هوش مصنوعی باشد که قرار است دوباره ستاره‌های قدیم را به عرصه سینما باز گرداند.

۲ در همین سی سال پیش در دهه نود سینما به چه شکوهی دست یافته بود. فکر کنید در یک دوره ده‌ساله شما سکوت بره‌ها و هفت و هیت و فارگو و پالپ فیکشن و رهایی شائوشنک و ماتریکس و بتمن‌های تیم برتون و مظنونین همیشگی و فایت کلاب و تلما و لوییز و نجات سرباز رایان و فهرست شیندلر و نابخشوده و رفقای خوب و دراکولای برام استوکر و روز گراندهاگ و لبوفسکی بزرگ و محرمانه لس آنجلس را به شکل مستمر می‌توانستید بر پرده سینماها ببینید. چه نسل خوشبختی بودند. همزمان می‌توانستید شاهد بلوغ یکی از بهترین نسل‌های فوتبال جهان باشید. نسلی که از ابتدای دهه نود پروبال گرفت و تا همین چند سال اخیر ما را از زیبایی سیراب کردند. روبرتو باجو و مارکو فان باستن و لوتار ماتئوس و زیدان و توتی و مالدینی و رونالدو نازاریو و ریوالدو و رونالدینیو و وه آ و الیور کان و افن برگ و اسکولز و جرارد و بکهام و برگ کمپ و آنری و....

۳ همین داستان در موسیقی پاپ هم وجود دارد. کلی سلطان و ملکه موسیقی پاپ در همین دهه به اوج شکوفایی رسیدند که اسم بردن از آنها کار مفیدی نیست! حتی در صنعت مد و فشن هم چهره‌هایی حاضر بودند که مقایسه آنها مثلا با خواهران حدید و یا خواهران جنر فقط ذهن زیبا پرست شما را دچار خسران و افسوسی بی‌پایان می‌سازد.

۴ می‌خواهم بحث را به صنعت خودرو هم بکشانم. پورشه و ب ام و و مرسدس بنز به عنوان سردمداران صنعت خودرو در اروپا به چنان سقفی در زیبایی و طراحی و راحتی می‌رسند که همتایی در سال‌های اخیر ندارند.

دهه نود میلادی هرچند جنگ زشت بالکان و قتل عام سربرنیتسا را در خود دارد اما یکی از کم تنش‌ترین دوران زندگی بشر در دویست سال گذشته بوده است.

نکته

پیامهای بر گزیده خوانندگان/ پنجشنبه ها/ پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

اندرفضیلت‌های ریختن آش رشته در باک اتومبیل

امیر تتلو، بابک زنجانی، جیرو بندی آب، دولت آبادی، زاکانی و شهید ابراهیم هادی

۹۳۲۲۴۴ :. آقای «فات صبح» از طرف بابک یک ماشین به ما هدیه شد به خاطر قرعه کشی حساب پس انداز. شرکت برق هم به بنگاه رعایت در کم‌مصرفی، یک ماشین به ما هدیه کرد. بعد اداره آب، یک ماشین آخرین مدل کادو فرستاد گفت «شما الگوی مصرف را درست رعایت می‌کنید» دیروز هم اداره گاز، یک ماشین باسوخت گاز داد گفت «چون مصرف را رعایت کردید» اسفند ماه پول شهرداری را پرداختیم یک ماشین هم آنها به ما تحویل دادند؛ خلاصه آنقدر به ما ماشین دادند نگو و نپرس! باور کنید الان کمد بچه‌مون دیگه جا ندارد!

داش بیا به آژانس مسافرتی باز کنیم برنیم به دل جدید! یا بـــه بنگاه اتومبیل برنیم پول در بیاریم‌ها، مجـــو کن ایرام نشه به بنگاهی، به تکیه بربری انداخته تو صندوق عقب و داره به مشتری می گه «به ابوالقبن این ماشین نون داره»!

۹۱۲۲۴۳ :. من کیانی هستم، متاسفانه امروز (یکشنبه) روزنامه «فات صبح» بدقول شما لاغر شـــده پس چرا ما همون ۱۰ هزار تومان را باید بدهیم؟

مرد حســـابی! مردم ایندیر پول می‌دن می‌رن کلینیک‌های لاغری که دو گرم از چربی پهلوهای کمر کنن، بعد ما این همه خوشگل تازه کاری کردیـــم مورد پســـندتون نیس؟ (صفحه اول روزنامه توضیـــح داده بودیم چاق و قلبی برق میره، همه چیز میره)

۹۱۲۴۰۵ :. خداحافظ زندگی‌ی پی‌یاسخ، بی‌جواب بی‌وفا، بی‌جـــــــال. دیگه جواب‌مو نده بسینم کی کیه.

بنجشنبه‌ها دو چیز یادت نره! اول لون یکی، دوم صفای کفترا!

۹۱۲۲۵۴ :. کدام اصول؟ بحران آب در شهر یار بنا بر مصلحت که نه، با سیاسی کاری، ادامه دارد. اگر به اصولی معتقد بودند، مثل دیگر کشورها، از جیره‌بندی می‌کردند. در مورد بزرین نوشته بودید. از زمان خاتمی ســـالی ۲۰ درصد گران می‌شد تا به قیمت معقول برسد. مجلس با طرح تثبیت قیمت‌ها خراب کرد تا جایی که دیدیم آنچه را که فکرش را هم نمی‌کردیم.

ما چارمون یه عنوان انسان معاصر اینه که تک به تک‌مون تبدیل به یک قطره علی پروین بشیم. قدیم‌ها جوری با ماشین بی‌نزین رانندگی می‌کرد که بچه‌هـــا می‌ـ گفتن «علی می‌نونه آش رشـــته را هم به جای بنزین، بریزه تو باک و ماشین رو به پرواز دربیاره»!

پیامک: ماهان جـــان! قربـــون گیـــس‌های نقره‌ای‌ات بـــرم من. زور رســـتم هـــم به این صداوســـیما نمی‌رســـه سی که یهور و یللی تللی می‌یاته (اخ متنفرم از این می‌باشد). به عنوان مثال، همه شـــکه‌های دنیا تـــوی همین یورو ۲۰۲۴، از نیم ساعت قبل اتفاقات داخل میدان و نشون می‌دادن (از قبیل حال و هوای تماشاگران، رختکش‌ها، ورود تیم‌ها به میدان، خواندن سرود ملی و مراسم سکه‌اندازی) بعدش این دو تا مجیدی قازان قورتکی ها اونقدر حـــرف می‌زدن و حرافی می‌کردن و تبلیغات می‌کردن که وقتی سوتیج می‌کردن تو بازی، مدتی هم از بازی گذشـــته بود. خلاصه که این کشک خاله -مونه، بخوریم پامونه، نخوریم پامونه نه‌جان!

۰۹۱۰۱۶۰ :. من پارسال اعلام کردم در مورد پرونده جناب آقای بابک زنجانی و اســـاد تتلو، آخرش خودم تصمیم می‌گیـــرم تا مثل جناب آقای شهرام جزائری... شاید از بنده حقیر بپرسید چرا از اســـاد تتلو دفاع می‌کنی؟ از نزدیکان حسن می‌گنم تفریحی جز غذا خوردن پیدا کردید ولی به ما نمی‌گید.

مرافعی که می‌بینـــه دری تقلب می‌کنی و چیزی بهت نمیگه، قطعا تو دســـتای یک مافکه بزرگ شده.

بارو ســـگ ۱۰ ماهه رو فرستاده کلاس آب- درمانی که استخوانش قوی بشه. اونوقت من بیارم بچه بودم بام شیکست بابام به دکتر می‌گفت آقا این خرج‌تو کم کنید و اینا بیشـــتر از ۲۰۰ تومنه ما الکی هزینه نکنیم. بریم تو جنگل خلاصش کنیم.

با توجه به اینکه هزینه ۴۵ دقیقه تراپی میشه ۸۰۰ هزار تومان وجه رایج مملکت، بیاین یکو با هم مهربون‌تر باشیم.

دلم می‌خواســـت به دکمـــه edit تو مغزم داشتم، می‌زدم روش، می‌گفت مطمئنی می‌خوای این خاطراتو پـــاک کنی؟ حجیـــون فلان قد گیگه‌ها، بعد می‌زدم همه‌شو پاک می‌کردم.

من نمی‌فهمم به فیلم شـــاهکار کلاســـیک ســـینمایی تهش ۴ میدین، به راننده عالی مودب کولردار ۴ میدین، به پیتزای هاب ۴ میدین. اون ۵ رو با خودت می‌خای سیری تو دل نیستی بعد مرگت؟ استفاده کن دیگه.

خوشحالی گذشـــت، ناراحتی گذشـــت، دوست داشتنم گذشـــت، دلتنگیم گذشـــت، ولی نمی‌دونم چرا این یک بیتی نمی‌گذره برای ناموس.

تراست ایشوز رو صرفا به رابطه بد بهت نمیده، دیدن روابط اطرافیانت هم ایـــن کاروبار انجام میدا!

با ایرانی هستیم بعد تموم شدن باتری کنترل یکی دو بار اونارو می‌چرخونیم یا می‌زنیم تو ســـر کنترل و یک ماه دیگه ازش استفاده می‌کنیم.

جدا من هیچ کس رو ندارم باهاش صحبت کنم کم مونده برم تو پارک بگم ســـلام با من دوست میشی.

خب خدارو شکر من خیالم از بابت اینکه یکی بیاد تو زندگیم منو فقط برای خودم بخواد راحته! چون قبلیها چیز دیگه‌ای ندارم.

خیلی خوشـــحالم که تا حـــالا کیک تولدمو نکوبیدن تو صورتم. آدمهای درســـتی و انتخاب کردم.

جدیدا خیلی آدم «اولش کن ســـلامت روانم مهمتره» ای شدم.

اگر کســـی امروز پول نداشـــت، ممکنه فردا داشته باشه ولی اگر کســـی امروز شرف نداشت مطمئن باش فردا هم نداره.

فکت:

بابام‌ها زیاد خونه بمونن، همیشه به شر و دعایی درست میشه.

یه بار دیدم بابام تو سرما خوردگی مامانمو کشـــید کنار با جدیدت گفـــت «مواظب بچه‌ها باش.»

اونی که با ۳۰ درصد شارژ گوشی خونه‌رو ترک می‌کنه هیـــچ بالا پایینی تـــو زندگی نمی‌تونه تکون بده.

یه بار بـــســـکه گرفته بـــودم بند نمی‌اومد، مامانم تو اینترنـــت ســـرچ کرد دیـــد راه درمانش ترســـونده؛ فداش بشم، رفت ســـر شـــلوارم دادز زد چیه؟

به جوری جفت کردم که ســـکسهام بند اومد هیچ، شب اداری هم گرفتم.

من اینطوریم که یخوام دلیل ناراحتیامو بگم بیشـــتر ناراحت میشم.

خســـته شدم از دویدن و نرسیدن به چیزایی که همه به صورت پیش‌فرض دارنش.

رفتم رستوران بعد یه ربع یکی اومد گفت منو می‌خواید؟

گفتم تورو؟ نه ممنون.

یه متنی خودم از دختـــر نزار قبالی در مورد پدرش:

«تو گند زدی به زندگی من!! هـــر مردی اومد تو مسیرم، با تو مقایســـه‌ش کردم و (سقط من عینی)، از چشمم افتاد»

خواب عزیز متاسفم که وقتی بچه بودم ازت بدم می‌اومد.

می‌خوام بدونی که الان عمیقا عاشقتم!

مردا قدیما می‌رفتن جنگ.

الان قهر می‌کنن تازه چنم دوطرفه پاک می‌کنن.

آدم یـــه روز صبح از خواب بیدار می‌شـــه، تو اینه نگاه می‌کنه می‌بینه دیگه برقی نمونده توی چشمهاش.

یک انسان کوچک بیش نیستی، اما قیافتو اقیانوس اندوه درونت جاجا می‌شود.

بعد این همه ســـال هنوز باورم نمیشـــه باید تابستون‌ها هم کار کرد. تابستون مگه فقط برای کلاس سفالگری، رفتن و کتاب خوندن و همسایه چهنمی و سیمز بازی کردن نبود؟

از خونه فقط باید برای خوابیدن استفاده بشه، حتی خونه واسه سلامت روان خوب نیست.

به مامانم گفتم می‌گه که، تو سن من دو حالت داره، مردم یا ازدواج می‌کنن یا مهاجرت.

پرسید: تو چی؟

-من؟ تنها روی سه‌پایه، نشـــتم‌ام تو ساید.

زمان ما رانندہ تاکسیا نقد گرفتن‌رو نمی‌زدن، دســـتگیره شیشه ماشـــینم برمی‌داشتن تنوینم شیشه‌رو بالا پایین کنیم.

نمیشه به جای اینکه نور از میان زخم‌هامان وارد شود، چربی از میان آن‌ها خارج گردد؟

این موضوع که «اســـتخر تـــوپ» فقط برای بچه‌هاســـت و من رو وون جزاء نمـــی‌دن اینقدر ناراحتم می‌کنه که ممکنه بعد از فارغ‌التحصیلی یک اســـتخر توپ بـــرای بزرگســـالان (=خودم) راه‌اندازی کنم.

از مترو فردوســـی که میای بیرون اینقدر میان ســـمتت میگن دلار دلار که دوست داری خودتو ریال یکی کنی.

از دندانپزشـــکی که بابت خرابی دندون‌ها به آدم شرم میدن حالم بهم می‌خوره.

مامانم هنوزم میگه که سال ۹۶ در قایلمه‌م رو تو خوابگاه گم کردی.

دختر بودن و ادایی بازیشو واقعا نمـــی‌دن دارما ولی واقعا خیلی گرون درمیآد دیگه نمی‌تونمش. خاله میالان نذارید؟ من واقعا احتیاج دارم بچه‌هام بذارنم خونه خاله میالان.

با منی که رفتم فلک موبایلمو دولایه کردم که همینوا از دست ندم حرف از گوشی‌های جدید نزن.

صداوســـیما به‌مون آموزش می‌ده. بابا جا پیام بازرگانی باید باعث تاخیر شـــروع برنامه بشه؟ این کار زشـــته، می‌فهمی آقای رســـانه ملی؟ زشـــــت. (مادربزرگ شما: الهالبین کرمبیان از گرگان)

پیامک: ۰۹۱۴۴۹۳ :. رئیس جمهـــور ۸۵میلیون ایرانی مشخص شد. ۳۱ میلیون نفر به چند دلیل رای ندادند. یک رپرتاژ از رئیس ســـتاد انتخابی تهیه و روش‌سازی کنید که ایشان کیســـتند و چطوری در مورد مشارکت ایشان هشـــتاد پل دارد یا که چی؟

پیامک: تقصیـــره طفاه! (تو شـــبایی معمولا طاقت‌شون طاق می‌شه!)

۰۹۱۲۵۸۶ :. مگه شما «فات صبح» نیســـتین؟ ممنوعیت تبلیغات از ۸ صبح رو فبل انتخابات اعمال می‌شد. پس می‌تونستین روز پنجشـــنبه هم خبرهای انتخاباتی کار کنید.

پیامک: نه دیگه، اونقدر پـــول درآوردیم تو این یه هفته که واسه نوه نتیجه‌مامونیه کفایت می‌کنه! پنجشـــنبه‌رو اسرافت دادیم!

۰۹۲۱۱۶۲ :. بـــا درود و احـــترام خدمت گروه «فات‌صبح». می‌خواســـم چند جمله‌ای درباره اصولگرایان تندرو که شکست سنگین خوردن بگم که ایشان به هطرفیکی متوســـل شدن که بتوانند رقیب خودشـــون رو شکست بدن، اون‌ها از طریـــق تخریب کردن، دادن ســـتنه‌های غذایی و اقلام اساسی به روســـتایان و عده‌ای از قشر ضعیف جامعه. حتی با پشتیبانی زاکانی و قالیباف. قطعی برق هم مثلی معلن اجرایی‌ش منصوری. رادیو و تلویزیون که دربســـت در اختیار دولت ســـایه بود و روزنامه‌های مثل کیهان و جوان و حتی خبرگزاری تســـنیم و فارس هم دروغ می‌گن!

۰۹۱۲۷۶۰ :. اقـــا درود. در صفحـــه ۱۶ بخش قالب‌ها، عملکرد شـــهید ابراهیـــم هادی چقدر شبیه جواندمردی زنده‌یاد تختی عزیز می‌باشد. با کشتی گیر ترکیه‌ای شهید هادی به خاطر شادی دل مادر حریف، کشتی را واگذار می‌کند. عرضم اینه که چه کسانی را داشتیم از جنس جوانمردان پهلوان و اکنون چه کســـانی را داریم بر از ریا و تزویر. خدا به داد جوانان ما برسد! عجب روز گار وارونه و وارونه‌ای داریم. اسالم آرزومت. (افرار)

۰۹۱۲۵۸۶ :. مردم نوشـــته مصطفی آرانی در بنجشنبه: نبی تمام انتخابات ایران تا سال ۸۵ بازنده سال تمام بوده. البته یک سال ۱۶ شد و دوباره برگشت به ۱۵.

پیامک: حلالا دعوافتد بعد یه ســـاله؟

۰۹۱۱۷۵۱ :. جـــای تعجب بود. چـــرا توی این مملکت هر مراســـمی با تاخیر شروع می‌شه؟! بعد از ۷۸ ســـال عمر فهمیدم این عادت زشت‌رو بود تو خوابم، اونقد ضربـــه وارد کرد که صدای وقوع صاحب می‌دادم!

۰۹۱۴۴۹۳ :. رئیس جمهـــور ۸۵میلیون ایرانی مشخص شد. ۳۱ میلیون نفر به چند دلیل رای ندادند. یک رپرتاژ از رئیس ســـتاد انتخابی تهیه و روش‌سازی کنید که ایشان کیســـتند و چطوری در مورد مشارکت ایشان هشـــتاد پل دارد یا که چی؟!

پیامک: تقصیـــره طفاه! (تو شـــبایی معمولا طاقت‌شون طاق می‌شه!)

۰۹۱۲۲۲۲۰ :. روزنامه امروز (یکشنبه) همدان دو صفحه‌اش کم بود، من چند تا کیوسک سر زدم همه‌شون دو برگ بیشتر دســـتشون نرسیده بود، با تشکر از آقای خوشخو و همکاران (.ارادتمند، هاتف)

پیامک: ای بابـــا دیگه چرا اینقد تشـــکر و ســـپاس صدیار گفتم وظیفه است (مگه توضیح داخل روزنامه‌رو درباره بی‌رقبی نخوندی؟ به روز بودی نداریم. یه روز آب و یه روز قیر و یه روز پول!)

۰۹۰۴۳۸۸ :. در پاســـخ به دوســـتی که هفته پیش شـــما را متهم به جانبداری از کاندیدای خاصی کرده بود باید گفت: لطفا به صداوســـیما و شهرداری اعتراض کنید که همه کاری کردند اصلح از تو صندوق رای بیرون بیاد و باز هم نشد. باتشکر.

پیامک: البـــت ایـــن صندوق‌هـــا هم باس اونقدر گنده باشن که اصلح بتونه به توش و از توش دربیاد!

۰۹۳۳۳۸۰ :. مـــن به دلایل شـــخصی و ریتم و منطق شـــخصیتی، هیچگاه به دنبال کار مورد نظرم نمی‌رفتم. چون این کار مورد نظرم هســـت که باید به دنبال من بیاید.

۲۰۰۰ دمت گرم، واقعا کارو شانس و پول و عشق و ریاســـت جمهوری، باس خودشون دنبال آدم بیان و خر آدمو بگیـــرن. چیه فکر اینادیم دنبال‌شون قس‌قس!

۰۹۱۲۷۱۰ :. همیشـــه‌ی بازنشســـتگان فقط گروه شـــغلی خاص قبلی حرفـــه‌ای کاربردی الکترونیکی و رسته صنفی، افزایش عایل دارند. در حدود شش ۹۰ درصد. (رمانی)

۰۹۱۹۸۵۳ :. مراقب زیـــادی منطقی بودن تان باشید. در سرزمین دیوانگان، آدم سالم را بادشاه نمی‌کنند. دار می‌زنند. هشیار باش!

پیامک: اخه چه چیزی هشیار باشم؟ من ایدال ماتم گز می‌شم و مژ می‌شم (چون کشتی بی‌لنگر!)

پیامک: دور چـــشـــم اونقدرام مهم نیست، بگو چی بمالم سیاهی بخشم‌برد.

پیامک: خود دوش گرفتن ۱۰ دقیقه طول می‌کشه، باقی‌ش رو نمی‌خوام، اون زیر موندم چون که اونجا نباشم کجا باشم؟

پیامک: دختـــرا علاوه بـــر اینکه لباس نـــدارن، برای همینایی‌ام که دارن کمد کافی ندارن.

پیامک: به چیزایی هـــست که بچه‌بودن اطلاع قبلی نمومم میشن، مثل صبر آدمها.

پیامک: من در تعجبم این دندون‌ها بعد از مرگ، بعد از ۳۰۰ســـال زیر خاک باز شم سالم می‌مونه، ولی داخل دهان ما که هســـتش هر روز داره می‌خراب و خرابتر میشه.

پیامک: چرا ماشین لباســـوی همیشه در مورد تایم شســـتن‌شو دروغ میگه؟

پیامک: خب اگه تایم بیشـــتری نیاز داری بهمون بگو.

پیامک: چه‌چیزی این همه آدم لاغر و خوش هیکلن؟

پیامک: حســـن می‌گم تفریحی جز غذا خوردن پیدا کردید ولی به ما نمی‌گید.

پیامک: مرافعی که می‌بینـــه دری تقلب می‌کنی و چیزی بهت نمیگه، قطعا تو دســـتای یک مافکه بزرگ شده.

پیامک: بارو ســـگ ۱۰ ماهه رو فرستاده کلاس آب- درمانی که استخوانش قوی بشه. اونوقت من بیارم بچه بودم بام شیکست بابام به دکتر می‌گفت آقا این خرج‌تو کم کنید و اینا بیشـــتر از ۲۰۰ تومنه ما الکی هزینه نکنیم. بریم تو جنگل خلاصش کنیم.

پیامک: با توجه به اینکه هزینه ۴۵ دقیقه تراپی میشه ۸۰۰ هزار تومان وجه رایج مملکت، بیاین یکو با هم مهربون‌تر باشیم.

پیامک: دلم می‌خواســـت به دکمـــه edit تو مغزم داشتم، می‌زدم روش، می‌گفت مطمئنی می‌خوای این خاطراتو پـــاک کنی؟ حجیـــون فلان قد گیگه‌ها، بعد می‌زدم همه‌شو پاک می‌کردم.

پیامک: من نمی‌فهمم به فیلم شـــاهکار کلاســـیک ســـینمایی تهش ۴ میدین، به راننده عالی مودب کولردار ۴ میدین، به پیتزای هاب ۴ میدین. اون ۵ رو با خودت می‌خای سیری تو دل نیستی بعد مرگت؟ استفاده کن دیگه.

پیامک: خوشحالی گذشـــت، ناراحتی گذشـــت، دوست داشتنم گذشـــت، دلتنگیم گذشـــت، ولی نمی‌دونم چرا این یک بیتی نمی‌گذره برای ناموس.

پیامک: تراست ایشوز رو صرفا به رابطه بد بهت نمیده، دیدن روابط اطرافیانت هم ایـــن کاروبار انجام میدا!

پیامک: با ایرانی هستیم بعد تموم شدن باتری کنترل یکی دو بار اونارو می‌چرخونیم یا می‌زنیم تو ســـر کنترل و یک ماه دیگه ازش استفاده می‌کنیم.

پیامک: جدا من هیچ کس رو ندارم باهاش صحبت کنم کم مونده برم تو پارک بگم ســـلام با من دوست میشی.

پیامک: خب خدارو شکر من خیالم از بابت اینکه یکی بیاد تو زندگیم منو فقط برای خودم بخواد راحته! چون قبلیها چیز دیگه‌ای ندارم.

پیامک: خیلی خوشـــحالم که تا حـــالا کیک تولدمو نکوبیدن تو صورتم. آدمهای درســـتی و انتخاب کردم.

پیامک: جدیدا خیلی آدم «اولش کن ســـلامت روانم مهمتره» ای شدم.

پیامک: اگر کســـی امروز پول نداشـــت، ممکنه فردا داشته باشه ولی اگر کســـی امروز شرف نداشت مطمئن باش فردا هم نداره.

پیامک: فکت:

پیامک: بابا‌ها زیاد خونه بمونن، همیشه به شر و دعایی درست میشه.

پیامک: یه بار دیدم بابام تو سرما خوردگی مامانمو کشـــید کنار با جدیدت گفـــت «مواظب بچه‌ها باش.»

پیامک: اونی که با ۳۰ درصد شارژ گوشی خونه‌رو ترک می‌کنه هیـــچ بالا پایینی تـــو زندگی نمی‌تونه تکون بده.

پیامک: یه بار بـــســـکه گرفته بـــودم بند نمی‌اومد، مامانم تو اینترنـــت ســـرچ کرد دیـــد راه درمانش ترســـونده؛ فداش بشم، رفت ســـر شـــلوارم دادز زد چیه؟

پیامک: به جوری جفت کردم که ســـکسهام بند اومد هیچ، شب اداری هم گرفتم.

پیامک: من اینطوریم که یخوام دلیل ناراحتیامو بگم بیشـــتر ناراحت میشم.

پیامک: خســـته شدم از دویدن و نرسیدن به چیزایی که همه به صورت پیش‌فرض دارنش.

پیامک: رفتم رستوران بعد یه ربع یکی اومد گفت منو می‌خواید؟

پیامک: گفتم تورو؟ نه ممنون.

پیامک: یه متنی خودم از دختـــر نزار قبالی در مورد پدرش:

پیامک: «تو گند زدی به زندگی من!! هـــر مردی اومد تو مسیرم، با تو مقایســـه‌ش کردم و (سقط من عینی)، از چشمم افتاد»

پیامک: خواب عزیز متاسفم که وقتی بچه بودم ازت بدم می‌اومد.

پیامک: می‌خوام بدونی که الان عمیقا عاشقتم!

پیامک: مردا قدیما می‌رفتن جنگ.

پیامک: الان قهر می‌کنن تازه چنم دوطرفه پاک می‌کنن.

پیامک: آدم یـــه روز صبح از خواب بیدار می‌شـــه، تو اینه نگاه می‌کنه می‌بینه دیگه برقی نمونده توی چشمهاش.

پیامک: یک انسان کوچک بیش نیستی، اما قیافتو اقیانوس اندوه درونت جاجا می‌شود.

پیامک: بعد این همه ســـال هنوز باورم نمیشـــه باید تابستون‌ها هم کار کرد. تابستون مگه فقط برای کلاس سفالگری، رفتن و کتاب خوندن و همسایه چهنمی و سیمز بازی کردن نبود؟

پیامک: از خونه فقط باید برای خوابیدن استفاده بشه، حتی خونه واسه سلامت روان خوب نیست.

پیامک: به مامانم گفتم می‌گه که، تو سن من دو حالت داره، مردم یا ازدواج می‌کنن یا مهاجرت.

پیامک: پرسید: تو چی؟

پیامک: -من؟ تنها روی سه‌پایه، نشـــته‌ام تو ساید.

پیامک: زمان ما رانندہ تاکسیا نقد گرفتن‌رو نمی‌زدن، دســـتگیره شیشه ماشـــینم برمی‌داشتن تنوینم شیشه‌رو بالا پایین کنیم.

پیامک: نمیشه به جای اینکه نور از میان زخم‌هامان وارد شود، چربی از میان آن‌ها خارج گردد؟

پیامک: این موضوع که «اســـتخر تـــوپ» فقط برای بچه‌هاســـت و من رو وون جزاء نمـــی‌دن اینقدر ناراحتم می‌کنه که ممکنه بعد از فارغ‌التحصیلی یک اســـتخر توپ بـــرای بزرگســـالان (=خودم) راه‌اندازی کنم.

پیامک: از مترو فردوســـی که میای بیرون اینقدر میان ســـمتت میگن دلار دلار که دوست داری خودتو ریال یکی کنی.

پیامک: از دندانپزشـــکی که بابت خرابی دندون‌ها به آدم شرم میدن حالم بهم می‌خوره.

پیامک: مامانم هنوزم میگه که سال ۹۶ در قایلمه‌م رو تو خوابگاه گم کردی.

پیامک: دختر بودن و ادایی بازیشو واقعا نمـــی‌دن دارما ولی واقعا خیلی گرون درمیآد دیگه نمی‌تونمش.

پیامک: خاله میالان نذارید؟ من واقعا احتیاج دارم بچه‌هام بذارنم خونه خاله میالان.

پیامک: با منی که رفتم فلک موبایلمو دولایه کردم که همینوا از دست ندم حرف از گوشی‌های جدید نزن.

پیامک: صداوســـیما به‌مون آموزش می‌ده. بابا جا پیام بازرگانی باید باعث تاخیر شـــروع برنامه بشه؟ این کار زشـــته، می‌فهمی آقای رســـانه ملی؟ زشـــــت. (مادربزرگ شما: الهالبین کرمبیان از گرگان)

پیامک: ماهان جـــان! قربـــون گیـــس‌های نقره‌ای‌ات بـــرم من. زور رســـتم هـــم به این صداوســـیما نمی‌رســـه سی که یهور و یللی تللی می‌یاته (اخ متنفرم از این می‌باشد). به عنوان مثال، همه شـــکه‌های دنیا تـــوی همین یورو ۲۰۲۴، از نیم ساعت قبل اتفاقات داخل میدان و نشون می‌دادن (از قبیل حال و هوای تماشاگران، رختکش‌ها، ورود تیم‌ها به میدان، خواندن سرود ملی و مراسم سکه‌اندازی) بعدش این دو تا مجیدی قازان قورتکی ها اونقدر حـــرف می‌زدن و حرافی می‌کردن و تبلیغات می‌کردن که وقتی سوتیج می‌کردن تو بازی، مدتی هم از بازی گذشـــته بود. خلاصه که این کشک خاله -مونه، بخوریم پامونه، نخوریم پامونه نه‌جان!

۰۹۱۰۱۶۰ :. من پارسال اعلام کردم در مورد پرونده جناب آقای بابک زنجانی و اســـاد تتلو، آخرش خودم تصمیم می‌گیـــرم تا مثل جناب آقای شهرام جزائری... شاید از بنده حقیر بپرسید چرا از اســـاد تتلو دفاع می‌کنی؟ از نزدیکان حسن می‌گنم تفریحی جز غذا خوردن پیدا کردید ولی به ما نمی‌گید.

پیامک: مرافعی که می‌بینـــه دری تقلب می‌کنی و چیزی بهت نمیگه، قطعا تو دســـتای یک مافکه بزرگ شده.

پیامک: بارو ســـگ ۱۰ ماهه رو فرستاده کلاس آب- درمانی که استخوانش قوی بشه. اونوقت من بیارم بچه بودم بام شیکست بابام به دکتر می‌گفت آقا این خرج‌تو کم کنید و اینا بیشـــتر از ۲۰۰ تومنه ما الکی هزینه نکنیم. بریم تو جنگل خلاصش کنیم.

پیامک: با توجه به اینکه هزینه ۴۵ دقیقه تراپی میشه ۸۰۰ هزار تومان وجه رایج مملکت، بیاین یکو با هم مهربون‌تر باشیم.

پیامک: دلم می‌خواســـت به دکمـــه edit تو مغزم داشتم، می‌زدم روش، می‌گفت مطمئنی می‌خوای این خاطراتو پـــاک کنی؟ حجیـــون فلان قد گیگه‌ها، بعد می‌زدم همه‌شو پاک می‌کردم.

پیامک: من نمی‌فهمم به فیلم شـــاهکار کلاســـیک ســـینمایی تهش ۴ میدین، به راننده عالی مودب کولردار ۴ میدین، به پیتزای هاب ۴ میدین. اون ۵ رو با خودت می‌خای سیری تو دل نیستی بعد مرگت؟ استفاده کن دیگه.

پیامک: خوشحالی گذشـــت، ناراحتی گذشـــت، دوست داشتنم گذشـــت، دلتنگیم گذشـــت، ولی نمی‌دونم چرا این یک بیتی نمی‌گذره برای ناموس.

پیامک: تراست ایشوز رو صرفا به رابطه بد بهت نمیده، دیدن روابط اطرافیانت هم ایـــن کاروبار انجام میدا!

جدول و سرگرمی

جدول سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

جدول شرح در متن

جدول سرگرمی

پاسخ‌های شماره قبل

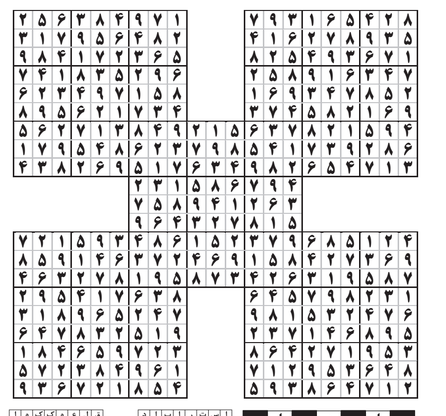

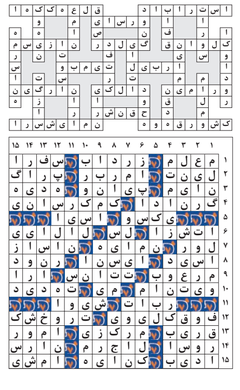

شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

قاب

ناطق نوری شب انتخابات ۷۶ چه خوابی دید که باعث شد تا با خیال راحت به خاتمی تبریک بگوید؟

مرکز اسناد انقلاب اسلامی نوشت: رقابت اصلی بین کاندیداها، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶، بین دو نفر یعنی حجت‌الاسلام ناطق نوری و حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی بود. علاوه بر این دو، سیدمحمد زواره‌ای و محمد محمدی ری‌شـــهری نیز کاندیدا بودند. خاتمی توانست با ۲۰ میلیون رأی به پاسدار ارتش و ناطق نوری هم با ۷ میلیون رأی، نفر دوم این انتخابات شد. ناطق نوری در خاطره‌ای از خوابی تعریف کرده است که شب انتخابات دیده. او در جلد دوم کتاب خاطراتش که مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسانده، اگرچه تأکید دارد که در تصمیمات سیاســـی‌اش با خواب تصمیمی نگرفته اما این خوابش را یک رویای صادقانه توصیف کرده که بدین شرح اســـت: «از نظر شخصی هیچ رغبت نداشتم که رئیس‌جمهور شوم، بلکه به‌عنوان تکلیف اعمـــه بودم. شـــب انتخابات، حال خوشی به من دست داد، حالت توسلی به من دســـت داد، وضو گرفتم و پیش از خواب از خدا هم خواستم که خدایا امشب شب سرنوشت این مملکت و نظام است، همچنین سرنوشت معنوی من و آخرتم نیز مطرح است. آنچه خیر است و به مصلحت، همان را به انجام برسان. نزدیکی‌های صبح خوابی دیدم که بسیار عجیب بود. از خواب بیدار شدم، خواب دیدم که در یک دریای وخشـــتناک در یک قایقی قرار دارم که کف ندارد، ولـــی در آب فرو نمی‌رفتم، مثل قایق کف‌دار بود و من روی آب خوابیده بودم. تنهای تنها بودم و می‌گفتم: «خدایا چطور است که من تنهایم و اینجا هیچ کس نیست، محافظ‌ها کجا هستند؟!» در همین حال که داشتم حرف می‌زدم، دسته‌م به دیوار ساحل خورد. همان جا گفتم: «عجب خدایی است که آدم را خیلی راحت نجات می‌دهد.» در این هنگام به نفر جوان آمدند و سلام کردند، من طاق‌باز خوابیده بودم، گفتند: «مادرت منتظرت است.» مادر من فوت کرده است، من این جوان‌ها را نمی‌شـــناختم و از صحبت آنها اطمینان نداشتم. پرسیدم: «شما چه کسی هستید؟» گفتند: اهل فلان روستا. از روستاهای نزدیک روستای زادگاهم هستیم، به هر حال یقین کردم که آشنا هستند، به همراه آنان حرکت کردم تا به سرگروه محافظتان خودم، آقای «داتاه» رسیدم. به ایشان گفتم: «کجا بودی و چرا من را تنها گذاشتی و هیچ کس با من نبود؟» ایشان گفت: «حاج آقا موج دریا خیلی خطرناک بود، نمی‌شد ایستاد.» جلوتر که آمدم دیدم مرحومه والده هم ایستاده و گریه می‌کند. به ایشان رسیدم و احوالپرســـی کردم و گفتم: «حاج آقا کجاییاند؟» پدر من هم ایستاده است. گفتند: «حاج آقا دارد نماز می‌خواند.» رفتم و دیدم عده‌ای به ایشان اقتدا کرده‌اند، من هم اقتدا کردم و نمازم را خواندم که یک مرتبه از خواب بیدار شدم.» «با خود گفتم این خواب باید معنا داشته باشد، البته این خواب در تصمیم من اثری نداشت. برخی معتقدند یک آدم سیاسی خواب را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، دخالت نمی‌دهد

ابراهیم افشار

طویله غریبی است دنیا

۱ دنیا طویله غریبی است. همان روزی که گرگی سخت‌جان از در ورودی‌اش وارد می‌شود پلنگی پیر از در خروجی‌اش بیرون می‌رود. این آسیا نوبت دارد. نوزادان زاده می‌شوند و پیران درمی‌گذرند. هرکسی چند روزه نوبت اوست و پهلوان زنده را عشق است. نگاه کن! اکنون دیگر هیچکس یادی از پله نمی‌کند. چون نوبت درخشیدگی یامال است. شاید چند سال بعد هم همین حس را نسبت به رونالدو و مسی و نویر و مودریچ و تونی کروس و بقیه بروبچ تمام‌شده جهان فوتبال داشته باشیم. دنیا طویله غریبی است و «جاودانگی»، اسگولانه‌ترین شعر عالم است. هیچکس به یاد ندارد که روزگاری در همین چمن‌های اساطیری جهان چهره‌هایی چون یاشین، چسترنوف روس، مازولینی آرژانتینی، بکن‌بائر آلمانی، دی‌دی برزیلی، آلبرت مجاری، دزاجیک یوگسلاو و بسیاری دیگر پا به توپ شده و چشم عالمیان را خیره کرده‌اند اما امروز اسم‌شان از خاطره‌ها گریخته است. نگاه کن. استخوان‌های چند اوزه بیو (پلنگ سیاه موزامبیک) و چند گارینشا (پرنده خوشبختی برزیل) در گورهای از یاد رفته پوسیده‌اند و خود جز در کتاب آمارها جایگاهی ندارند. دنیا طویله غریبی است. همان لحظه که ستاره‌ای چشم به جهان می‌گشاید ستاره دیگری جهان را به سادگی ترک می‌کند. مگر اکنون از نوابغی چون دی‌استفانو و سانتوز چه مانده است. اصلا چه کسی «زامورا» بزرگترین دروازه‌بان تاریخ اسپانیا را به خاطر دارد. روزگاری مفسرین معتبر دنیا درباره او می‌گفتند مادر تاریخ هرگز کسی مثل او را نخواهد زایید. مردی با صورتی به شدت استخوانی و کمربند سفید که چنان از دنیا گریخته است که گویی هرگز از ازل هم نبوده است. روزگاری مفسرین فوتبال جهان درباره پله می‌گفتند او هرگز شوت‌هایش به بالای تیر افقی دروازه نرفته است چون «خدایان شوت‌های او را هدایت می‌کنند.» آنها معتقد بودند که این شیاطین‌اند که توپ‌های سرضرب پله را زنجیر می‌کنند. اما خودش می‌گفت نه، مسبب آن، خدایان نیست. من روزی هزار بار با پای چپ و راستم شوتیده‌ام؛ چنانچه «زدن شوت‌های سرضرب توپ‌های هوایی به ارتفاع یک یا دومتر و موازی با سطح زمین، برای من در حد خوردن یک لیوان آب یا خاموش کردن چراغ، ساده بوده است.» وقتی پله ظهور کرد ملت برزیل، «رامیرو» و «دومینگو سداگیا» بهترین سانترهافبک‌های تاریخ فوتبال برزیل را از یادها بردند و هنگامی که مارادونا ظهور کرد همگان مروارید سیاه را به زباله‌دان تاریخ انداختند. کمی بعد که مسی و رنالدو به عرصه رسیدند مارادونا نیز از خاطر زندگان گریخت. دنیا طویله غریبی است که دو در دارد. دری برای مردگان و دریچه‌ای برای زندگان.

۲ دنیا طویله غریبی است. آنهایی که بازی گارینشا را دیده بودند جفت پا روی کتاب می‌رفتند که دنیا هرگز دیگر فوتبالیستی فراتر از او را به چشم نخواهد دید. بیست سال پیش اما متخصص صدور گواهی فوت، در برگه پزشکی قانونی نوشت «این جسد ۴۹ ساله بی‌صاحب، ۲۰ روز تمام پیش از مرگش را در الکل صرف غرقه بود و سه روز بود که یک مشت گندم بوداده یا کف دستی نان کپک زده در دهانش نگذاشته بود.» مردی که در مقبره‌اش واقع در پائوگرنده -روستای خفته در نزدیکی ریودوژانیرو- همیشه خدا هفت شمع به نشانه شماره هفت‌اش روشن بود. اما در قبرش هیچ نشانی از استخوان‌هایش نبود.

۳ دنیا طویله غریبی است و گارینشا مردی بود که با اینکه پای چپش از پای راستش کمی کوتاه‌تر بود و از قسمت زانو، کمی هم به داخل خمیده شده بود و همه می‌گفتند از او فوتبالیست درنمی‌آید اما او با برزیل عزیزش قهرمان دو جام‌جهانی ۱۹۵۸ و ۱۹۶۲ شد و عنوان بهترین بازیکن جام جهانی ۱۹۶۲ را به سینه‌اش چسباند. ابتدا او را پرنده کوچک خوشبختی نام گذاشتند اما طولی نکشید که عنوان «پرنده گریخته از بهشت» به خرخره‌اش چسبید. او آنقدر بچه پس انداخته بود که فقط چهارده فرزند از زن‌های مختلفش به رسمت شناخته می‌شد. هنگامی که رابطه جنجالی‌اش با یک خواننده معروف پاپ سر زبان‌ها افتاد شایعات شهرت فوتبالی‌اش را ریزیز بلعیدند و او تکیده‌تر از پیش شد. وقتی این خبر نیز در اذهان‌عمومی پیچید که او حتی مقصر سهوی مرگ فجیع مادرش -در یک سانحه رانندگی- بوده .گارینشا به مرگش نیز راضی شده بود. گوش راستی بود که تمام بک چپ‌های دنیا را به یک طریق دریبل می‌کرد. ابتدا با دست چپ، سمت راست حریف را نشان می‌داد و تمام بدنش را نیز به آن سمت متمایل می‌کرد و سپس با عوض کردن پا، از سمت چپ حریف می‌گریخت. این نکته را تمام مربیان و مدافعانی که جلوی او بازی می‌کردند می‌دانستند و چه ساعت‌ها آنالیزش می‌کردند اما در نهایت، این گارینشا بود که سربزنگاه گول‌شان می‌زد. همگی جا می‌ماندند و هیچکس حریف او نمی‌شد. بازندگانش همیشه می‌گفتند کاشکی آدمی همیشه از او دریبل بخورد. برزیلی‌ها معتقد بودند که «هر کس که یک بار - فقط یک بار - دریبل این پرنده کوچک را دیده باشد دیگر از هیچ دریبلی تعجب نخواهد کرد.» پیش از آنکه ساییدگی زانو، امان او را ببُرد، هیچ خط دفاعی در جهان نبود که در برابر دینامیت حمله او فرو نریزد.

۴ دنیا طویله غریبی است. نه تنها گارینشا که زوج او و همبازی بزرگش «هلنیو دوفرتیاس» نیز عاقبت خوشی نداشت و در تیمارستان سائوپائولو تمام کرد؛ یک مجنون شورشی و بی‌قرار که انتقام معادلات غیرانسانی حاکم بر فوتبال جهان را با بددهنی‌ها، بی‌انضباطی‌ها و لجاجت و لجام‌گسیختگی‌هایش در زمین فوتبال می‌گرفت. شاید این بزرگ‌ترین تراژدی تاریخ فوتبال برزیل است که وقتی دیوانگی‌های هلنیو بیشتر شد او را در بیمارستان روانی بستری کردند. آنجا در اتاقی تاریک و مشکی‌رنگ، مردی چنین باشکوه به تختخواب فنری‌اش زنجیر شده بود و می‌گریست. بزرگ‌ترین نابغه فوتبال تا پایان عمر در تیمارستان ماند و همانجا هم دراز به دراز افتاد و از جهان کوچید.

۵ دنیا طویله غریبی است. نه تنها پرقدرت‌ترین که حتی زیباترین ستاره‌ها نیز محکوم به فراموشی و زوال‌اند. کدامیک از مخاطبین فوتبال که امروز افسوس خداحافظی تونی کروس و رونالدو را می‌خورند زیبایی ظاهری جرج بست ایرلندی و مارینهوی برزیلی را به عنوان جذاب‌ترین و تودل‌بروترین مردان تاریخ فوتبال در یاد خود محفوظ داشته‌اند؟ اگر افسونگرترین آنها جرج بست افسانه‌ای بود پس شما مارینهو برزیلی را ندیده‌اید. یک دفاع چپی با رگه‌های سرخپوستی و هلندی که در جام‌جهانی ۱۹۷۴ بهترین بک کناری دنیا شد و آنچنان در میان برزیلی‌ها سوکسه پیدا کرد که به بتی بی‌مشابه بدل شد. دو سه سال پیش که او نیز بعد از اعتیادی وحشتناک به الکل و بی‌توجهی طولانی به جسم و جانش به دلیل خونریزی معده تمام کرد هیچکس نمی‌دانست که او بی‌شک جذاب‌ترین و زیباترین توپچی کل تاریخ بوده است. مردی زردرخسار که او را در جوانی، مارینهوی بلوند یا «بلوندو مارینهو» صدا می‌زدند و اگر می‌خواست چرخی در شهر بزند چشم‌ها از تماشای رعنایی او گرد می‌شدند؛ با آن خرمن موهای طلایی که بر شانه‌هایش سنگینی می‌کرد و آن شوت‌های قاتل و غارتگر که حتی هموطنش روبرتو کارلوس هم به پایش نرسید و با آن استایلی که خانمان بینندگان جام‌جهانی ۱۹۷۴ را بر باد داده بود. با قد و قامتی بلند و پوستی که به قهوه‌ای طلاخورده می‌زد و بی‌اعتنایی عجیبش به پدیده زیبایی که باعث افسونگری بیشترش می‌شد. فرانسیسکوی کولی، بت مردم برزیل بود. برزیلی‌ها او را مخلوطی از گارینشا و مانگا معرفی می‌کردند -گوش راست بی‌بدیل و دروازه‌بان دیرینه سال‌شان. عده‌ای نیز مارینهو را کپی جرج بست از نظر شب‌زنده‌داری معرفی می‌کردند. آن روزها که اوج خروسخوانی‌های مارینهو بود و او حتی به پیشنهادهای وسوسه‌کننده بایرن مونیخ تره هم خرد نمی‌کرد خیلی‌ها تکه می‌انداختند که شب‌های مارینهو بسیار طولانی است! مارینهو در میدان فوتبال چشم فوتبال‌شناس‌ها را خیره می‌کرد و در خیابان‌ها مردمی لاقید را که عاشق ذات زیبایی مدل وحشی او بودند. آنها می‌گفتند موهای مارینهو شبیه مردم اروپای شمالی است و دماغ خوشتراش و قلمی‌اش محصول اختلاط زیبارویان شرقی و غربی. اندامش را به زئوس تشبیه می‌کردند و آفتاب‌خوردگی پوستش را به سرخپوستان بدوی. شاعران سائوپولو برایش غزلواره‌های یونانی می‌ساختند و روانشناسان می‌گفتند این تضاد و ناباوری موجود در پیکرشناسی او، به انسان‌شناسان قومی و منطقه‌ای، دستمایه مهمی می‌دهد. انگاری به صورت مادرزاد از سالن‌های مد و زیبایی بیرون آمده بود. مرد دورگه در زمانی ظهور کرد که همه چشم‌ها به سمت افسانه‌ای سیبیلو چون ریولینو بود. اما او با آن رفت و برگشت‌هایش در روی خط افقی میدان و ضربات آزادش که گلرها را بیچاره و زبون می‌کرد، جای پای اساطیر بخت‌برگشته گذاشت. حتی وقتی که برزیل در جام‌جهانی ۱۹۷۴ به مقامی بهتر از چهارمی دست نیافت کسب عنوان «بهترین بک چپ جام جهانی» -آنهم در حضور غول‌هایی چون پل برایتنر آلمانی و رودی کرول هلندی- دل خیلی از برزیلی‌ها را سبک کرد. پشت‌بندش بود که مارینهو مردسال فوتبال کشورش شد و دیگر همه چیز برای ویرانی او کامل و پرواز معکوس آغاز شد. راه رفتن روی آسمان‌ها، بت‌ها را به دست خود ویران کرد. خرس گنده که همه از او مسئولیت ملی می‌خواستند عاشق کتاب‌های طنز و کاریکاتور کودکانه بود و دنیا را چیزی بیشتر از یک کارتون نمی‌دید. در حالی که بایرن و شالکه برایش مثل ریگ پول خرج می‌کردند او سردی آلمان را بهانه می‌کرد و می‌گفت یک ثانیه از سواحل ریو به کل سرزمین‌های سردسیر می‌ارزد. با این همه اما او خدایگان مردم ریو بود. خدایگانی که خیلی زود در آخ و تف فراوان زندگی غرق شد و از آن زئوس عالی‌جاه، هیچ چیز برجا نماند.

۶ دنیا طویله‌ای بیش نیست و نامیرایی و جاودانگی، به یک پول سیاه نمی‌ارزد. پیش از آنکه تونی کروس و مسی و رونالدو، چمن‌ها را ترک کنند بت‌هایی چون سوکراتس کفش‌ها را از دیوارهای بی‌پناهی آویخته‌اند. مردی که فیلسوف بُت عمله‌ها و کارتن‌خواب‌ها بود. اما امروز نوبت بنجامین یامال‌هاست. دنیا طویله غریبی است. یونجه‌ها را در آغل‌های آینده بریزید.

محمد طالبیان

جایی برای پیرمردها نیست

یورو ۲۰۲۴ با تمام بالا و پایین‌هایش، پایانی بود برای آخرین بازمانده‌های نسلی که فوتبال بازی می‌کردند برای فوتبال و نه برای پولی که در آن جابه‌جا می‌شود. بازیکن‌هایی که حاضر بودند برای تیم خود خون بریزند. حالا نسل، نسل بچه‌های کم سن و سالی است که فقط به یک چیز فکر می‌کنند؛ پول. این طبیعت نسل جدید است. چه فوتبالیست باشند، چه کارمندی که قرار است سر ماه حقوق بگیرد. آنها به دنبال انجام کم‌ترین کار و دریافت بیشترین پول هستند. نه درکی از ارزش‌ها دارند و نه به آن توجهی می‌کنند. نسلی که به یکدیگر شباهتی بی‌انتها دارند. فکر می‌کنند همه چیز متعلق به آنهاست و باید به هر قیمتی که شده جیب‌های خود را پر کنند. پیرمردهای امروز یورو ۲۰۲۴ که یکی یکی با جام خداحافظی کردند، نماینده نسلی از فوتبالیست‌ها بودند که نمی‌خواهند لحظه‌ای از مستطیل سبز دور بمانند. پول برای آنها اهمیت دارد اما هیچگاه اولویت نیست. امثال لوکا مودریچ و تونی کروس در فوتبال دنیا تکرار نمی‌شوند. نه به خاطر کیفیت بالا بلکه به خاطر رویکرد ذهنی که سال‌ها آنها را در بالاترین سطح فوتبال باقی نگه داشت. این دست بازیکن‌ها به گرفتن بیشترین لایک و فالوئر اهمیت نمی‌دهند. آنها فوتبالیست هستند و در کنار آن به شهرت رسیدند. امثال عثمان دمبله و رافائل لیائو، هستند برای اینکه خودشان و خانواده را به رفاه برسانند. به فردا فکر نمی‌کنند، در لحظه زندگی می‌کنند و در یک لحظه همه چیز را از دست می‌دهند. آنها رونالدو و مسی را می‌بینند و می‌خواهند که در سطح چهره‌هایی این چنینی به شهرت و پول برسند. عجیب است اما این دست بازیکن‌های فوتبال با وجود حضور در بطن ماجرا فقط نیمه‌ای از ماجرا را می‌بینند که برای دنبال‌کننده فوتبال قابل مشاهده است. آنها خون ریختن امثال رونالدو و مسی را نمی‌بینند و تنها به دنبال به ثمر رساندن چند گل و قرارگیری در فهرست بهترین‌های دنیا هستند. فهرستی که سال‌هاست اعتبار خود را از دست داده و پر شده از درخشش‌های لحظه‌ای در مقابل تیم‌هایی که هیچکس نمی‌داند اصلا وجود دارند. امثال وینیسیوس جونیور یا امباپه و هالند با این وضعیت کیفی، یک دهه پیش حتی نمی‌توانستند به توپ طلا فکر کنند اما حالا به راحتی نامزد دریافت آن هستند. برای سال‌ها چهره‌هایی همچون ژاوی، اینی‌یستا، پیرلو و باقی فوتبالیست‌های واقعی و ارزشمند، زیر سایه دوگانه رونالدو مسی ناپدید شدند. حالا اما می‌بینیم چند دریبل ساده و درست حواشی در شبکه‌های اجتماعی هر بازیکن درجه چندمی را به قله‌های فوتبال دنیا می‌رساند. امروز دیگر نسل لوکا مودریچ‌هایی نیست که شاید در زندگی شخصی یک ساعت هم برای مرتب کردن سر و صورت خود وقت نمی‌گذارد. حالا پسربچه‌ها و دختربچه‌ها پشت گوشی‌های موبایل خود تصمیم می‌گیرند که بهترین بازیکن دنیا چه کسی است. آنها چند مونتاژ از دریبل‌های بی سر و ته می‌بینند و فکر می‌کنند که رونالدو و مسی جدید را کشف کرده‌اند. زمانی تعداد گل و پاس گل به عنوان آمار شناخته می‌شد و حالا تعداد فالوئرهای اینستاگرام و توئیتر است که ارزش یک فوتبالیست را تعیین می‌کند. کیفیت مفتضحانه یورو ۲۰۲۴ را می‌توان نشات گرفته از همین پدیده خانمان‌سوز دید. برای اکثریت فوتبالیست‌های امروز دنیا و اروپا، پرچم کشور ارزشی ندارد. آنها می‌خواهند سریع‌تر آلمان را ترک کرده و به تعطیلات خود در ایبیزا و موناکو بروند. روی قایق‌های تفریحی خود عکس بگیرند و لایک جمع کنند. بعد از آن نوبت تور آمریکا و طرفداران تعطیلات آمریکایی است و نهایتا وقتش می‌رسد تا بالاخره با شروع فصل جدید، چند لگدی به توپ بزنند. شاید حال داشتند و در همان ابتدای فصل مصدوم نشوند. هیچ‌وقت به یاد نمی‌آورم در فوتبال اروپا به این اندازه با مصدومیت بازیکن‌های جوان سر و کار داشته باشیم. بله تعداد بازی‌ها زیاد شده و لیگ‌ها فشرده‌تر از همیشه برگزار می‌شوند اما باز هم نباید شاهد شرایطی باشیم که طی آن کلینیک باشگاه از رختکن آن شلوغ‌تر باشد. برای مسی، رونالدو، تونی کروس و لوکا مودریچ‌های فوتبال، زندگی به معنای رفتار و اخلاق حرفه‌ای بود، داخل یا خارج از زمین. برای جک گریلیش‌ها اما فوتبال یعنی فرصت دیده شدن. اینکه امروز چه گل سری به موهایم وصل کنم یا چه رنگ لاکی به ناخن‌هایم بزنم. فوتبال امروز، فوتبال بچه پرروهای بی‌استعداد، پرتوقع و پرحرف است. فوتبال امروز دیگر جای پیرمردها نیست.

رضا فراهانی

خودآموزِ عزت

۱ در دنیای من فوتبالیست‌هایی فضیلت دارند که وظیفه شناس و وفادار هستند. خودم بارها این موضوع را که در زمینه حرفه‌ای دنبال فضایل اخلاقی باشیم، رد کرده‌ام؛ اما ذهن دهه ۶۰ من در هر پدیده‌ای دنبال آدم خوب‌های ماجراست. این می‌شود که نه عاشق جادوی مسی است و نه دیوانه صلابت رونالدو. این می‌شود که زیدان و رونالدو اورجینال را دوست دارد اما فقط مالدینی و توتی را شایسته عاشقی کردن می‌داند. در زمین فوتبال هم نه محو تماشای نیمار است و نه امباپه؛ فوتبال وظیفه‌شناس‌هایی چون لیلیان تورام، اینیستا و مودریچ را می‌پسندد.

۲ حالا که این یورو و این کوپا، محل نمایش‌های آخرینِ چند ستاره روبه‌افول است، دلم بیش از همه، برای تونی کروس تنگ می‌شود؛ کسی که دو برابر آنچه فوتبال بازی کردن را به جهان یاد داد، معلم خوبی برای درس «چگونه عزت‌مندانه خداحافظی کنیم؟» شد. یک خودآموز برای اینکه یاد بگیریم می‌شود و باید، به موقع رفت تا همیشه در یادها ماند. کاری که خیلی‌ها نکردند و سال‌های درخشش خود را با چند ماه بازی اضافه به نکبت «حیا کن، رها کن» آلوده کردند.

از طرف دیگر مودریچ به چشمم می‌آید. ستاره بی‌نقصی که نقش اول درخشش کرواسی در جام‌های اخیر بود و حالا مانند پادشاهی که عزل‌شده، دیگر توان جمع‌کردن آن تیم را نداشت و خیلی زودتر از آنکه شایسته‌اش باشد، بلیت برگشت از آلمان را اوکی کرد. مودریچ حالا به وضوح دارد آخرین تلاش‌ها برای ماندن در مستطیل سبز را انجام می‌دهد و احتمالا در این سال‌ها، دقایق بیشتری را روی نیمکت خواهد نشست. احتمالا هرچه بیشتر به‌کار گرفته شود، دل هواداران رئال بیشتر برای روزهای اوجش تنگ خواهد شد. هرقدر بیشتر به میدان بیاید، تفاوتش با آن مودریچ همه‌چیز تمام بیشتر به چشم خواهد آمد. می‌دانم که حالا گروهی در مادرید مانند گروه دیگری در کرواسی از حالا برای لحظه نحس خداحافظی مودریچ بغض کرده‌اند.

۳ این قطعا یکی از معمولی‌ترین ورژن‌های فوتبالی رونالدو بود. شبحی از یک ستاره بی‌نظیر که حالا فقط سرزمین عربستان و میان فوتبال نابلدهای سعودی می‌تواند بدرخشد و ستاره باشد. رونالدویی که هیچکس تصور نمی‌کرد روزی در کورس دونفره جا بماند، کسی بالای سرش هد بزند یا پنالتی را به بدترین شکل خراب کند؛ حالا اما همه این‌ها هست؛ به موازاتی که سطح فنی‌اش افت کرده، گوشه‌های غرورش هم سائیده شده و آن لبه تیزی که همیشه از رفتارش در گوشه قلب هواداران فرو می‌رفت دیگر وجود ندارد. رونالدو در بدترین تورنمنت فوتبالی‌اش تبدیل به دوست‌داشتنی‌ترین ورژن خود شد و دقیقا در روزهایی که دیگر ستاره بی‌بدیل پرتغال نبود، دل بسیاری از هواداران فوتبال برای دیدن قهرمانی دوباره‌اش غنج می‌رفت اما راستش برای قهرمان‌شدن به چیزی بیش از انرژی مثبت هواداران نیاز است. چیزی که دیگر به وضوح در ساق‌های رونالدو نیست.

۴ عجیب است که په‌په هنوز بازی می‌کند. او را از روزی که به یاد دارم فوتبالیست سن بالایی می‌شناختم و حالا وقتی می‌بینم هنوز توپ می‌زند متعجب می‌شوم! مدافع مستحکمی که هیچکس نفهمید کِی و کجا و چگونه از رئال جدا و از دیدها غیب شد تا دوباره جایی در یورو مقابل دوربین‌ها ظاهر شود، شکسته‌تر، پیرتر و البته مهربان‌تر!! خلاصه که دنیای فوتبال بالا و پایین زیاد دارد اما این سراشیبی این روزها طوری است که خیال می‌کنم دیگر هیچ‌گاه به روزهای خوش عشق‌بازی با ستاره‌هایی در این سطح برنخواهیم گشت.

حمید رستمی

تولد در دل جنگ و سیاست!

۱ این جمله ژوزه مورینیو در واکنش به خداحافظی زود هنگام تونی کروس از دنیای فوتبال را باید با آب طلا نوشت و بر سر در فیفا زد. اینکه باید قانونی وضع شود تا اجازه ندهد این پسر خوب آلمانی دنیای فوتبال را از وجودش محروم کند! کسی که تا همین ماه پیش عصای دست کارلو آنجلوتی در لالیگا و قهرمانی باشگاه‌های اروپا بود فصل بعد را باید در خانه بنشیند و از تلویزیون مسابقات کهکشانی‌ها را پیگیری کند. در حالی که بچه‌هایش از سر و کولش بالا می‌روند و با جسیکای همیشگی‌اش کل کل می‌کند حرص توپ لو دادن کاماوینگا و بازی از روی شکم سیری شوامنی را بخورد و به این فکر کند که اگر او در میانه میدان قوهای سفید برنابئو بود چگونه با یک بدن سه چهار نفر از هافبک‌های رقیب را می‌فرستاد لای شمشادها و توپی هلو زیر پای وینیسیوس یا امباپه می‌انداخت تا با دروازه‌بان حریف رخ در رخ شوند و توپ را از بغل پایش به جایی از دروازه قل بدهند که غم نباشد.

۲ همان پسرکی که کمتر از دو ماه بعد از فرو ریختن دیوار برلین و ۹ ماه قبل از اتحاد دو آلمان -که یادگار دوران جنگ سرد بود- به دنیا آمد و آنقدر بخت یارش بود که در زمان و مکان مناسب چشم به جهان بگشاید و دومین فوتبالیست مطرح زاده شده در بخش شرقی آلمان بعد از ماتیاس سامر لقب بگیرد و پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرده و هم پیراهن تیم ملی آلمان را به تن کند و هم پیراهن باشگاه‌های بزرگی چون رئال مادرید و بایرن مونیخ را، شاید اگر یک بد اقبالی تاریخی گریبانش را می‌گرفت در فوتبال بسته آلمان شرقی نهایتاً بازیکن فیکس دینامو درسدن یا هانزارشتوک می‌شد تا هیچگاه جایی بین بزرگان فوتبال جهان نداشته باشد. چرا که فوتبال در دنیای سوسیالیستی آلمان شرقی جزو مقولاتی بود که در درجه چندم اهمیت هم قرار نداشت و شاید هم به جای فوتبال سر از سازمان‌های اطلاعاتی اشتازی در می‌آورد و مجبور می‌شد از در و همسایه که هیچ، حتی از خودش هم گزارشات راست و دروغ سر هم کند تا به موجودیتش شک نکنند!

۳ فوتبال آلمان در این ۳۰ - ۴۰ سال اخیر ستارگان زیادی به خود دیده از دروازه‌بانانی چون بودو ایلگنر و چهره مخوف الیور کان گرفته تا آندریاس بره مه چپ پا که با آن گل از روی پنالتی‌اش در جام ۹۰ هنوز داغ دل آرژانتینی‌ها را تازه می‌کند، گیدو بوخوالد، اشتفان کونتز با آن ضربات مرگبار سرش که یک دفعه هنگام ضربات کرنر به صف مدافعان حریف می‌زد و توماس هسلر با آن پشت موی دوست داشتنی و ضربات کاشته پشت محوطه ۱۸ قدم‌اش، لوتارماتیوس با آن قدرت رهبری و استحکامش در خط میانی که با شوت‌های ناگهانی همراه می‌شد، یورگن کلینزمن با آن موقعیت شناسی و هوش ذاتی‌اش در امر گلزنی و رودی فولر با آن موهای تو دل برو و رندی خاصش حتی بعدها میرسلاو کلوزه با آن ظرافت بازی و گل‌های پرشمارش همه و همه در خاطرات جمعی علاقه‌مندان جا داشتند و دارند اما تونی کروس یک چیز دیگر بود. از تمام اینها داشت ولی خود به چنان تشخصی در بازی رسیده بود که حتی حضورهای نصف و نیمه‌اش در سال‌های پایانی فوتبالش نیز می‌توانست در نتیجه بازی تاثیرگذار باشد. کسی که با شماره ۸ جاودانه شده بود و ۱۰ سال تمام نبض بازی رئال را در دست داشت و با پاس‌های دقیق، سانترهای مفید، شوت‌های از راه دور و مهارت‌های تهاجمی چنان جای خود را در ترکیب تیم ملی آلمان و رئال تثبیت کرده بود که در ۳۰۶ بازی ۲۲ گل برای تیم اسپانیایی و در ۱۱۴ بازی ۱۷ گل برای آلمان به ثمر رساند تا با کوله‌باری از افتخارات از قهرمانی جام جهانی تا ۵ بار فتح لیگ قهرمانان اروپا و چهار بار فتح لالیگا و تعداد زیادی عناوین دیگر خود را بازنشسته کند تا فوتبال عنصر مهمی از جذابیت‌هایش را از دست بدهد در حالی که تا سه چهار سال آینده هم می‌توانست در برنابئو بدرخشد یا مثل سایر ستارگان در لیگ‌های عربی پول پارو کند ولی او به ذات فوتبال خیانت نکرد و حاضر شد که در اوج توپ فوتبال را ببوسد و کنار بگذارد.

۴ اما تونی در جذابیت دادن به میانه میدان برنابئو تنها نبود و کنار دستش لوکا مودریچ حضور داشت که علی‌رغم ۵ سال بزرگتر بودن همچنان برای رقص در مستطیل سبز بی‌تابی می‌کند. هرچند که شاید دیگر او را در آوردگاه‌های مهم جهانی و اروپایی نبینیم اما پسرک ریز اندام و با تکنیک کروات که او هم دوره کودکی و نوجوانی‌اش با اتفاقات تلخ و مرگبار و اندوهگین کننده جنگ بالکان همراه بود توانست با کمک خانواده‌اش از خطرات جانی جنگ چند ساله به رهبری میلوشوویچ که به قصاب بالکان مشهور بود در امان بماند و تمام زورش را در بازی فوتبال خلاصه کند و بعدها به یکی از بهترین و کاملترین هافبک‌ها و بازیسازهای تاریخ فوتبال بدل شود و با آن موهای افشان که همواره با کشی بسته می‌شود و قیافه‌ای همیشه تعریق کرده ولی خستگی ناپذیر با پاس‌های بیرون پا و تکنیکی مثال زدنی سال‌ها در سطح اول فوتبال اروپا خود را مطرح کند و ۴ سالی در باشگاه تاتنهام و حالا در سیزدهمین سال حضورش در رئال مادرید از هوادارانش دلبری کند. او که تا حالا در ۳۵۰ بازی‌اش در باشگاه مادریدی ۲۸ گل به ثمر رسانده بعد از تجزیه یوگسلاوی به کشورهای کوچکتر از جمله صربستان، کرواسی، بوسنی هرزگوین، مونته نگرو و ... هجده سال تمام پیراهن شطرنجی کروات‌ها را به تن کرده و در ۱۷۲ بازی ۳۴ گل به ثمر رسانده تا از همه جهات دستش پر از افتخارات ریز و درشت باشد و نایب قهرمانی جام جهانی ۲۰۱۸ و سومی ۲۰۲۲ را به تمام جام‌هایی که با رئال فتح کرده اضافه کند و حتی جزو معدود بازیکنان دنیا باشد که در حضور کریس رونالدو و لئو مسی توپ طلا را کسب کرده و به سال‌ها حکمرانی این دو ستاره بی‌بدیل خاتمه دهد. او که پدرش مسئولیت فنی فرودگاه زادار را به عهده داشت به زودی مجبور به ترک دیار شدند و به شهر توریستی زاتون نقل مکان کردند و با اسکان در یک هتل قدیمی به زندگی ادامه دادند و خانواده‌اش تلاش بسیار زیادی کردند تا او متوجه نشود خانه و کاشانه‌شان در اثر جنگ ویران شده و پدربزرگش جان خود را از دست داده است. او در ۱۵ سالگی به آکادمی دینامو پیوست و بعدها در حالی که ۱۸ سال بیشتر نداشت در موستار تبدیل به بهترین بازیکن لیگ بوسنی و هرزگوین شد تا بعد به دینامو زاگرب برگردد و چشم اسلاون بیلیچ او را بگیرد و پیراهن تیم ملی کرواسی را به او ارزانی کند. بیلیچ که اعتقاد ویژه‌ای به استعداد او داشت معتقد بود لوکیتا جانشین خلفی برای نسل طلایی کروات‌ها در دهه ۹۰ یعنی شوکر، بوبان و پروسینچکی خواهد بود که در جام جهانی ۱۹۹۸ به رهبری بلاژویچ برای نخستین بار نگاه جهانیان را به فوتبال کرواسی بعد از جنگ معطوف کردند و در فرانسه گل کاشتند. همان بلاژویچ که بعدها به ایران آمد و سرمربی تیم ملی شد و برانکو را تقدیم فوتبال ایران کرد در بازی دوستانه قبل از جام ۹۸ با ایران ستاره‌های ایرانی را پسندید و ادعا کرد که اگر یوگسلاوی بتواند ایران را در این جام شکست دهد او یک توپ فوتبال را قورت خواهد داد.

۵ لوکا وقتی از تاتنهام به رئال پیوست همزمان بود با آخرین فصل حضور مورینیو در مادرید که خیلی کم بازی به او رسید اما با پیوستن کارلو آنجلوتی ایتالیایی همه چیز به نفع کرایف بالکان شد و او یکی از ارکان اصلی موفقیت‌های بعدی رئال لقب گرفت تا جایگاه مستحکم‌تری هم در تیم ملی برای خود دست و پا کرده و در روسیه علی‌رغم شکست در فینال و دور ماندن از جام قهرمانی موفق به دریافت توپ طلای جام به عنوان بهترین بازیکن این رقابت‌ها شود و در روزهای پیش هم همچنان در مسابقات یورو تاثیرگذاری خود را حفظ کند. هرچند که شاید دیگر آخرین تورنمنت سطح اولش باشد تا فوتبال ملی جهان آرام آرام خود را برای دوران بی لوکیتایی آماده کند. همچنان که برای دوران بی تونی کروس، بی رونالدو، بی مسی، بی پیه، بی دی ماریا و .... آماده کرده است.

نادر نامدار

به لحظات جانکاه خداحافظی نزدیک می‌شویم

لوئیز سوارز، آنخل دی‌ماریا، پیه، تونی کروس، توماس مولر، لوکا مودریچ، اولیویه ژیرو، رابرت لواندوفسکی، مانوئل نویر، ایلکای گوندوغان و شاید گرانیت ژاکا، روملو لوکاکو، کوین دی‌بروینه، هری کین، کریستین اریکسن ... و چند ستاره دیگر احتمالا آخرین تورنمنت بزرگشان را با پیراهن تیم ملی پشت سر گذاشتند. درباره تک‌تک آنها می‌شود ساعت‌ها، فکر کرد و صفحه نوشت اما تا وقتی لیونل مسی و کریستیانو رونالدو هستند و اتفاقا جزو همین دسته هستند، ذهن‌مان خیلی سمتِ دیگران نمی‌رود.

گاهی فکر می‌کنم هم‌دوره شدن با این دو اعجوبه، چه ظلمی به امثال مودریچ، کروس، سوارز، دی‌بروینه و خیلی‌های دیگر کرده و اجازه نداده تا به آنها به اندازه استحقاق‌شان پرداخته شود. حتی همین حالا که دست و دلم برای نوشتن درباره کسی جز مسی و رونالدو نمی‌رود، گوشه دیگری از همین ظلم تاریخی است. اما چه کنم؟ مگر می‌شود گل بامداد دیروز مسی را دید و به این فکر نکرد که این احتمالا یکی از آخرین گل‌های او با پیراهن آرژانتین بوده؟ مگر می‌شود اشک‌های رونالدو را ببینیم و به روی خود نیاوریم که او حالا ۳۹ساله است و فوق فوقش یکی، دو سال دیگر می‌تواند گل بزند و شادی معروفش را اجرا کند؟

راستش از فکر کردن به لحظه خداحافظی این دو نفر با فوتبال، دست و دلم می‌لرزد. خیلی‌ها گفته‌اند و نوشته‌اند که ما نسل خوش‌شانسی بودیم که با مسی و رونالدو از دوران جوانی هم‌دوره بودیم و توانستیم تمام دوران فوتبال این دو نفر را تماشا کنیم و لذت ببریم. انصافا هم درست گفته‌اند. ۵ یا ۱۰ سال دیگر، باید در پیج‌های اینستاگرامی، گل‌های این دو ستاره را ببینیم، خاطراتشان برایمان زنده شود، کیف کنیم و برای نسل‌های بعدی تعریف کنیم و پُز بدهیم که ما تمام این لحظات را زنده و مستقیم از تلویزیون دیدیم، اشک ریختیم و خندیدیم.

بله. ما واقعا خوش‌شانس بودیم اما آن روی سکه هم هست. ما انصافا نسل بدشانسی هستیم که باید به زودی پخش زنده بازی و لحظه خداحافظی مسی و رونالدو را هم مثل گل‌هایشان ببینیم و بعدش همه چیز تمام شود. واقعا خوش به حال آنهایی که آنقدر پیر شده‌اند که آلزایمر گرفته‌اند، یا آنها که هنوز به دنیا نیامده‌اند یا آنقدر بزرگ نشده‌اند که عاشق فوتبال شوند و مجبور نباشند لحظه جانکاه خداحافظی کریس و لئو را ببینند و تاب بیاورند. واقعا خوش به حالتان! شما نمی‌دانید و نمی‌فهمید که چه چیزی را از دست می‌دهیم. نمی‌دانید و نمی‌فهمید که دیگر قرار نیست آن لحظات تلخ و شیرین برایمان تکرار شوند. نمی‌دانید و نمی‌فهمید که فوتبال قرار است چه چیزی را از دست بدهد؛ واقعا خوش به حال‌تان!

شاید اگر در این چند سال اخیر کسی بود که به ما اطمینان می‌داد بعد از مسی و رونالدو باز هم می‌توانیم کسی یا کسانی شبیه به آنها و در سطح آنها را ببینیم و لذت ببریم، این قدر غصه نمی‌خوردیم. اما در این مدت هر که آمده، جرقه‌ای بوده که زود خاموش شده و ناامیدمان کرده. آنسو فاتی را ببینید. می‌گفتند قرار است مسی بعدی بارسلونا باشد اما حالا هیچ خبری از او نیست. حتی بارسلونا هم به او روی خوش نشان نمی‌دهد و می‌خواهد هر جور شده او را به تیمی دیگر قرض بدهد تا بلکه شا